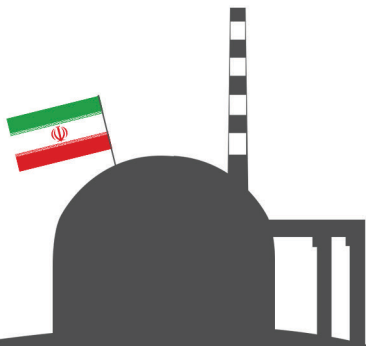


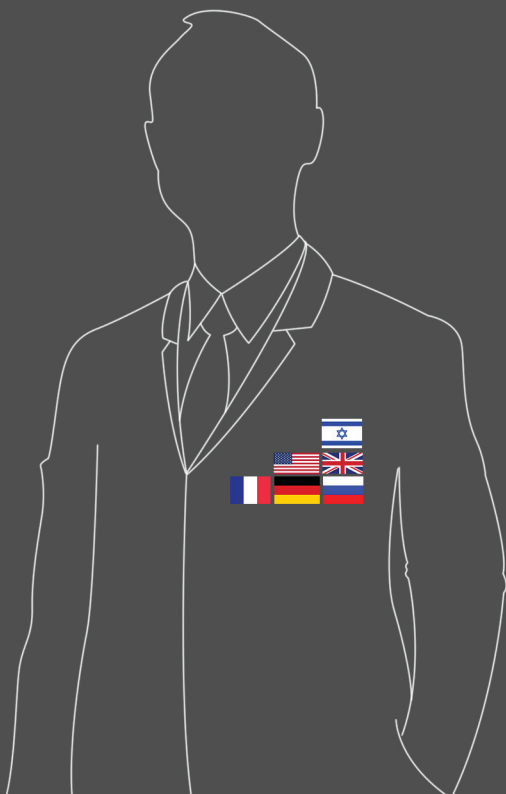


کالبد شکافی

ژنو ۳

بررسی ابعاد و پیامدهای فنی، حقوقی، سیاسی،
اجتماعی، اقتصادی و راهبردی
توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و ۱+۵

به همت: جمعی از نویسندگان
مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی تابان





کالبد شکافی ژنو ۳

بررسی ابعاد و پیامدهای فنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و راهبردی
توافق نامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و ۱+۵

نویسنده: جمعی از پژوهشگران

طرح جلد و صفحه آرایی: کارگاه طراحی یاقوت

ناشر: مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی تابان

شمارگان: ۹۹۹ نسخه

زمستان ۱۳۹۲

تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی تابان است.

تلفن تماس: ۹۹۹۹

www.۹۹۹۹۹۹.ir

بررسے ابعاد و پیامد های فنی، سیاسی، اجتماعی،
اقتصادی، حقوقی و راهبردی توافق نامه
هستهای جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ
الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، تا (به طور کامل، تسلیم
خواسته‌های آن‌ها شوی، و) از آیین (و راه روش) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت،
تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از
آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاورى از سوى خدا برای تو نخواهد بود.

قرآن کریم؛ سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۲۰

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه):

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیمان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه‌توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزی‌های بی‌مورد و اعتراض‌های کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی‌ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی‌ها و شرقی‌ها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند! آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم‌السلام - را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آن‌ها ولی و قیّم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی»

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی):

این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد با شش کشور - که آمریکا هم جزو این شش کشور است - فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر. مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد. البته بنده همچنان که گفتم خوش‌بین نیستیم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنند، قرص و محکم حمایت می‌کنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغات‌چی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغات‌چی‌های بی‌مزد و موجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را همراه کنند. یکی از ترفندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این‌جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ می‌کنند. البته تبلیغات‌چی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط می‌دهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند این‌ها حل خواهد شد؛ این خطا است... به دشمنی که لبخند می‌زند، اعتماد نکنید؛ ... مراقب باشید لبخند فریب‌گرانه شما را دچار اشتباه نکند، دچار خطا نکند؛ ریزه‌کاری‌های کار دشمن را ببینید.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۳/۸/۱۳۹۲

تقدیم به شهدای جهاد علمی

که با استقامت خود در سنگر دانش و فناوری

پرچم اقتدار جمهوری اسلامی ایران را برافراشته نگاه داشتند.

فهرست

مقدمه	۲
فصل ۱- نگاهی اجمالی به برنامه هسته‌ای ایران	۶
فصل ۲- داده‌ها و ستانده‌های توافق ژنو	۳۰
فصل ۳- بررسی حقوقی بیانیه ۲۴ نوامبر ژنو	۵۴
فصل ۴ - ابعاد و تبعات امنیتی توافق‌نامه ژنو	۶۸
فصل ۵- تأثیر مذاکرات هسته‌ای بر مسائل سیاسی- اجتماعی داخلی	۷۶
فصل ۶- بررسی و ارزیابی راهبردی مذاکرات هسته‌ای و توافق‌نامه ژنو	۱۰۲
فصل ۷ - آینده پژوهی و واکاوی سناریوهای آتی مذاکرات هسته‌ای	۱۲۶
پیوست ۱: ترجمه کامل متن توافق‌نامه ژنو ۳	۱۳۸
پیوست ۲: تفسیر رسمی آمریکا از توافق‌نامه ژنو	۱۴۶
پیوست ۳: مفاد پروتکل الحاقی	۱۵۶

مقدمه

بامداد روز یکشنبه ۳ آذر ۱۳۹۲ مطابق ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ خبرنگاران از محل هتل ایترکتیننتال واقع در شمال غرب ژنو خبری را مخابره کردند که خیلی زود به تیتیر یک رسانه‌های جهان تبدیل شد. امضای توافق میان ایران و گروه ۵+۱۱ - که به توافق «ژنو ۳» موسوم گشت - بعد از ۴ روز مذاکره فشرده در جریان مذاکرات معروف به «ژنو ۶» و در حالی که به گمان برخی دستیابی به توافق دشوار می‌نمود تا مدت‌ها بحث اصلی محافل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی را به خود اختصاص داد.

در کشور ما نیز این توافق‌نامه ۲ با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد، به

۱ - که به آن گروه ۳+۳ نیز گفته میشود.

۲ - همانطور که در فصل مربوط به بررسی حقوقی این توافق‌نامه بیان خواهد شد از نظر حقوق بین‌الملل، ماهیت حقوقی توافقی صورت گرفته در ژنو، یک بیانیه مشترک است اما در طول این کتاب از واژگانی چون

گونه‌ای که برخی از ذوق‌زدگی آن را «فتح‌الفتوح» دانسته و برخی نیز در طرف مقابل آن را با عهدنامه «ترکمانچای» مقایسه نمودند. آنچه مسلم است دستیابی به یک فهم دقیق و منطقی از این توافق‌نامه و نیز ابعاد و پیامدهای آن، نیازمند کار عمیق علمی و بهره‌گیری از توان کارشناسی است. در این مدت کوتاه از امضای این موافقت‌نامه، هر چند نقد و اظهار نظرهای متعددی از سوی کارشناسان و فعالان سیاسی و حقوقی منتشر گردیده و بعضاً در آن‌ها نکات قابل توجهی به چشم می‌خورد، اما هیچ بررسی و ارزیابی جامع، راهبردی و چند بعدی از این مسئله نیز و کلیت مذاکرات انجام نگرفته بود و خلأ آن به وضوح مشاهده می‌گردید.

واقعیت آن است که این توافق و مذاکرات پیرامونی آن بایستی در بستری از روندها و رویدادهای گوناگون ارزیابی گردد و ارائه یک تحلیل جامع و راهبردی از آن بدون در نظر گرفتن اهداف کلان و راهبردی غرب در مذاکرات ممکن نیست. آنچه روشن است، نگاه طرف غربی به فرایند مذکور، بسیار وسیع‌تر از موضوع هسته‌ای و ادعای واهی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی است. طرف غربی، طیف وسیعی از کارکردهای سیاسی اجتماعی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را برای این فرایند در نظر گرفته است که عمده آن در چارچوب راهبرد کلی مهار جمهوری اسلامی ایران تعریف و تبیین می‌گردد.

با توجه به اهمیت و تأثیر این توافق‌نامه بر آینده کشور و منافع ملی و راهبردی آن، مرکز آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی تابان با مشاهده این خلأ موجود و با هدف ارائه یک بررسی همه‌جانبه و چندبعدی از این توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، اقدام به انتشار کتاب حاضر نموده است. گروه نویسندگان این کتاب، مجموعه‌ای از پژوهشگران و کارشناسان

مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی تابان در حوزه‌های گوناگون حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و راهبردی هستند که هر یک از دریچه‌ای به موضوع نگریسته و در تلفیق و هم‌افزایی با یکدیگر به ارائه یک نگاه جامع در این خصوص پرداخته‌اند.

در فصل نخست کتاب با نگاهی اجمالی به برنامه هسته‌ای ایران، به تحلیل چرایی نیاز جمهوری اسلامی ایران به فناوری هسته‌ای، تاریخچه و اجزای برنامه هسته‌ای ایران و روند تحولات این پرونده حساس پرداخته شده است. فصل دوم این کتاب به «داده‌ها و ستانده‌های توافق ژنو» اختصاص داده شده است که در آن‌ها امتیازهای طرفین خصوصاً طرف غربی در حوزه تحریم‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم جوانب حقوقی بیانیه ۲۴ نوامبر ژنو از منظر حقوق بین‌الملل مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

در فصل چهارم این کتاب ابعاد و تبعات امنیتی توافق‌نامه ژنو و نیز پذیرش پروتکل الحاقی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در فصل پنجم تأثیر مذاکرات هسته‌ای بر مسائل سیاسی- اجتماعی داخلی کشورمان ارزیابی گردیده است. موضوع فصل ششم این کتاب به «بررسی و ارزیابی راهبردی مذاکرات هسته‌ای و توافق‌نامه ژنو» اختصاص داده شده و بر این مبنا در فصل هفتم به آینده پژوهی و واکاوی سناریوهای آتی مذاکرات هسته‌ای پرداخته شده است.

در انتهای کتاب و در قسمت پیوست‌ها، ترجمه کامل متن توافق‌نامه ژنو، بیانیه تفسیر رسمی آمریکا از توافق‌نامه ژنو و نیز مفاد پروتکل الحاقی جهت اطلاع خوانندگان محترم آورده شده است.

در پایان لازم است از تیم کارشناسی و پژوهشگرانی که در تألیف این کتاب همکاری و هم‌اندیشی نمودند؛ آقایان ساسان زارع، جواد مصطفی‌لو، احمد

کمالی، ابوذر زارع درخشان، حمیدرضا شاه‌نظری، رسول یوسفی، مصطفی بهادران، سید یحیی علوی، جواد نیکی‌ملکی، محسن غفوری، مهدی فیروزکوهی، هادی تاجیک و محمدجواد اخوان تشکر و سپاسگزاری نمایم. روشن است که هر کلامی جز کلام ذات باری تعالی و معصومین «علیهم‌السلام» مصون از خطا نیست و همچنین از آنجا که این مجموعه جزو اولین کتاب‌هایی است که در خصوص این توافق‌نامه به رشته تحریر درآمده است، بروز اشتباهات علمی و چاپی در آن دور از ذهن نیست. تذکر خوانندگان فهیم و اهل نظر این کتاب، نویسندگان آن را در بهبود و رفع نواقص در آینده یاری خواهد نمود.

وآخر دعونا أن الحمد لله رب العالمین

رضا سراج، مدیر مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی تابان

زمستان سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی

فصل ۱ نگاهی اجمالی به برنامه هسته‌ای ایران

شاید دو دهه پیش شنیدن نام انرژی هسته‌ای برای ایران عمدتاً یادآور تأثیر این فناوری نوین در جنگ جهانی دوم و به‌کارگیری آن در تولید بمب اتمی (که به ویرانی دو شهر هیروشیما و ناگازاکی و به کشته شدن آنی ۲۲۰ هزار نفر بی‌گناه انجامید) بود. اما چند سالی است که ایرانیان به جرگه کشورهای دارای فناوری صلح آمیز هسته‌ای پیوسته‌اند، از موهبات این فناوری و صنعت بهره برده و نماد پیشرفت و اقتدار علمی و ملی کشور شده است.

در این فصل با بررسی اجمالی ماهیت صنعت و فناوری هسته‌ای، به تحلیل چرایی نیاز جمهوری اسلامی ایران بدان پرداخته و با معرفی تاریخچه و اجزای برنامه هسته‌ای ایران به مروری گذرا بر روند تحولات این پرونده حساس می‌پردازیم.

■ فناوری هسته‌ای یا صنعت هسته‌ای؟

نکته‌ای که توجه به آن در فهم واقعیت‌های برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیاز است توجه به تمایز بین فناوری و صنعت هسته‌ای است. گستره فناوری، یک قلمرو عمدتاً نرم افزاری است که از تسلط کامل بر علوم محض آغاز شده و با کاربردی کردن آن‌ها و مرتبط ساختن آن‌ها با یکدیگر در نهایت به ساخت یک وسیله یا یک ماده در اندازه‌های آزمایشگاهی و در صورت لزوم در اندازه‌های نیمه صنعتی منتهی می‌گردد. در صورتی که گستره صنعت، یک قلمرو سخت افزاری است که به نمایش عینی علوم و فناوری و تولید فراورده آن‌ها می‌پردازد. یک کشور می‌تواند واجد فناوری باشد ولی در عین حال به صنعت آن نپردازد، زیرا عوامل مؤثر بر تبدیل فناوری به صنعت را باید در ویژگی‌ها و زیربنای اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و حتی فرهنگی جستجو نمود. از طرف دیگر، چنانچه یک کشور واجد یک صنعت باشد، این امر بدان مفهوم نخواهد بود که فن آوری آن را هم داراست؛ صنعت مونتاژ، نمونه بارز چنین رهیافتی است.^۱

از این نقطه نظر، زمانی می‌توان یک کشور را کشوری توسعه یافته در زمینه هسته‌ای دانست که هم فناوری و هم صنعت هسته‌ای را دارا باشد. همچنین باید بین دو مفهوم تولید و استفاده نیز تمایز قائل شد. بدیهی است قلمرو تولید علم، فناوری و یا ایجاد صنعت با قلمرو استفاده از علم، فناوری و صنعت متفاوت است. توسعه یافتگی هسته‌ای زمانی حاصل می‌شود که یک کشور در تولید علم، فناوری و صنعت قدم بردارد، نه این که تنها استفاده کننده آن‌ها باشد.^۲

۱ - نک به: غریب‌آبادی، کاظم، برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷.

۲ - پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران. گردآوری و تنظیم حسین موسویان. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۳۸۶. صص ۴۰۶-۴۰۴.

با توجه به موارد مذکور، کشورهای توسعه یافته‌ی هسته‌ای که در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری هسته‌ای پیشرفت کرده‌اند، بسیار اندک اند. جمهوری اسلامی ایران با برنامه‌ریزی گسترده توانسته است در هر دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری هسته‌ای پیشرفت نماید و در این زمینه دستاوردهای سترگی حاصل شده است.

■ چرایی نیاز به انرژی هسته‌ای

یکی از سؤالاتی که گاه مطرح می‌شود آن است که اساساً چه نیازی به انرژی هسته‌ای، آن هم برای کشوری چون جمهوری اسلامی ایران با داشتن ذخائر عظیم سوخت فسیلی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال از دو منظر می‌توان مسئله را تحلیل نمود: الف) از جنبه علمی و کارکردی صنعت هسته‌ای؛ ب) تحلیل اقتصادی-اجتماعی انرژی هسته‌ای

الف) جنبه علمی و کارکردی صنعت هسته‌ای:

علوم و فناوری هسته‌ای در حال حاضر به عنوان فناوری برتر (high-tech) محسوب می‌شود. امروزه تأثیر این علوم بر افزایش دانش بشری، طبیعت حاکم و ارائه رفاه و خوشبختی به زندگی بشری غیرقابل تردید است و می‌تواند به عنوان یک عنصر اساسی و مبنای ضروری برای توسعه پایدار به شمار آید. هرچند به تصور برخی این فناوری تنها در حوزه تولید نیروی برق کاربرد دارد اما حقیقت آن است که در طول نیم قرن گذشته، در پرتو تلاش‌های دانشمندان در سراسر جهان این فناوری نقش مهمی را در توسعه صنعت، کشاورزی و پزشکی ایفاء کرده است. استفاده رادیوایزوتوپ‌ها در شناسایی و درمان بیماری‌ها، کاربرد فناوری هسته‌ای در تولید برق و تولید مواد باکیفیت و مقاومت ویژه و همچنین تولید محصولات کشاورزی مقاوم در برابر خشکسالی و آفات، فقط برخی از کاربردهای این علم در پزشکی، صنعت و کشاورزی

محسوب می‌شود.^۱

از جمله کاربرد فناوری هسته‌ای در حوزه‌ی پزشکی می‌توان به تهیه و تولید رادیوداروی ید ۱۳۱ (برای تشخیص بیماری‌های تیروئید و درمان آن‌ها)؛ تهیه و تولید کیت‌های رادیودارویی جهت مراکز پزشکی هسته‌ای؛ کنترل کیفی رادیوداروهای خوراکی و تزریقی برای تشخیص و درمان بیماری‌ها؛ تهیه و تولید کیت‌های هورمونی؛ تشخیص و پیگیری درمان سرطان پروستات؛ بررسی مراکز عفونی در بدن؛ تشخیص سرطان‌های کولون، پانکراس، روده کوچک و برخی سرطان‌های سینه؛ شناخت محل تومورهای سرطانی و بررسی تومورهای مغزی، سینه و ناراحتی‌های ریوی؛ تصویرگیری بیماری‌های قلبی، تشخیص عفونت‌ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته‌های وریدی؛ تشخیص کم‌خونی‌ها یا سندرم اختلال در جذب ویتامین ب ۱۲؛ تولید دزی‌مترهای جیبی و محیطی و سترون سازی (استرلیزاسیون) لوازم پزشکی یک‌بار مصرف اشاره نمود.

از جمله کاربرد انرژی اتمی در بخش دامپزشکی و دام‌پروری، نقش تکنیک‌های هسته‌ای در پیشگیری، کنترل و تشخیص بیماری‌های دامی، تولید مثل دام، تغذیه دام، اصلاح نژاد دام و بهداشت و ایمنی محصولات دامی و خوراک دام. امروز از فناوری هسته‌ای برای شناسایی حوزه‌های آب‌خیز زیرزمینی، هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی، کشف و کنترل آلودگی و کنترل نشت و ایمنی سدها و همچنین در شیرین کردن آب شور و آب دریا نیز استفاده می‌شود.

در بخش صنایع غذایی و کشاورزی، جلوگیری از جوانه زدن محصولات غذایی، کنترل و از بین بردن حشرات، به تأخیر انداختن زمان رسیدن محصولات غذایی، افزایش زمان نگهداری، کاهش میزان آلودگی میکروبی، از بین بردن ویروس‌ها، طرح‌های باردهی و جهش گیاهانی چون گندم، برنج و پنبه از جمله کاربردهای صنعت هسته‌ای است.

از جمله کاربردهای فناوری اتمی در بخش صنایع می‌توان به تهیه و تولید چشمه‌های پرتوایی کبالت برای مصارف صنعتی، تولید چشمه‌های ایزیدیم برای کاربردهای صنعتی و بررسی جوشکاری در لوله‌های نفت و گاز، و همچنین تولید چشمه‌های پرتوزا برای موارد دیگری مثل طراحی و ساخت انواع سیستم‌های هسته‌ای جهت کاربردهای صنعتی، اندازه‌گیری خاکستر ذغال سنگ، بررسی کوره‌های مذاب شیشه‌سازی جهت تعیین اشکالات آن‌ها، نشت‌یابی در لوله‌های انتقال نفت اشاره نمود.

در سال ۱۳۸۳ ه. ش. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تکنیک‌های هسته‌ای در کرواسی به صورت آزمایشی برای شناسایی مین‌های ضدفر استفاده نمود. نتیجه این بود که اندازه‌های خاصی از این مین‌ها در اعماق مختلف و در شرایط خشکی خاک شناسایی شدند.

البته همان‌گونه که بسیاری می‌دانند با توجه به مزیت‌های متنوع انرژی هسته‌ای، مهم‌ترین کاربرد این انرژی در حوزه تولید الکتریسیته یا برق هسته‌ای می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران با فهم این اهمیت راهبردی این حوزه علم و فناوری تلاش نموده است تا گام‌هایی در جهت بومی‌سازی آن در حوزه‌های گوناگون مورد نیاز خود بردارد.

(ب) تحلیل اقتصادی اجتماعی انرژی هسته‌ای:

با توجه به این که در حال حاضر مقوله انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل تولید به شمار می‌آید دسترسی به منابع ارزان انرژی و در عین حال سهل‌الوصول از اهداف استراتژیک کشورهای توسعه یافته محسوب می‌گردد. بنابراین، در راستای ایجاد تداوم و امنیت عرضه انرژی، اعمال تمامی راهکارهای ممکن، غیرمنتظره نخواهد بود.

همچنین نیازهای آتی جهان به انرژی جهت دستیابی به رشد و تداوم توسعه

اقتصادی را نیز می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد صنعت هسته‌ای محسوب نمود. برآوردهای صورت گرفته توسط آژانس اطلاعات انرژی (EIA)، حاکی از افزایش ۵۸ درصدی تقاضای جهانی انرژی تا سال ۲۰۲۵ است. رشد اقتصادی کشورهای جهان، مؤثرترین عامل در تغییر تقاضای انرژی شناخته شده است. در این میان، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های اقتصادی آن‌ها در روندی مثبت در حال بازسازی و آزادسازی عوامل عرضه و تقاضا است با انتقال سیاست‌گذاری متمرکز دولتی به بخش‌های خصوصی در پی ارتقای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی خود برآمده‌اند. از دیگر عوامل مؤثر بر تقاضای انرژی، رشد جمعیت است. بر اساس پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده، میزان افزایش جمعیت جهان با نرخ حدود یک درصد به طور متوسط سالانه به ۸۰۱۰ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت.^۱ بالاترین درصد افزایش جمعیت به کشورهای خاورمیانه تعلق داشته و منطقه جنوب غرب آسیا یکی از پر جمعیت‌ترین نقاط جهان در سال ۲۰۲۵، بیش از نیمی از جمعیت کره زمین را در خود جای می‌دهد.

مصرف سوخت‌های فسیلی، نفت و گاز طبیعی در جهان در جهان، هر ساله به طور چشمگیری افزایش یافته است. با توجه به رشد جمعیت و همچنین تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان و افزایش تقاضا برای حامل‌های انرژی، میزان برق مورد نیاز جهانی نیز رو به افزایش خواهد بود. تولید جهانی برق تا سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت هر ساله ۲/۴ درصد رشد خواهد کرد و به ۳۰/۳۶۴ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. در حالی که در حال حاضر کشورهای جهان سوم و در حال توسعه ۲۶ درصد کمتر از کشورهای توسعه یافته برق مصرف کرده‌اند اما در سال ۲۰۳۰ نسبت به این کشورها ۳۰ درصد

۱ - آمار جمعیت دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد:

افزایش مصرف خواهند داشت.^۱

از سویی نیازهای فعلی ایران به الکتریسیته بسیار بیشتر از حد پیش بینی شده می‌باشد. ایران با رشد سالانه ۶ تا ۸ درصد تقاضا برای الکتریسیته و افزایش جمعیتی که تا سال ۲۰۲۵ به ۱۰۰ میلیون نفر می‌رسد، نمی‌تواند صرفاً بر منابع نفت و گاز خود برای تولید الکتریسیته اتکا نماید. در نتیجه برق هسته‌ای گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر در برابر برق حاصله از سوخت‌های فسیلی خواهد بود.

بر اساس آمار چشم‌انداز جهانی انرژی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که استراتژی میان مدت و بلندمدت انرژی جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه شاهد تحولات فزاینده‌ای است به گونه‌ای که برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی انرژی در سایه راهبردهای متعارف و متکی به منابع انرژی‌های سنتی، راه‌گشای اهداف توسعه پایدار در این کشورها نخواهد بود. بنابراین، رویکرد و گزینه‌ای به جز اتخاذ استراتژی بهره‌برداری از منابع انرژی‌های جایگزین باقی نخواهد ماند که در این زمینه، برق هسته‌ای یکی از گزینه‌های دارای اولویت محسوب می‌شود.

بر اساس سیستم‌های برنامه‌ریزی انرژی که در چارچوب استانداردهای قابل قبول جهانی تدوین شده‌اند جایگاه برق هسته‌ای در آرایش نیروگاهی کشورها در اولویت اول تا سوم قرار دارد. مطمئناً این اولویت‌بندی پس از اعمال عوامل تأثیرگذار زیست‌محیطی و احتساب هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی برای نیروگاه‌های برق هسته‌ای، غیرقابل مقایسه با منابع انرژی فسیلی خواهد بود. البته بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد که تولید الکتریسیته از نیروگاه‌های هسته‌ای، سالانه به طور متوسط ۱/۳ درصد رشد خواهد داشت و به ۳/۶۱۹ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت. بنا بر پیش‌بینی اتحادیه

1 - BP Amoco Statistical Review of World Energy, 2006 Edition

2 - Energy Information Administration (EIA), International Energy Outlook 2006, p 63, web site: www.eia.doe

جهانی هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ به طور میانگین هر ۵ روز یک‌بار یک نیروگاه هسته‌ای در جهان آغاز به کار می‌کند.

از جنبه زیست محیطی نیز اگر به انرژی هسته‌ای بنگریم به نکات مهمی دست خواهیم یافت. امروزه بیشتر انرژی‌ای که برای تولید برق، کارخانه‌ها، راه‌اندازی وسایل نقلیه و گرم کردن منازل استفاده می‌شود از سوزاندن سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. منابع فسیلی از جمله زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی آنچنان به سرعت مصرف می‌شوند که در آینده نه چندان دور تا اندازه گسترده‌ای از بین می‌روند. ضایعات تمام سوخت‌های فسیلی به طور مستقیم در هوا پراکنده می‌شود؛ بخش اعظم این ضایعات، به شکل گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسید کربن است. ضایعات ناشی از سوخت‌های فسیلی سالانه ۲۵ میلیارد تن دی‌اکسید کربن به جو زمین اضافه می‌کند. این مقدار برابر است با ۷۰ میلیون تن در هر روز و یا ۸۰۰ تن در هر ثانیه. تأثیر عمده سوخت‌های فسیلی بر محیط زیست، مشکلی فزاینده است که جامعه جهانی را به سوی دستیابی به سوخت‌های بهتر و یا سوخت پاک سوق داده است.

بر اساس اطلاعات موجود، در سال ۲۰۰۴ میزان انتشار دی‌اکسید کربن از ۲۳ میلیارد و ۸۹ میلیون تن در سال به ۳۷ میلیارد و ۱۲۳ میلیون تن افزایش یافته و علی‌رغم توجه و کنترل کشورها در عدم آلودگی جو کره زمین و برقراری محدودیت‌های الزامی در این زمینه به واسطه افزایش تقاضای انرژی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، میزان دی‌اکسید کربن تا سال ۲۰۲۵ همچنان افزایش خواهد یافت. آسیا با ۲/۸ درصد در سال بالاترین نرخ و کشورهای اروپای غربی با ۰/۶ درصد به طور متوسط، سالانه کمترین میزان انتشار گاز کربنیک را تا سال ۲۰۲۵ خواهند داشت. سهم آلودگی کشورهای در حال توسعه آسیایی از گاز کربنیک تولید شده توسط تمامی کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۲۵، معادل ۶۸/۷۴ درصد می‌باشد و کشورهای آفریقائی با ۸/۲۳ درصد کمترین سهم را در میزان آلودگی به خود اختصاص خواهند داد.

همگام با افزایش تقاضای انرژی در کشورهای در حال توسعه، میزان دی‌اکسید کربن نیز در این کشورها همچنان افزایش خواهد یافت. از این‌رو، متناسب با میزان رشد مصرف انرژی و سهم کشورها در آلودگی محیط زیست، می‌بایست راهکارهای حفظ محیط زیست و نهایتاً دستیابی به توسعه پایدار به طور جدی رعایت گردد. در این زمینه می‌توان بر گرایش جدی به سوی منابع انرژی جایگزین و پاک تأکید نمود. بدون تردید، انرژی اتمی یکی از انرژی‌های پاک است که قادر است به میزان بالا و مقرون به صرفه، جایگزین منابع انرژی‌های فسیلی و آلاینده گردد.

یک نیروگاه هزار مگاواتی، سالانه به طور متوسط به ۲٫۵ میلیون تن زغال سنگ یا ۱٫۶ میلیون تن نفت (۱۰ میلیون بشکه) یا ۱٫۵ میلیون متر مکعب گاز یا ۱۵۰ تن اورانیوم طبیعی (۲۵ تن اورانیوم غنی شده ۳ درصد) نیاز دارد. در صورت استفاده چنین نیروگاهی از زغال سنگ در طول یک سال ۲۴۰۰۰۰ تن خاکستر، ۲٫۷ میلیون تن دی‌اکسید کربن، منو اکسید کربن، اکسیدهای تن خاکن، هیدروژن، اکسیدهای سولفور و ۲۷۰ تن فلزات سمی به محیط زیست وارد خواهد شد. این در حالی است که انرژی هسته‌ای، معادل یک تن پسماند رادیواکتیو - که می‌تواند جهت ایمنی به جامد تبدیل و نهایتاً دفن شود - از خود برجای می‌گذارد.

علاوه بر این ارزش تولیدی انرژی هسته‌ای از انرژی فسیلی بیشتر است به گونه‌ای که یک تن زغال سنگ ۰٫۳۶ مگاوات روز و یک تن نفت ۰٫۶۴ مگاوات روز ارزش حرارتی دارند در حالی که یک گرم اورانیوم ۲۳۵ مگاوات روز ارزش حرارتی دارد. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که یک گرم اورانیوم ۲۳۵ حدود ۲٫۷ میلیون برابر زغال سنگ و ۱٫۶ میلیون برابر نفت بازده انرژی حرارتی دارد.^۱

۱ - قریب، احمد، پیدایش و کاربردهای علوم و فناوری های هسته‌ای. تهران: سازمان انرژی اتمی، ۱۳۸۴. صص ۵۵۴-۴۹۹.

■ برنامه هسته‌ای ایران

اولین تلاش‌های ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای به دهه ۱۹۵۰ میلادی باز می‌گردد و جالب این است که ایالات متحده آمریکا نخستین کشوری بود که ایران را به دستیابی به فناوری هسته‌ای ترغیب و این فناوری را به ایران منتقل کرد. اولین قدم جدی در زمینه استفاده از علوم و فناوری هسته‌ای در ایران در سال ۱۳۳۵ ه. ش. (۱۹۵۶ م) برداشته شد. در ۱۴ اسفند ۱۳۳۵ (۵ مارس ۱۹۵۷) موافقت‌نامه همکاری بین دولت ایالات متحده آمریکا و دولت ایران راجع به استفاده‌های غیرنظامی از انرژی اتمی امضاء گردید.^۱

به موازات موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای بین ایران و آمریکا، انستیتو علوم هسته‌ای که تحت نظارت سازمان مرکزی پیمان سنتو بود از بغداد به تهران منتقل شد و دانشگاه تهران، مرکزی را تحت عنوان مرکز اتمی دانشگاه تهران برای آموزش و پژوهش هسته‌ای پایه‌گذاری نمود و چندی بعد رآکتور تهران ذیل این مجموعه راه اندازی شد.

در سال ۱۳۵۳ سازمان انرژی اتمی ایران تشکیل شد و مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران تحت نظارت این سازمان قرار گرفت. هدف از تاسیس این سازمان، منظم ساختن برنامه هسته‌ای ایران بود. با نظری به فعالیت‌های هسته‌ای طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ مشخص می‌گردد ایران ارتباط خود را با کشورهای خارجی به ویژه فرانسه و آلمان در زمینه علوم و فناوری هسته‌ای توسعه داده و قراردادهای مختلفی نیز منعقد گردید. متعاقب تأسیس سازمان انرژی اتمی و انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری هسته‌ای، فعالیت‌های هسته‌ای ایران با تحولی چشمگیر مواجه گردید. تعداد نیروهای شاغل در سازمان به شدت افزایش یافت به نحوی که در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۴۴۰۰ نفر بالغ گردید.

۱ - غریب‌آبادی، کاظم، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶. ص ۱۳.

علاوه بر این، ده‌ها کارشناس جهت فراگیری علوم و آموزش‌های لازم به عنوان بورسیه به خارج از کشور اعزام گردیدند. در این زمینه، عمدتاً کشورهای آمریکا، انگلستان، آلمان غربی، فرانسه، کانادا، ایتالیا و بلژیک محل آموزش کارشناسان ایرانی بودند.^۱

در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۷۴ نیز به مناسبت دیدار رسمی شیراک-نخست وزیر وقت فرانسه- از ایران مذاکراتی بین مقامات دو دولت در ارتباط با مشارکت ایران در کارخانه‌های غنی‌سازی اورانیوم با استفاده از فرآیند انتشار گازی فرانسوی به‌ویژه یورودیف ۱، صورت گرفت و موافقت‌نامه همکاری بین طرفین در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و مسائل مالی مربوطه منعقد گردید.^۲

اصلی‌ترین و پرهزینه‌ترین هدف هسته‌ای در قبل از انقلاب اسلامی، ایجاد نیروگاه‌های اتمی بود. ایران در سال ۱۹۷۴ قراردادی با موسسه تحقیقاتی استنفورد- که یک موسسه آمریکایی وابسته به دانشگاه استنفورد بود- منعقد کرد که طی آن این موسسه به عنوان مجری تحقیق و ارائه چشم‌اندازی میان مدت در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و صنعتی برای توسعه ایران انتخاب شد. نهایتاً موسسه استنفورد در یک مطالعه ۲۰ جلدی که به ایران ارائه کرد پیشرفت صنعتی و اقتصادی ایران را متکی به تولید ۲۰ هزار مگاوات برق تا سال ۱۹۹۵ و راه اساسی تولید این مقدار برق را از طریق تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران قلمداد کرد.^۳

۱- پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران. همان، صص ۴۵۵-۴۵۳.

۲- غریب‌آبادی، کاظم، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد. همان، ص ۴۹.

۳- علیخانی، مهدی، شاه و اتم: چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌ای ایران. پایگاه خبری شریف نیوز، ۱۶ بهمن ۱۳۸۴. همچنین ر.ک:

Kave.L.Afrasiabi, Iran's Nuclear Program: Debating Facts versus Fictions, Book-Surge, LLC, 2006, P. 19.

بر این اساس از ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷، قرارداد یا قولنامه ساخت هشت نیروگاه اتمی بین سازمان انرژی اتمی و پیمانکاران خارجی به امضاء رسید:

۱. نیروگاه اتمی بوشهر (دو واحد): قرارداد ساخت این دو واحد هر یک با قدرت ۱۳۰۰ مگاوات با شرکت آلمانی KWU منعقد گردید. از زمان انعقاد تا هنگام تعلیق قرارداد توسط آلمان‌ها در ۱۳۵۸، کارهای ساختمانی واحد یک این نیروگاه حدود ۸۰ درصد و کارهای برقی و مکانیکی آن نیز حدود ۶۰ درصد انجام شده بود.

۲. نیروگاه اتمی کارون (دو واحد): مذاکرات ساخت این دو واحد هر یک با قدرت ۹۵۰ مگاوات با شرکت فرانسوی فراماتوم انجام و مکان نیروگاه در نزدیکی دارخوین تعیین شده بود. مقوله نامه‌های این واحدها با شرکت مذکور به امضاء رسید اما به سرانجام نرسید.

۳. نیروگاه اتمی اصفهان (دو واحد): موافقت‌نامه ساخت این دو واحد نیروگاهی هر یک با قدرت ۱۲۹۰ مگاوات با شرکت آلمانی KWU به امضاء رسید، اما به سرانجام نرسید.

۴. نیروگاه اتمی ساوه (دو واحد): موافقت‌نامه ساخت این دو واحد نیروگاهی هر یک با قدرت ۱۲۹۰ مگاوات با شرکت آلمانی KWU به امضاء رسید، اما به سرانجام نرسید.^۱

پس از سرنگونی رژیم شاه پهلوی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت همچنان به عضویت و پابندی خود به NPT (موافقت‌نامه پادمان و اساس‌نامه آژانس) ادامه دهد. با وجود این حسن نیت، سرنوشت خوبی در انتظار قراردادهای هسته‌ای ایران نبود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای غربی اجرای موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای خود از جمله ساخت نیروگاه بوشهر را به حالت

۱ - پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۴۵۶.

تعلیق درآوردند. شرکت زیمنس، حاضر به تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر نشد و سایر کشورهای غربی و آمریکا نیز از انتقال هرگونه تجهیزات و فناوری هسته‌ای به جمهوری اسلامی ایران خودداری کردند. کشورهای طرف قرارداد فناوری صلح آمیز هسته‌ای ایران در قبل از انقلاب اسلامی مثل آلمان، فرانسه، انگلیس و ... نسبت به اجرای قراردادهای منعقد شده که قانونی و تحت نظارت آژانس بودند و حتی مبالغ آن را نیز دریافت کرده بودند، استنکاف نمودند.

این کشورها حتی از فشار به کشورهای دیگر مثل چین و روسیه که پس از انقلاب اسلامی، همکاری‌های مؤثری را در حوزه هسته‌ای با ایران آغاز نموده بودند، فروگذار نکردند. این موضوع، حاکی از اعمال یک سیاست و استاندارد دوگانه و تبعیض آمیز در عرصه جهانی است و مؤید آن است که کشورهای مزبور تا زمانی که کشوری در راستای منافع و اهداف آنان حرکت نماید با هیچ مانعی مواجه نخواهد شد. اما با در پیش گرفتن سیاست استقلال سیاسی، اقتصادی و عدم وابستگی، همین کشورها با بهانه‌های مختلف از هر نوع همکاری طفره رفته و تعهدات خود را نیز زیر پا می‌گذارند. این کشورها حتی فراتر از این رفته و در اجرای سیاست استقلال و خودکفایی ملی نیز ایجاد مانع می‌کنند. در این دوران، کشورهای غربی در چهار حوزه برخلاف تعهدات خود تحت NPT عمل کردند:

۱. عدم اجرای تعهدات خود در قبال ایران و لغو موافقت‌نامه‌های معتبر و قانونی همکاری هسته‌ای؛

۲. اعمال فشار به کشورهایی که قصد همکاری با جمهوری اسلامی ایران داشتند؛

۳. عدم همکاری و مشارکت در برنامه هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران برخلاف تعهدات خود تحت NPT؛

۴. ایجاد موانع بر سر راه برنامه‌های خودکفایی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران.

این وضعیت، عامل اساسی تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران برای اجرای استراتژی خودکفایی در علوم، فناوری و صنعت هسته‌ای بود. به ناچار، جمهوری اسلامی ایران ادامه تلاش برای دسترسی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به تنهایی دنبال نمود و راه دیگری جز تلاش برای نیل به خودکفایی و استقلال در فناوری پیچیده هسته‌ای برای خود ندید. بنابراین، تلاش ایران جهت دستیابی به فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز ناشی از سیاست مستمری بوده است که دقیقاً بر اساس محاسبات منافع ملی و اقتصادی کشور و با در نظر داشتن نیازهای آتی توسعه ایران به منابع پایدار انرژی از پنجاه سال پیش انتخاب شده و دنبال شده است.

■ معرفی مهم‌ترین مراکز هسته‌ای ایران

با توجه به اینکه یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر روند مذاکرات و توافقات، اجرای برنامه هسته‌ای است و در متن توافقات نیز به سایت‌ها و این اجزا اشاره گردیده در ادامه به معرفی مهم‌ترین مراکز برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازیم.

۱- مرکز تحقیقات هسته‌ای تهران (راکتور تهران)

گفته شد که در سال ۱۳۳۵ دانشگاه تهران، مرکزی را تحت عنوان مرکز اتمی دانشگاه تهران برای آموزش و پژوهش هسته‌ای پایه گذاری نمود. چندی بعد در سال ۱۳۳۷ به پیشنهاد دانشگاه تهران، ساخت یک راکتور اتمی در دستور کار دولت قرار گرفته و تصویب شد. در همین راستا آیزنهاور - رئیس جمهور وقت آمریکا - جهت تبلیغ طرح خود (اتم برای صلح) یک راکتور اتمی به ایران داد. عملیات ساختمانی راکتور دانشگاه تهران در ۱۳۴۰ آغاز و در آبان ماه ۱۳۴۶ نهایی شد و عملاً مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ظرفیت این راکتور ۵ مگاوات و از نوع آب سبک بوده با ۵/۵۸۴ کیلوگرم سوخت اورانیوم بسیار غنی شده ۹۳

درصد - که تا سال ۱۳۵۷ از طرف آمریکا تأمین می‌گردید - کار می‌کرد.^۱ این رآکتور تا سال ۱۳۷۲ با سوخت اورانیوم با غنای بالا (۹۳ درصد) کار می‌کرد اما از آن سال به بعد از درجه غنای بالا (۹۳ درصد) به درجه غنای پایین (حدود ۲۰ درصد) تبدیل شد.^۲

مرکز تحقیقات هسته‌ای با داشتن رآکتور هسته‌ای تحقیقاتی با قدرت ۵ مگاوات، آزمایشگاه‌های مجهز و تأسیسات لازم، نقش اصلی را در توسعه دانش فنی تولید و کاربرد رادیوداروها و چشمه‌های صنعتی در ایران داشته است. اهم این رادیوایزوتوپ‌ها عبارتند از: تهیه و تولید رادیوداروها و کیت‌های رادیواریوی، تهیه و تولید رادیوایزوتوپ برای کاربردهای صنعتی، تهیه و تولید کیت‌های رادیوایمونواسی جهت نشان گذاری هورمون‌ها و آنتی بادی‌ها و غربال گری کم کاری تیروئید نوزادان، فعالیت‌های پژوهشی رادیوداروها و رادیوایزوتوپ‌های صنعتی .

۲- رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک

با افزایش طول عمر رآکتور تحقیقاتی تهران و مستعمل شدن تجهیزات و سیستم‌های مختلف آن، همانند سایر رآکتورهای مشابه در جهان، می‌بایست به فکر جایگزینی برای آن بود. از طرف دیگر، نیازمندی‌های روزافزون ایران به رادیوداروهای مختلف، جهت مصارف تشخیص و درمان پزشکی و رادیوایزوتوپ‌های گوناگون برای کاربردهای صنعتی و تحقیقاتی و محدودیت‌های مختلفی که ایران حتی در ارتباط با تهیه و تأمین این قبیل رادیوایزوتوپ‌ها از منابع خارج از کشور روبرو بوده است، سازمان انرژی اتمی را مصمم به احداث یک رآکتور تحقیقاتی جدید به منظور جایگزینی رآکتور تهران نمود. رآکتور

۱ - تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶، ص ۲۷.

۲ - لازم به ذکر است که این رآکتور تا پیش از سال ۱۳۷۲، صرفاً جنبه آزمایشگاهی داشته و پس از ایجاد مشکلات بر سر راه تأمین رادیوایزوتوپ‌ها بود که مسئولان کشورمان مصمم بر به کارگیری جدی آن شدند.

تحقیقاتی جدید از نوع آب سنگین و با قدرت ۴۰ مگاوات بوده و موسوم به (IR40) می‌باشد. طراحی پایه این پروژه در سال ۲۰۰۲ کامل شد و عملیات اجرایی ساخت آن که هنوز ادامه دارد، از سال ۲۰۰۴ آغاز گردید.^۱

این رآکتور از اورانیوم غیر غنی شده استفاده می‌کند و سوخت به جای مانده از فعالیت آن در صورتی که بازفرآوری گردد جهت تولید پلوتونیوم (که در زیردریایی‌های اتمی کاربرد صلح آمیز دارد) مفید است. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز به فناوری بازفرآوری دست نیافته است و متأسفانه به دلیل منعی که در توافق‌نامه ژنو ۳ وجود دارد از دستیابی به این فناوری برتر و مزایای متعدد و درآمد اقتصادی سرشار از آن محروم گردیده است.

۳- مجتمع تولید آب سنگین اراک

مجتمع تولید آب سنگین اراک در ۴ شهریور ماه ۱۳۸۵ افتتاح شد. ظرفیت تولید این مجتمع ابتدا هشت تن بود و در زمان افتتاح، ظرفیت آن به ۱۶ تن آب سنگین با غنای ۹۹/۸ درصد رسید. پروژه تولید آب سنگین اراک به عنوان یکی از شاخصه‌های دانش هسته‌ای، در پزشکی و به خصوص کنترل سرطان و کنترل بیماری‌های ایدز نقش تعیین کننده‌ای دارد و به عنوان خنک کننده و کند کننده رآکتورهای آب سنگین نیز به کار می‌رود. با گشایش این واحد صنعتی، ایران به عنوان نهمین کشور دارای تجهیزات تولید آب سنگین جهان مطرح می‌شود. کشورهای آرژانتین، کانادا، هند و نروژ نیز بزرگ‌ترین صادرکنندگان آب سنگین جهان هستند. شایان ذکر است که از هر ۶۵۰۰ لیتر آب معمولی، تنها یک لیتر آب سنگین به دست می‌آید. آب سنگین در پژوهش‌های علمی در حوزه‌های مختلف از جمله زیست‌شناسی، پزشکی، فیزیک و... کاربردهای فراوانی دارد. برخی از کاربردهای آن عبارتند از: طیف سنجی تشدید مغناطیسی هسته، کند کننده نوترون، آشکارسازی نوترینو، آزمون‌های سوخت و ساز در بدن، تولید

تریتیم. هدف اصلی از به راه‌اندازی این کارخانه، تأمین آب سنگین مورد نیاز رآکتور اراک (IR40) است.

۴- نیروگاه اتمی بوشهر

در سال ۱۳۵۳ قرارداد اولیه طراحی و ساخت دو واحد نیروگاهی در بوشهر با قدرت هر واحد ۱۳۰۰ مگاوات بین سازمان انرژی اتمی و شرکت KWU آلمان منعقد گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای این پروژه متوقف گردید. در دی ماه ۱۳۷۳ قرارداد تکمیل واحد یک نیروگاه اتمی بوشهر به صورت مشارکتی بین ایران و روسیه منعقد گردید و در سال ۱۳۷۷ بار دیگر قرارداد مورد بازبینی کلی قرار گرفت که طی آن تکمیل نیروگاه به صورت کلید در دست به شرکت اتم استروی اکسپورت روسیه محول شد. رآکتور مورد توافق با شرکت روسی از نوع رآکتورهای آب سبک تحت فشار با قدرت ۱۰۰۰ مگاوات می‌باشد. راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، بارها به دلیل فشارهای سیاسی آمریکا و برخی کشورهای غربی به تأخیر افتاد. با شروع بحران در موضوع هسته‌ای ایران با نیت سیاسی چند کشور، تحقق این هدف در هاله‌ای از ابهام فرو رفت و موج جدیدی از فشارها بر روسیه وارد شد. با اتخاذ سیاست‌های درست که نتایج آن چیزی جز اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران بر همگان نبود، مبنای اقدامات سیاسی این کشورها برای اعمال فشار بر ایران فروریخت. روسیه، بالأخره تصمیم به حمل سوخت هسته‌ای به نیروگاه بوشهر و راه‌اندازی آن گرفت. برق تولید شده توسط نیروگاه بوشهر در ۱۲ شهریور ۱۳۹۰ به شبکه برق سراسری متصل شد و کشورمان سی و یکمین کشوری است که به تولید برق هسته‌ای می‌پردازد. این نیروگاه سالانه ۳۰ تن سوخت نیاز دارد که بر اساس تفاهمات موجود روس‌ها قول تأمین آن را داده‌اند.

۵- کارخانه غنی‌سازی صنعتی نطنز

تأسیسات هسته‌ای نطنز با نام رسمی مرکز هسته‌ای شهید احمدی روشن نطنز،

شامل تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی اورانیوم است که در زیر زمین و در عمق ۳۰ متر از بتن‌آرمه در نزدیکی نطنز در استان اصفهان احداث شده است. ظرفیت این سایت ۴۸ هزار ماشین سانتریفیوژ است که در حال حاضر ۱۰ هزار ماشین فعال و ۶ هزار ماشین نصب شده، ولی غیر فعال در زنجیره‌ی غنی‌سازی ۳،۵ درصد دارد. در این مجتمع همچنین ۲ زنجیره ۱۷۴ تایی ماشین سانتریفیوژ جهت غنی‌سازی ۲۰ درصد و هزار ماشین نسل دوم (IR2) در آن موجود است که بر اساس توافق‌نامه ژنو به‌کارگیری آن توسط ایران ممنوع است.

۶- کارخانه غنی‌سازی نیمه صنعتی فردو

مرکز هسته‌ای فردو با نام رسمی مرکز هسته‌ای شهید علی‌محمدی فردو، بخشی از یک سایت هسته‌ای غنی‌سازی اورانیوم در عمق ۹۰ متری صخره‌های سنگی در کیلومتر ۲۵ مسیر قم به تهران در شرق آزاد راه ساخته شده است. ایمنی بالای این سایت و مکان، احتمال آسیب‌پذیری آن در برابر هرگونه تهاجم هوایی و موشکی را تقریباً به صفر رسانده است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل حساسیت غربی‌ها و تلاش برای تعطیلی آن نیز همین مسئله باشد.

ظرفیت این سایت ۳۰۰۰ ماشین سانتریفیوژ است اما در حال حاضر شامل ۱۶ زنجیره ۱۷۴ تایی نصب شده است که از این میان تنها ۴ زنجیره فعال است. تعدادی ماشین نسل دوم نیز در این سایت نصب شده که هنوز آغاز به کار نکرده و بر اساس توافق‌نامه موجود، جمهوری اسلامی ایران آن را به‌کارگیری نخواهد کرد.

■ مروری بر تحولات و مذاکرات هسته‌ای ایران در یک

دهه گذشته

در پاییز ۱۳۸۱ سرویس‌های اطلاعاتی غربی که به اخباری دال بر فعالیت‌های ایران در صنعت هسته‌ای دست یافته بودند با یک طراحی تبلیغاتی و تحت عنوان

اطلاعات به دست آمده توسط اپوزیسیون، منافقین را مأمور کلیل زدن سناریوی جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران نمودند. در پی این مسئله، جمهوری اسلامی در پاییز ۱۳۸۱، دستیابی خود به فناوری هسته‌ای را رسماً اعلام کرد. در مقابل نیز غرب به رهبری آمریکا به موضوع هسته‌ای ایران اعتراض کرد و موجبات باز شدن پرونده ایران در شورای حکام را فراهم آورد.

در پی این مطرح شدن این موضوعات بود که گزارش البرادعی -مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی- در باره برنامه هسته‌ای تهران، به صدور اولین قطع‌نامه شورای حکام علیه ایران در خرداد ۱۳۸۲ انجامید و نخستین زمره‌های تعلیق بر اثر درخواست رسمی جامعه جهانی برای «تعلیق» هسته‌ای ایران مطرح شد. ۱۳ مهر همان سال، حجت الاسلام حسن روحانی (دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی) پس از انتصاب به عنوان مسئول ارشد تیم مذاکره کننده هسته‌ای، در دیداری با البرادعی در تهران آمادگی ایران را برای پذیرش «پروتکل الحاقی» رسماً اعلام کرد.

وزرای خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان در ۲۹ مهر ۱۳۸۲ برابر با ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، به دعوت حسن روحانی به تهران سفر کردند که این نشست نهایتاً به معاهده سعدآباد منجر شد. در نشست سعدآباد، طرفین بر سر «تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران» توافق کردند. رفتار توهین آمیز طرف غربی با تیم مذاکره کننده، نشان از اعتماد طرف مقابل به ضعف‌های مسئولان اجرایی وقت ایرانی می‌داد. معروف است در گفت‌وگوهای تهران، آقای جک استراو (وزیر خارجه وقت انگلستان) در زمان استراحت پس از مذاکرات سعدآباد جلوی وزیران خارجه وقت ایران و آلمان مثل یک فاتح در برابر کسی که تسلیم است عمل کرده و پای خود را روی میز دراز نمود!^۱ تونی بلر، نخست وزیر وقت بریتانیا بعدها در گفت‌وگو با مستند «ایران و غرب» که از سرویس جهانی شبکه BBC پخش گردید اعلام کرد:

«ما میوه حمله نظامی به عراق را در سعدآباد چیدیم.»^۱

با وجود تعلیق فعالیت‌ها از سوی ایران، دومین قطع‌نامه علیه ایران توسط انگلیس، فرانسه و آلمان در آذرماه ۱۳۸۲ در شورای حکام به تصویب رسید. تیم هسته‌ای متعهد شد پروتکل الحاقی را امضاء و به منظور اعتمادسازی، پیش از تصویب قانونی پروتکل مفاد آن را اجرا کند.

البته در راستای بهره‌برداری از دستاوردهای هسته‌ای، تأسیسات UCF اصفهان با کارکرد ویژه پروژه تبدیل اکسید اورانیوم (UO₂) به کیک زرد و سپس تبدیل آن به تترا فلوراید اورانیوم (UF₄) در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۸۲ راه‌اندازی شد.

۲۸ شهریور ۱۳۸۳ قطع‌نامه شورای حکام علیه اقدامات هسته‌ای ایران صادر شد. در این «ضرب‌الاجل» شورا خواستار تعلیق «فوری و قابل اثبات» تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی در همه بخش‌ها شد. ۱۵ آبان ۱۳۸۳ یک ماه مانده به پایان ضرب‌الاجل، حسن روحانی برای مذاکره با نمایندگان سه کشور اروپایی به پاریس رفت. اروپا خواستار «تعلیق نامحدود» (حداقل ده سال) فعالیت‌های هسته‌ای ایران (به عبارت دیگر توقف برنامه‌های هسته‌ای) بود. ۲۵ آبان ۱۳۸۳ ایران، تعلیق «کوتاه‌مدت» فعالیت تأسیسات هسته‌ای و مجتمع UCF اصفهان را پذیرفت و در مقابل اروپا متعهد شد حقوق ایران بر اساس NPT به رسمیت شناخته شود.

علی‌رغم پذیرش تعلیق کوتاه مدت از سوی ایران، در ۹ آذر ۱۳۸۳ شورای حکام قطع‌نامه‌ای علیه ایران صادر کرد که طی آن بر تعلیق «دائمی» غنی‌سازی اورانیوم - علی‌رغم مفاد موافقت‌نامه پاریس - تأکید کرده و نیز امضاء پروتکل الحاقی را از سوی ایران خواستار شد. ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ طرف اروپایی با ارائه یک بسته - محتوی پیشنهادات غیر هسته‌ای با جنبه اجرایی مبهم - از ایران خواست که فعالیت‌های چرخه سوخت خود را متوقف کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی»، بعدها در بیاناتی به واکنش نظام اسلامی در برابر زیاده‌خواهی طرف غربی پرداختند: «من همان وقت هم در جلسه‌ی مسئولین - که از تلویزیون پخش شد - گفتم اگر چنانچه بخواهند به این روند مطالبه‌ی پی‌درپی ادامه بدهند، بنده خودم وارد میدان می‌شوم؛ همین کار را هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب‌نشینی متوقف شود و تبدیل بشود به روند پیشروی، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب‌نشینی در آن دولت انجام گرفته بود؛ و همین کار هم شد. در زمان دولت قبل، اولین قدم به سمت پیشرفت برداشته شد؛ تصمیم گرفته شد که کارخانه‌ی یوسی.اف اصفهان راه‌اندازی شود و راه‌اندازی هم شد، و دنبالش هم بحمدالله این پیشرفت‌های بعدی است تا امروز.»^۱

اینجا بود که در ۱۵ مرداد ۱۳۸۴ ایران با ارائه پاسخی، بسته پیشنهادی غرب را رد کرد و فعالیت اصفهان از سر گرفته شد. در پاسخ ایران به نقض حقوق بین‌الملل، NPT، بیانیه تهران و معاهده پاریس در بسته مزبور تصریح شده بود.

۱۵ بهمن ۱۳۸۴ شورای حکام موضوع هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارسال کرد. پاسخ تهران، ادامه برنامه هسته‌ای، تعلیق اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و بازگشایی تأسیسات نطنز و اراک بود. ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت، سرآغاز ورود ۵ عضو دائم این شورا و آلمان (۵+۱) به مذاکرات شد. ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ با سفر سولانا و نمایندگان پنج کشور به ایران، بسته پیشنهادی ۱+۵ در اختیار ایران قرار گرفت.

۱۵ و ۲۰ تیر ۱۳۸۵ طرفین درباره بسته ۶ ژوئن در بروکسل مذاکره کردند. اروپا منتظر پذیرش تعلیق مورد اشاره در بسته پیشنهادی، از سوی ایران بود. لاریجانی (مذاکره کننده ارشد ایران در آن وقت) پاسخ ایران را منوط به رفع برخی اتهامات موجود در بسته می‌دانست. ۹ مرداد ۱۳۸۵ اولین قطع‌نامه شورای امنیت علیه

۱ - بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳/۱۰/۱۳۸۶

فعالیت‌های هسته‌ای ایران تصویب شد. طبق قطع‌نامه ۱۶۹۶، ۹ شهریور ۱۳۸۵ پایان فرصت تعلیق فعالیت‌ها بود اما ۴ شهریور همان سال مجتمع تولید آب سنگین اراک افتتاح شد.

۲۰ فروردین ۱۳۸۶ ایران رسماً اعلام کرد که به مرحله تولید صنعتی سوخت هسته‌ای رسیده است. این خبر پاسخ قاطع جمهوری اسلامی به قطع‌نامه ۱۷۴۷ شورای امنیت (۴ فروردین ۱۳۸۶) بود. ۹ بهمن ۱۳۸۶ سوخت اتمی نیروگاه بوشهر که بارها به دلیل فشارهای سیاسی آمریکا و غرب به تأخیر افتاده بود به طور کامل ارسال شد و بدین ترتیب امکان تولید برق هسته‌ای فراهم شد.

گروه ۵+۱ در راستای ادامه فشار بر توقف برنامه اتمی ایران، قطع‌نامه‌های ۱۷۴۷ (در مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (در مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (در سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (در ژوئن ۲۰۱۰) را نیز تصویب کردند؛ بر اساس این قطع‌نامه‌ها محدودیت‌های مالی بر شرکت‌ها و افراد ایرانی افزایش یافته بود.

در عین حال مذاکرات نیز ادامه یافت. ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ بسته پیشنهادی ایران برای گفت‌وگو درباره مشکلات همه‌جانبه منطقه و بین‌الملل ارائه گردید. ۵+۱ در ۲۵ خرداد متقابلاً بسته‌ای پیشنهاد کرد که باز هم با پیش شرط تعلیق همراه بود. ۲۹ تیر ۱۳۸۷ نشست «ژنو ۱» بر اساس مشترکات بسته‌های پیشنهادی ایران و اروپا با مذاکره جلیلی و سولانا برگزار شد و طرفین، مذاکرات را سازنده ارزیابی کردند. آمریکا برای اولین بار در این مذاکرات حضور داشت.

۲۰ فروردین ۱۳۸۸ در پاسخ به قطع‌نامه‌ی ۱۸۳۵ شورای امنیت، ۲ نوع سانتریفیوژ پیشرفته آزمایش شد و سانتریفیوژهای فعال نطنز به ۷ هزار رسید. همچنین ایران اعلام کرد طی ۵ سال، ۵۰ هزار سانتریفیوژ نصب می‌کند. در مذاکرات موسوم به «ژنو ۲» در ۹ مهر ۱۳۸۸، پیشنهاد مبادله سوخت ۳.۵ با ۲۰ درصد مطرح شد که به معنای پذیرش حق غنی‌سازی ایران از سوی غرب بود. اختلاف بر سر چگونگی مبادله سوخت باعث توقف مذاکرات شد. محمود احمدی‌نژاد

(رئیس‌جمهور وقت) در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۸۸ دستور تولید سوخت ۲۰ درصد را پس از تعلل طرف‌های مذاکره در تبادل سوخت صادر کرد. غنی‌سازی ۲۰ درصد ۲۰ بهمن ۱۳۸۸ در نطنز آغاز شد.

مذاکره پس از ۱۵ ماه تعلیق، در ۱۵ آذر ۱۳۸۹ از سر گرفته شد. در دور اول این مذاکرات، ایران به محاکمه غربی‌ها در مورد ترور دانشمندانش پرداخت. از آنجا که موضوع هسته‌ای از نظر ایران غیر قابل مذاکره بود درباره آن مذاکره نکرد. اول بهمن ۱۳۸۹ مذاکرات با ۵+۱ دستور کار «گفت‌وگو برای همکاری درباره مسائل مشترک» در استانبول شکل گرفت. جلیلی به ۵+۱ اجازه طرح مباحث پاسخ داده شده در ژنو و در نتیجه نتایج برای ۱+۵ خوشایند نبود.

دور بعدی مذاکرات ایران و ۵+۱ در ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ در استانبول آغاز شد. در این مذاکره -که به «استانبول ۱» شهرت یافت- گری سیمور مشاور ارشد کاخ سفید حضور داشت درحالی‌که ریاست هیئت آمریکایی با وندی شرمن بود.

ادوار بعدی مذاکرات در ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ در شهر استانبول (موسوم به استانبول ۲)، ۳ خرداد ۱۳۹۱ در شهر بغداد، ۲۹ خرداد ۱۳۹۱ در شهر مسکو، ۸ اسفند ۱۳۹۱ در شهر آلمانی قزاقستان (موسوم به مذاکرات آلمانی ۱) و ۱۶ فروردین ۱۳۹۲ در همان شهر (موسوم به مذاکرات آلمانی ۲) برگزار گردید.

در عین حال ابزار مقابله‌ای غرب با ایران نیز اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و چند جانبه بود. اتحادیه اروپا ۱۸۰ شرکت تجاری و شخص ایرانی را مشمول تحریم‌های جدید بخش ترابری و انرژی کرد. با این وجود اتحادیه اروپا از طرح پیشنهادی فرانسه و ایتالیا (علی‌رغم حمایت انگلستان، آلمان و هلند) در خصوص تحریم کامل واردات نفت ایران، حمایت نکرد و آن را منتفی دانست. انگلستان نیز کلیه تبادلات مالی خود را با همه‌ی بانک‌های ایران از جمله بانک مرکزی ایران به طور کامل قطع کرد. فرانسه از محدودیت‌های جدید علیه نظام بانکی و صنایع انرژی ایران استقبال کرد و از اروپا، ژاپن، کانادا و آمریکا خواست که

دارایی‌های بانک مرکزی ایران را مسدود و معاملات نفتی با ایران را قطع کنند. آمریکا در راستای طرح تحریم‌های هدفمند و به اصطلاح فلج کننده، در سال ۲۰۱۱، بانک مرکزی ایران و کلیه فعالیت‌های پولی و مالی‌اش را تحریم نمود و در پیچه آنان به روی سوئیفت مسدود نمود.

پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و روی کار آمدن دولت جدید به ریاست حجت الاسلام روحانی، مسئولیت مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ که قبل از آن به عهده شورای عالی امنیت ملی بود به وزارت امور خارجه محول گردید. همچنین دور جدید مذاکرات در ژنو از سر گرفته شد که به امضای توافق نامه موقت موسوم به «ژنو ۳» انجامید.

فصل ۲

داده‌ها و ستانده‌های توافق ژنو

یکی از اولین سؤالاتی که پس از انتشار متن توافق‌نامه ژنو در اذهان متبادر گردید آن است که در این معامله داده‌ها و ستانده‌های هر یک از طرفین چه بوده است؟ در حقیقت این سؤال مطرح است که میزان امتیازدهی هر یک از طرفین ایران و کشورهای ۱+۵ تا چه حدی است؟ در این فصل کوشیده می‌شود با بررسی و تجزیه تحلیل متن توافق‌نامه، تعهدات ایران و طرف ۱+۵ مورد واکاوی و مقایسه منطقی قرار گیرد.

تعهدات ایران	تعهدات ۱+۵
۱. غنی‌سازی اورانیوم به سطح بالاتر از ۵٪ کاملاً متوقف می‌شود.	۱. فراهم کردن امکان ماندن صادرات نفت ایران «در حد فعلی» و توقف روند کم کردن ۲۰ درصد از آن هر ۶ ماه و دریافت مقدار مورد توافقی از پول نفتی که از این پس فروخته می‌شود.
۲. ۱۹۶ کیلوگرم مواد ۲۰ درصد غنی سازی شده در ایران خنثی می‌شود با این تفاوت که نیمی از آن قابل غنی سازی مجدد است و نیمی از آن قابلیت غنی سازی مجدد را نیز ندارد.	۲. برقراری بیمه حمل و نقل برای صادرات نفت ایران «با میزان فعلی»
۳. فعالیت در اراک و نطنز و فردو به هیچ عنوان نباید گسترش یابد.	۳. «تعلیق» تحریم صادرات پتروشیمی ایران
۴. در نطنز هیچ ماشین جدیدی نصب نشود.	۴. «تعلیق» تحریم طلا و فلزات گران‌بها
۵. ماشین‌های جدید نصب شده ولی فعال نشده، فعال نشود	۵. «تعلیق» تحریم خودرو
۶. ماشین‌های خراب در فردو و نطنز صرفاً با ماشین‌هایی از همان نوع جایگزین شود.	۶. «تعلیق» تحریم قطعات هواپیما
۷. چهار آبشار موجود در فردو، اورانیوم را فقط تا سقف ۵ درصد غنی سازی کند.	
۸. دوازده آبشار دیگر در فردو فعال نشود.	

تعهدات ۱+۵	تعهدات ایران
۷. «تعلیق» تحریم خطوط هوایی به ویژه ایران‌ایر ۸. عدم اعمال «تحریم جدید» در شورای امنیت، اروپا و آمریکا ۹. ایجاد یک کانال مالی با استفاده از عواید نفتی خود ایران که در خارج از این کشور مسدود شده برای خرید محصولات خوراکی و کشاورزی، دارو، ادوات پزشکی و خسارات پزشکی که در خارج بر ایران تحمیل شده.	۹. در فردو ارتباطی بین آبشارها برقرار نشود. ۱۰. در اراک آب سنگین به تأسیسات حمل نمی‌شود. ۱۱. هیچ نوع فعالیت بازفرآوری انجام نمی‌شود. ۱۲. هیچ نوع تأسیسات بازفرآوری ساخته نمی‌شود. ۱۳. رآکتور اراک سوخت گذاری نمی‌شود. ۱۴. سوخت جدید برای رآکتور اراک تولید نمی‌شود. ۱۵. سوخت «تولید شده» برای رآکتور اراک «تست» نمی‌شود. ۱۶. مواد ۵ درصد بیش از ۱۰ هزار کیلوی فعلی که در آینده تولید می‌شود اکسید (بی اثر) خواهد شد ۱۷. اطلاعات مربوط به طرح و نقشه‌های ایران برای تأسیسات هسته‌ای به آژانس ارائه می‌شود. ۱۸. توصیف و شرحی کامل از ساختمان هر یک از سایت‌های هسته‌ای ارائه می‌شود. ۱۹. توصیف و شرحی کامل از گستره عملیات‌های هر یک از تأسیساتی که به طور خاص به فعالیت‌های هسته‌ای مشغول هستند ارائه می‌شود. ۲۰. ارائه اطلاعات در مورد معادن موجود در کشور ۲۱. ارائه اطلاعات درباره شرکت‌های نورد اورانیوم ۲۲. ارائه اطلاعات درباره منبع مواد ۲۳. نهایی کردن توافق درباره پادمان‌ها در اراک ۲۴. دسترسی به بایگانی دوربین‌های آفلای

پیش از تجزیه و تحلیل، در ابتدا با مراجعه به متن توافق‌نامه به بررسی تعهدات هر یک از طرفین می‌پردازیم که در ادامه به صورت فهرست‌وار و مقایسه‌ای آمده است.

آنچه ابتداً از فهرست بالا مشهود می‌گردد عدم توازن امتیازهای معاوضه شده در توافق‌نامه ژنو است. در مقابل امتیازهای نقد و حداکثری که ایران به طرف غربی داده امتیازهای ناچیزی در این توافق دریافت شده است. بنابراین بیم آن می‌رود که طرف غربی در دور بعدی مذاکرات در ازای کاهش تحریم‌ها، علاوه بر تعلیق برنامه هسته‌ای (وضع موجود)، خواستار برچیده شدن تأسیسات هسته‌ای و امتیازهای راهبردی منطقه‌ای (لبنان و سوریه) باشد.

در ادامه به تحلیل هر یک از امتیازهای مورد معامله طرفین در توافق می‌پردازیم:

الف) داده و ستانده‌های فنی و هسته‌ای

در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت مباحث مطرح شده پیرامون برنامه هسته‌ای ایران، همواره به بعد انرژی هسته‌ای و نقش تأثیر گذار این دستاورد در تأمین انرژی کشور فارغ از جنبه‌های اقتصادی و صنعتی و فناورانه این موضوع پرداخته شده است که متولیان این امر عامدانه و یا غیر عامدانه افکار عمومی را از دیگر آثار و برکات این پیشرفت محروم نموده و ارزش این پیشرفت را چنان که باید و شاید در اجتماع منعکس نکرده‌اند. بی شک تداوم این روند ممکن است در ادامه فرآیند پیشبرد این برنامه، مخصوصاً با توجه به فشارهای اعمال شده از سوی غرب و القای گره خوردن معیشت جامعه به ادامه روند برنامه هسته‌ای بیش از پیش خودنمایی کند. تا جایی که افکار عمومی حاضر خواهند بود در صورت تداوم و تشدید فشارهای اقتصادی از سوی غرب به توقف چرخ برنامه هسته‌ای ایران در ازای چرخش چرخ صنعت و اقتصاد کشور رضایت دهند و این دستاورد عظیم را به ثمن به خس واگذار کنند.

با توجه به مباحث مطروحه و موضع منفعلانه برخی نخبگان در مواجهه با

زیاده‌خواهی‌های غرب در بحث انرژی هسته‌ای، پرداختن به ابعاد مختلف فناوری هسته‌ای، صنعت هسته‌ای و انرژی هسته‌ای در راستای تنویر افکار عمومی بیش از پیش ضرورت میابد چرا که اگر اذهان جامعه به نقش بی‌بدیل این دستاورد و تأثیرات بسزای آن در بخش‌های کشاورزی (اصلاح بذر نباتات و افزایش بهره‌وری برداشت، کاهش ضایعات، مبارزه با آفات، امنیت غذایی و...) و صنعت (تأثیر مستقیم بر پیشرفت لیزرهای پرتوان در حوزه‌های دفاعی، استفاده از لیزر در حوزه پزشکی، لیزرهای صنعتی و...) و پزشکی (تشخیص بیماری‌ها، درمان انواع سرطان و...) و همچنین بخش انرژی مخصوصاً با مد نظر قرار دادن روند حاکم جهانی در کاهش استفاده از انرژی‌های فسیلی و روی آوردن به استفاده از انرژی‌های پاک (تا جایی که این دوران را دوران جنگ سرد در حوزه انرژی نامیده‌اند) توجیه نگردد، بی‌شک ارزش معامله احتمالی خود با غرب را درک نکرده و به سوی نقطه سیاهی دیگر در تاریخ معاملات خود با استکبار پیش خواهد رفت.

آنچه از بررسی منافع استفاده علمی و صنعتی در آینده از این حوزه احصاء می‌گردد جمله‌ای کوتاه بیش نخواهد بود که بی‌شک "در آینده‌ای بسیار نزدیک اگر چرخ سانتریفیوژهای هسته‌ای کشور نچرخد، چرخ صنعت و کشاورزی و اقتصاد ایران هم نخواهد چرخید"

و اما نکات قابل تأمل با تصور آشنایی نسبی مخاطبان به وضع موجود کشور در حوزه انرژی هسته‌ای با در نظر گرفتن مفاد تفاهم نامه ایران با ۵+۱ به شرح ذیل خواهد بود:

۱. "نیمی از اورانیوم موجود غنی شده ۲۰ درصد را به صورت اکسید ۲۰ درصد برای تولید سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران ذخیره نماید. بقیه UF₆ ۲۰ درصد را به مواد کمتر از ۵ درصد رقیق نماید. خط برگشت پذیر نیز وجود نداشته باشد."

. نکته اول آنکه بررسی بند فوق اشاره دارد به توان بالفعل ایران در دارا بودن

۱۹۰ کیلوگرم اورانیوم گازی غنی شده که در اینجا ایران پذیرفته است ۵۰ درصد آن را به پودر بازگشت ناپذیر و ۵۰ درصد باقی مانده را در قالب تهی سازی معکوس به اورانیوم با غنای زیر ۳/۵ درصد تبدیل کند، که به نظر می‌رسد هدف ثانوی کشورهای غربی در لحاظ داشتن این بند علاوه بر به عقب برگرداندن چرخه‌ی غنی سازی در کشور، از بین بردن قدرت بازدارندگی از لحاظ پیشرفت‌ها و فناوری هسته‌ای می‌باشد. بی شک یکی از علل اساسی تعامل کج دار و مریز غرب در سال‌های گذشته با ایران و عدم استفاده از گزینه‌های سخت، همین قدرت بازدارندگی برنامه هسته‌ای است که بند فوق‌الاشاره به صورت مستقیم تلاش مضاعف غرب در جهت معکوس نمودن این فرآیند و کم توجهی مسئولین مربوطه را نشان می‌دهد.

. نکته دیگر قابل توجه، زمان دستیابی مجدد ایران به حجم ۱۹۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با غنای ۲۰ درصد است که به زعم کارشناسان، تولید حجم مذکور در بازه زمانی کمتر از دو سال امکان پذیر نمی‌باشد. که در نتیجه ایران با پذیرش این بند و بند دوم تفاهم نامه (ایران اعلام می‌کند که برای این دوره شش ماهه، اورانیوم را به سطح بالاتر از ۵ درصد غنی سازی نکند) هر چند در ظاهر تعلیق شش ماهه را پذیرفته است اما در عمل تعلیقی بیش از دو سال را بر خود تحمیل داشته است. به عبارت دیگر، حداقل دو سال و چند ماه زمان نیاز است تا ایران به نقطه صفر مذاکرات بازگردد حتی در صورت عدم پابندی غرب به اجرای مفاد تفاهم نامه.

۲. "همان گونه که ایران در برنامه عملیاتی کردن تأسیسات تبدیل مواد، به آژانس اعلام کرده است، با آغاز خط تبدیل مواد UF6 غنی شده تا ۵ درصد به UO2، ایران تصمیم دارد مواد UF6 جدیداً غنی شده را تا سطح ۵ درصد در طی شش ماه آینده به اکسید تبدیل کند."

. نکته قابل ذکر آنکه توسعه صنعتی غنی سازی و امنیت راکتورهای هسته‌ای رابطه مستقیمی با غنای اورانیوم بکار گرفته شده در این تأسیسات دارد.

به گونه‌ای که هرچه تأسیسات کوچک‌تر و امن‌تر باشد به سوخت اورانیوم با غنای بیشتری نیاز دارد و بالعکس. با توجه به نکته مذکور در این بند، ایران علاوه بر پذیرش اکسید نمودن اورانیوم با غنای ۵ درصد و اکتفا نمودن به اورانیوم غنی شده ۳/۵ درصد به صورت خود خواسته توسعه زیر ساخت‌های خود در بحث تأسیسات هسته‌ای را نیز تا اطلاع ثانوی تعلیق نموده است.

۳. ایران اعلام می‌کند که فعالیت‌های خود در تأسیسات سوخت هسته‌ای نطنز، فردو و یا رآکتور اراک را که توسط آژانس با نام IR-40 شناسایی می‌شود، بیش از این گسترش نخواهد داد.

. با توجه به نکات مسبق، ایران هر چند در بندهای پیشین به صورت غیر مستقیم هر گونه توسعه و گسترش فعالیت در مراکز مرتبط هسته‌ای خود را معلق داشته بود، در این بند نیز به صورت مستقیم و کامل، عدم گسترش هر گونه فعالیت در تأسیسات مذکور را تضمین کرده و در واقع بدون در نظر گرفتن وضعیت پیشرفت هر یک از سایت‌های فوق‌الذکر مخصوصاً در مورد رآکتور اراک متعهد می‌گردد نگرانی‌های مرتبط با رآکتور اراک که توسط آژانس با نام IR-40 شناخته می‌شود را کاملاً بر طرف نماید و همچنین تعهد می‌دهد که باز فراوری و یا احداث تأسیساتی که قادر به بازفراوری باشد، ایجاد نخواهد شد. علت حساسیت بیش از حد غرب به رآکتور اراک، توان استفاده این تأسیسات از سوخت طبیعی و غنی نشده اورانیوم در جوار کارخانه آب سنگین است. (کارخانه آب سنگین اراک که برای رفع نیاز رآکتور اراک راه اندازی شده و با توجه به بالاتر بودن درجه تبخیر آب سنگین نسبت به آب سبک، نیاز استفاده رآکتور از آب دریا و امثالهم را مرتفع می‌سازد).

. در پی نوشت سند تفاهم نامه نیز توضیحاتی موید تعلیق کامل توسعه فعالیت در سایت‌های مذکور عنوان می‌گردد: ایران متعهد می‌گردد که در تأسیسات هسته‌ای نطنز طی شش ماه به سانتریفیوژهایی که نصب شده‌اند ولی غنی سازی اورانیوم انجام نمی‌دهند گاز UF6 تزریق ننماید. سانتریفیوژهای

اضافی نصب ننماید. ایران اعلام می‌کند که طی شش ماه اول سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی با همان نوع جایگزین کند، به گونه‌ای که ایران نتواند از سانتریفیوژهایی با بهره‌وری بالاتر (تبدیل سانتریفیوژهای نسل اول (IR1) با $1/5$ SU به ماشین‌های نسل دوم (IR2) با $2/5$ SU و بیشتر) استفاده نماید که به معنای آغاز فرآیند معکوس سازی چرخه غنی سازی در کشور خواهد بود، چرا که در برنامه‌های توسعه‌ای مد نظر با دستیابی ایران به ماشین‌های سانتریفیوژ نسل سوم (IR3) با بهره‌وری چندین برابر نسبت به نسل اول، سرعت پیشروی ایران در حجم و قدرت غنی سازی به صورت چشم گیری افزایش میافت که با این تعهد به سکون مطلق بسنده کرده و علاوه بر تعهد توقف حجم و میزان کمی، سرعت دستیابی ایران به سوخت مورد نیاز هسته‌ای نیز متوقف می‌گردد. هر چند در قالب بندی صوری در پی نوشت "ایران برنامه تحقیق و توسعه (R & D) تحت نظارت، از جمله برنامه تحقیق و توسعه جاری غنی سازی خود را که با هدف انباشت اورانیوم غنی شده صورت نمی‌گیرد، ادامه خواهد داد" آن هم به گونه‌ای که در بند نظارت‌های بیشتر به صورت تمام و کمال در قالب اطلاعاتی هدفمند در اختیار آژانس قرار خواهد گرفت. در ادامه سند پی نوشت به سایت فردو اشاره شده، سایتی با دو زنجیره تأمین ۲۰ درصد که پذیرفته‌ایم به ۴ زنجیره ۱۷۴ تایی $3/5$ درصد تبدیل کنیم. "در چهار آبشار سایت فردو که در حال حاضر غنی سازی اورانیوم انجام می‌دهند، از این پس غنی سازی بالای ۵ درصد انجام نخواهد گرفت و ظرفیت غنی سازی افزایش نخواهد یافت (که قبلاً اشاره شد با تعهد عدم استفاده از سانتریفیوژهای نسل بالاتر، سرعت دستیابی نیز پیش از این متوقف شده بود). گاز UF6 به دوازده آبشار دیگر (که آماده فعالیت و تزریق گاز برای پیوستن به چرخه سوخت هسته‌ای کشور است) تزریق نمی‌شود تا در وضعیت غیر عملیاتی باقی بمانند. بین آبشارها اتصال وجود نخواهد داشت (چرا که اتصال بین آبشارها توان ایران در غنی سازی با خلوص بالاتر را در پی خواهد داشت). ایران اعلام می‌کند که طی شش ماه اول سانتریفیوژهای موجود

را با سانتریفیوژهای همان نوع جایگزین می‌کند. در رابطه با راکتور اراک نیز ایران اعلام می‌دارد که برای رفع نگرانی‌های مربوط به احداث راکتور اراک (یعنی فی‌الواقع احداث راکتور اراک حتی بدون در نظر گرفتن فعالیت و غنی سازی حساسیت‌زا و نگران کننده است) برای شش ماه به راکتور سوخت ترزریق نخواهد شد. یا آب سنگین را به سایت راکتور منتقل نمی‌کند (به معنای عدم فعالیت راکتور) و سوخت جدید را آزمایش نکرده (از آنجایی که خود احداث راکتور نگران کننده فرض شده است به طریق اولی از فعالیت آن حتی در حد آزمایشی پیشگیری می‌گردد) یا سوخت بیشتر برای راکتور تولید نخواهد شد (توقف کامل در وضعیت کنونی از حیث فعالیت) و تجهیزات اصلی باقی مانده نصب نخواهد شد ("توقف کامل در وضعیت کنونی از حیث زیرساخت و توسعه).

۴. در بخش عناصر گام نهایی راه حل جامع، "طرفین گام نهایی را متضمن یک برنامه غنی سازی و تعریف شده از سوی طرفین با شاخصه‌هایی منطبق با نیازهای عملی و... " می‌دانند، نیازی که با توجه به تعهد ایران در مورد راکتور اراک برای این راکتور صفر، برای راکتور دارخوین تا ساخت کامل (که بعد از گام نهایی مشخص می‌گردد ساخت کامل آن چند سال به طول خواهد انجامید) صفر و برای راکتور بوشهر نیز پیشاپیش سفارش سوخت حداقل برای هفت سال آینده به کشور روسیه انجام شده است تا آن زمان نیاز ما صفر خواهد بود و می‌توان نتیجه گرفت که حاصل جمع صفر و صفر و صفر، چیزی جز صفر به عنوان نیاز عملی نخواهد بود، هرچند در این بند اشاره‌ای به تأمین داخلی و یا خارجی سوخت مورد نیاز از نظر عملی نیز نشده است.

۵. و اما نکته قابل تأمل نهایی تعهد فراتر از پروتکل الحاقی از سوی ایران در رابطه با اطلاعات فنی قابل ارائه به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشد. "ارائه اطلاعات مشخص به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شامل اطلاعات در خصوص طرح‌های تأسیسات هسته‌ای ایران (حتی طرح‌هایی که هنوز به مرحله اجرا نرسیده است)، توصیف ساختمان‌ها در هر یک از سایت‌های هسته‌ای، توصیفی

از سطح عملیاتی که در هر یک از اماکن که به فعالیت‌های هسته‌ای مشخص اشتغال دارند، اطلاعات در خصوص معادن و تخلیص و اطلاعات در خصوص منابع اولیه و همچنین دسترسی هدایت شده (به عنوان واژه‌ای مبهم) بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به: کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ، کارگاه‌های روتور سانتریفیوژ و محل نگهداری آن‌ها و همچنین معادن (بالقوه و بالفعل) اورانیوم و تخلیص اورانیوم.^۱

(ب) داده‌ها و ستانده‌های اقتصادی توافق:

به نظر می‌رسد در حال حاضر تنها بعد مثبت اقتصادی این توافق‌نامه، همان شکسته شدن فضای روانی تحریم در داخل و خارج از کشور است که امیدواریم قبل از اقدامات بعدی دشمن، توسط دولت محترم غنیمت شمرده شود. بدیهی است خوش‌بینی بی‌مورد به تغییر راهبرد دشمن یا تغییر شرایط می‌تواند خود به آفتی دیگر در رها کردن تدابیر ضد تحریمی تبدیل شود. موارد ضعف در بسته امتیازهای دریافتی در خصوص کاهش تحریم‌ها به شرح ذیل است.

یکم: تلطیف تحریم‌های مرتبط با فروش نفت ایران

بند یکم امتیازهای دریافتی به موضوع تحریم‌های تجاری فروش نفت ایران پرداخته است.^۱ بر خلاف تفسیر غلطی که از مفاد این بند در رسانه‌ها بیان شد و تغییر در وضع موجود و افزایش درآمدهای ارزی یا آزادسازی وجوه توقیف شده به مردم القاء گردید، بر اساس مفاد این بند از توافق‌نامه تحریم‌ها در خصوص نفت ایران نه تنها کاهش نمی‌یابد که می‌تواند حتی افزایش یابد:

۱- در بند اول بجای استفاده از عبارت «کاهش تحریم‌ها» یا حداقل «توقف (Stop) تحریم‌ها» از عبارت «Pause» به معنای وقفه کاملاً موقتی در تلاش

1 - Pause efforts to further reduce Iran's crude oil sales, enabling Iran's current customers to purchase their current average amounts of crude oil. Enable the repatriation of an agreed amount of revenue held abroad. For such oil sales, suspend the EU and U.S. sanctions on associated insurance and transportation services

برای کاهش فروش نفت ایران استفاده شده است. این در حالی است که در متن اولیه تیم آمریکایی از عبارت «Stop» یعنی توقف تحریم‌ها استفاده شده بود. طرف غربی با سوء استفاده از تیم مذاکره کننده ایرانی، «توقف تلاش برای کاهش فروش نفت ایران» را به عنوان اولین امتیاز به ایران طرح نموده است. این در حالی است که تحریم فروش نفت ایران از لحاظ حقوقی به «تلاش» طرف غربی وابسته نیست. کاهش فروش نفت ایران ناشی از سه عامل است که تنها دو عامل آن مرتبط با تحریم‌هاست و آن هم ارتباط حقوقی با عبارت «تلاش» ندارد. کاهش فروش نفت ایران ناشی از سه عامل است که متأسفانه در این توافق از آن غفلت شده است:

الف) تحریم نفت ایران توسط اروپا:

قطع خرید نفت از ایران به واسطه تحریم ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپاست که منجر به کاهش خرید حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز (از مجموع صادرات ۲ میلیون بشکه در روز سال ۲۰۱۱) شد. متأسفانه در رابطه با تعلیق این تحریم اروپا هیچ سخنی در توافق‌نامه مطرح نشده است. بنابراین تحریم خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا همچنان ادامه می‌یابد.

ب) تحولات بازار نفت:

افزایش عرضه نفت ناشی از افزایش تولید نفت در عراق، عربستان و لیبی و کاهش تقاضا به دلیل تأثیرات بحران مالی موجب شده تا به طور طبیعی و خارج از مکانیزم تحریم‌ها نیز شرایط برای حذف ایران فراهم شود. بنابراین صرفاً اراده خریداران نفت برای عدم خرید از ایران و استفاده از نفت عراق یا عربستان نیز می‌تواند فارغ از مکانیزم تحریم‌ها تشدید کاهش فروش نفت ایران را ادامه دهد^۱ که اتفاقاً این انگیزه در عربستان و دو کشور دیگر وجود دارد.

۱ - در این راستا و بر اساس اطلاعات دریافتی از وزارت خارجه در هفته جاری، هند برای ادامه خرید در سال آتی میلادی قصد کاهش ۱۵ درصد خرید نفت از ایران دارد!!

ج) تحریم ثانویه نفت ایران توسط آمریکا:

بخشی از کاهش فروش نفت ایران به دلیل تحریم ثانویه چهار قانون کنگره آمریکاست که اختیار لغو آن در دست رئیس جمهور آمریکا نیست. طبق این قوانین بانک‌های خارجی چنانچه اقدام به نگهداری و جابجایی پول نفت ایران کنند مشمول تحریم سنگین چرخه دلار در آمریکا می‌شوند و شرط معافیت از این تحریم کاهش تدریجی خرید نفت از ایران است. در واقع بند اول از امتیازهای دریافتی در توافق مذکور، به صورت غیر مستقیم و تفسیر پذیر به این عامل یعنی تحریم‌های ثانوی آمریکا باز می‌گردد. بر اساس بند یک این توافق قرار است تلاش‌های آمریکا برای کاهش بیشتر خرید نفت از ایران به طور موقتی متوقف شود. اما همان‌طور که اشاره شد به جای تعلیق موقتی قوانین تحریم، از وقفه در تلاش‌ها سخن گفته شده که باعث می‌شود کاهش خرید نفت از ایران حتی با رعایت مفاد این توافق میسر باشد.

۲- حتی چنانچه برداشت مشترکی از بند یک این تفاهم وجود داشته باشد و در عمل نیز اجرا شود، تنها اتفاقی که می‌افتد عدم کاهش بیشتر خرید نفت از ایران است. تیم غربی با هوشیاری قید کرده‌اند که تلاش‌ها برای کاهش بیشتر خرید به طور موقتی قطع می‌شود اما افزایش فروش نفت برای ایران مقدور نیست و در عبارت بعدی تصریح کرده که باید وضع موجود میانگین فروش نفت ایران حفظ شود (یعنی افزایش نیابد). بنابراین در شرایط خوش‌بینانه نیز میزان فروش حدود ۱ میلیون بشکه در روز حفظ می‌شود و دولت تا پایان این شش ماه همچنان با مشکل کسری بودجه ۵۰ درصد مواجه است!

۳- در این توافق صرفاً از تلاش برای کاهش خرید نفت خام (Crude Oil) صحبت شده اما تحریم‌های ثانوی میعانات گازی و محصولات نفتی (Petroleum Product) بدون کمترین کاهش حفظ می‌شود و حتی می‌تواند تشدید و موجب کاهش درآمدهای ارزی دولت شود!

۴- یکی دیگر از امتیازهای ضعیف گرفته شده «بازگشت وجوه حاصل از فروش نفت ایران است». آمریکایی‌ها با تصریح بر عبارت مذکور قصد دارند تا در واقع وضع موجود دریافت وجوه نفت را به صورت امتیازی به ایران بفروشند. تیم دولت نیز با تاکید بر آزادسازی منابع ایران، بر همین برداشت نادرست دامن می‌زنند؛ در واقع از نظر ایشان، اصلاً قرار نیست هیچ منبع مسدود شده‌ای آزاد شود و تنها قرار است وجوه حاصل از فروش نفت در کشورهای چین، هند، کره، ژاپن و ترکیه قابل بازگشت به ایران باشد. این موضوع، امتیازی حقیقی نیست زیرا هم اکنون نیز همین گونه است گرچه بر اساس تحریم‌ها این وجوه صرفاً برای خرید کالای کشورهای مذکور قابل استفاده است. اما اتفاقاً منابع نفتی در کشورهای چین و ترکیه و کره جنوبی چندان بیشتر از نیاز وارداتی از این کشورها نیست. منابع هنگفت ۲۰ میلیارد دلاری در چین هم که در برخی رسانه‌ها اعلام می‌شود هیچ ارتباطی با تحریم‌ها ندارد و از سال ۱۳۸۷ به عنوان تضمین نقدی فاینانس استفاده می‌شود که اتفاقاً در این دولت هم با جدیت بیشتری ادامه یافته است. «قابل بازگشت بودن وجوه» یک عبارت کلی و تفسیرپذیر است که دست آمریکایی‌ها را برای حفظ وضع موجود باز گذاشته است. اگر تصریح می‌شد که تحریم‌های ثانویه آمریکا در رابطه با جابجایی پول نفت ایران در مدت شش ماه موقتاً تعلیق می‌شود، امتیاز خوبی بود. اما متأسفانه با تیزهوشی تیم غربی و عدم هوشیاری تیم مذاکره کننده ایرانی بدون کمترین امتیازی در تسهیل جابجایی وجوه نفت، وضع موجود به عنوان یک امتیاز مهم به تیم ایرانی فروخته شده است.

۵- برگزاری مجدد بیمه و خدمات حمل و نقل برای حفظ فروش متوسط فعلی نفت، موردی دیگر است که در حقیقت امتیاز نیست اما متأسفانه از سوی تیم مذاکره کننده ایرانی به عنوان یک امتیاز پذیرفته شده است. چرا که اولاً به دلیل خرید نفت کش توسط دولت ایران در دو سال اخیر، برای صادرات وضع موجود -یک میلیون بشکه در روز- نیاز به نفت کش‌های خارجی نیست. با توضیحی

که در پانویشت این بند آمده تحریم‌های بیمه‌ای و حمل و نقل صرفاً برای اشخاص غیر تحریمی لغو می‌شود. بنابراین شرکت ملی نفت کش و شناورهای تانکری شرکت کشتی‌رانی که در لیست تحریم‌ها هستند از این موضوع منتفع نمی‌شوند. در واقع استفاده از نفت‌کش‌های خارجی برای صادرات نفت امتیاز به طرف مقابل است و موجب بیکاری نفت‌کش‌های داخلی می‌شود. ثانیاً تحریم بیمه‌ای نفت خام ایران با تدبیر مسئولان کشور کاملاً خنثی شده و حتی موجب سودآوری ارزی برای صنعت بیمه داخلی شده است. در واقع برقراری بیمه جابجایی نفت ایران توسط نفت‌کش‌های خارجی، به معنای امتیازی به اقتصاد طرف‌های خارجی است. اینکه مشکل تحریم بیمه‌ای از طریق بیمه‌پی‌اند آی داخلی تأمین شده است. ثالثاً تحریم‌های بیمه‌ای حمل میعانات گازی، نفت کوره و دیگر محصولات نفتی بدون کمترین تغییر پابرجاست و حتی می‌تواند تشدید شود.

دوم: تلطیف تحریم‌های مرتبط با پتروشیمی و طلا

بند دوم امتیازهای اقتصادی دریافتی در توافق‌نامه ژنو به موضوع تعلیق تحریم‌های پتروشیمی و طلا پرداخته است.^۱ اما به دلایلی که توضیح می‌دهیم لغو تحریم پتروشیمی و طلا از مصادیق ضرب‌المثل «روغن ریخته را نذر امامزاده کردن است» و در واقع اصلاً امتیاز محسوب نمی‌شود:

۱- بخش پتروشیمی ایران از اواسط سال ۲۰۱۲ تاکنون هدف تحریم‌های ثانوی آمریکا و تحریم‌های یک‌جانبه اروپاست. اما از آنجا که بازار پتروشیمی دارای کمبود عرضه است و امکان جایگزینی عرضه ایران میسر نیست، تحریم‌ها در عمل موثر نبوده و فروش پتروشیمی ایران با استفاده از روش‌های پوششی همچنان ادامه دارد. به طوری که مسئولان عالی پتروشیمی در جلسات ستاد

1 - Suspend U.S. and EU sanctions on:

Iran's petrochemical exports, as well as sanctions on associated services.

Gold and precious metals, as well as sanctions on associated services.

تدابیر ویژه اقتصادی تاکید کرده‌اند که تاکنون یک گرم پتروشیمی به خاطر تحریم‌ها در داخل کشور باقی نمانده است! بنابراین به دلیل ویژگی‌های خاص بازار پتروشیمی و تدابیر اتخاذ شده در صادرات پتروشیمی، بود و نبود تحریم این محصول عملاً تأثیری بر اقتصاد ایران نداشت و به همین جهت به عنوان یک امتیاز به تیم مذاکره کننده ایرانی فروخته شد.

۲- تحریم فروش طلا به ایران نیز از اواسط سال ۲۰۱۲ بر اساس دستور اجرایی ۱۳۶۲۲ اوباما و قانون IFCPA کنگره آمریکا اجرا شده است. اما همان‌طور که مسئولان عالی رتبه بانک مرکزی تایید کرده‌اند تحریم طلا به دلیل امکان جابجایی چمدانی این محصول گران‌بها تاکنون هیچ تأثیری بر واردات طلا به کشور نداشته است. اتفاقاً در شرایط تحریم ذخائر طلای ایران افزایش چشمگیری داشته است. به گفته مسئولان عالی رتبه بانک مرکزی، خرید طلا حتی در شرایط تشدید تحریم‌ها برای ایران میسر است. به همین دلیل است که تیم غربی از لغو این تحریم، به عنوان نوعی امتیاز به طرف ایرانی استفاده نموده است.

سوم: تحریم‌های مرتبط با خودروسازی

لغو تحریم صنعت خودروسازی ایران در بند سوم بخش تحریم‌های توافق‌نامه^۱ بیش از آن که امتیازی به ایران باشد، امتیازی به طرف غربی است. شرکت‌های رنو و پژو فرانسه که به دلیل تحریم‌ها در سال‌های اخیر دچار زبان هنگفت شده بودند، اکنون با نقش پررنگ نماینده فرانسه در مذاکرات دینفع می‌شوند و می‌توانند بیش از گذشته بر وابستگی وارداتی صنعت خودروی ایران بیفزایند. این در حالی است که نابسامانی مدیریت در صنعت خودرو داخلی علت اصلی افزایش قیمت خودرو در ایران است. جالب این است که قبل از تحریم

1 - Suspend U.S. sanctions on Iran's auto industry, as well as sanctions on associated services.

رسمی بخش خودروسازی ایران در اوائل تابستان ۱۳۹۲ با دستور اجرایی ۱۳۶۴۵ اوپاما، همچنان مشکلات جدی در بخش خودروسازی ایران مشاهده می‌شود که عمدتاً از جریان فساد خرید داخلی سهام دو گروه بزرگ خودروسازی توسط جریان انحرافی منشأ گرفته است.

چهارم: تلطیف تحریم‌های ایمنی پرواز

در بند چهارم بسته امتیازهای اقتصادی، از لغو موقتی تحریم‌های ایمنی پرواز صحبت شده است.^۱ این در حالی است که اولاً ارائه گواهی ایمنی به هواپیماهای ایران تاکنون تحریم نبوده است. ثانیاً در حالی که عنوان یک امتیاز ارائه شده که در ادامه تصریح شده است که شرکت‌های هواپیمایی ایرانی که در لیست تحریم هستند نظیر هما و ماهان (بخوانید هواپیمایی ایران) از این موضوع مستثنا هستند. نتیجه این است که همان امتیازی که اصلاً ارزش نداشت نیز به خطوط اصلی هواپیمایی ایران داده نمی‌شود.

پنجم: عدم تصویب تحریم‌های جدید

عدم تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران شاید مهم‌ترین امتیاز دریافتی ایران باشد. اما به دلایل ذیل این موضوع نیز فریبی بیش نبوده است:

۱- طرف غربی تصریح کرده که تنها از تشدید تحریم‌های هسته‌ای جلوگیری می‌کند. بنابراین هیچ ممنوعیتی برای تشدید تحریم‌های ایران از سوی سازمان ملل، اروپا و آمریکا به اتهام نقض حقوق بشر یا حمایت از تروریست یا حتی سلاح‌های کشتار جمعی (به بهانه توسعه موشک‌ها و پهپادها) وجود ندارد.^۲

1 - License the supply and installation in Iran of spare parts for safety of flight for Iranian civilaviation and associated services. License safety related inspections and repairs in Iran as wellas associated services.

2 - No new nuclear-related UN Security Council sanctions.No new EU nuclear-related sanctions

۲- در متن توافق‌نامه^۱ صراحتاً اعلام شده که کنگره آمریکا می‌تواند مستقلاً تحریم‌های مستقل علیه ایران وضع کند و فقط دولت آمریکا تعهد به جلوگیری از تحریم هسته‌ای ایران می‌کند!

۳- جلوگیری از تشدید تحریم‌ها در حالی به عنوان امتیاز مطرح می‌شود که تقریباً تمامی بخش‌های اقتصادی ایران با قانون IFCPA تحت تحریم قرار گرفته است و دیگر چیز زیادی برای تحریم باقی نمانده است.

ششم: ایجاد کانال مالی برای تأمین برخی نیازهای اقتصادی

ایجاد کانال مالی برای پرداخت وجه واردات مواد غذایی و دارو و پرداخت دیون (به سازمان ملل و دانشگاه‌ها) به عنوان یک امتیاز دیگر در توافق‌نامه مطرح شده است^۲. اما به دلایل زیر این امتیاز که با لحنی تحقیرآمیز (سیر کردن گرسنه) تدوین شده فاقد اثر واقعی بر کاهش تحریم‌هاست:

۱- مواد غذایی کشاورزی و دارو و تجهیزات پزشکی به استناد مفاد قوانین تحریم اساساً از تمامی تحریم‌های سازمان ملل، یک‌جانبه و چندجانبه مستثناست. اما در عمل به دلیل سیاست‌های غلط دولت گذشته در کاهش خودکفایی در کالاهای اساسی نظیر گندم و سنگ‌اندازی شرکت‌های بزرگ فروشنده خارجی مواد غذایی نظیر کارگیل و بنگه (که تحت سیطره‌ی یهودیان قرار دارند) و عدم

1 - The U.S. Administration, acting consistent with the respective roles of the President and the Congress, will refrain from imposing new nuclear-related sanctions.

2 - Establish a financial channel to facilitate humanitarian trade for Iran's domestic needs using Iranian oil revenues held abroad. Humanitarian trade would be defined as transactions involving food and agricultural products, medicine, medical devices, and medical expenses incurred abroad. This channel would involve specified foreign banks and non-esignated Iranian banks to be defined when establishing the channel. This channel could also enable: transactions required to pay Iran's UN obligations; and, direct tuition payments to universities and colleges for Iranian students studying abroad, up to an agreed amount for the six month period.

نظارت بر مصارف ارزی در بخش دارو و کالاهای اساسی، تأمین این اقلام با مشکلاتی همراه می‌شد. بنابراین نمی‌توان ایجاد کانال مالی را یک گشایش در امر تحریم‌ها محسوب کرد.

۲- تسهیل واردات کالاهای اساسی و دارو سبب می‌شود وابستگی اقتصاد ایران در امور حیاتی خود به طرف‌های غربی همچنان حفظ شود و انگیزه مسئولان کشور در پیگیری راهبرد خودکفایی که همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب «مدظله‌العالی» بوده، کاهش یابد.

۳- ایجاد این کانال مالی باعث می‌شود تا انتقادهای نهادهای حقوق بشری از تحریم‌های آمریکا و کشورهای غربی علیه ایران رفع شود و ظاهر بشردوستانه آن‌ها در افکار عمومی و رسانه‌ها در عین فشار اقتصادی به مردم ایران حفظ شود.

۴- ایجاد کانال برای پرداخت دیون ایران به سازمان ملل، اساساً امتیازی به نفع خود غربی‌هاست تا طلب‌های خود را از ایران بگیرند و نه اینکه امتیازی به ایران داده باشند! این در حالی است که تیم غربی با سوءاستفاده از طرف مقابل حتی اجازه برقراری مجدد وام‌های بانک جهانی را نداده است و حاضر نشده حتی کمی این امتیاز را به نفع ایران بچرخاند!

۵- اجازه پرداخت پول به دانشجویان ایران در اروپا نیز همانند بسیاری از امتیازهای این توافق‌نامه اولاً به نفع خود غربی‌هاست. ثانیاً عبارت «direct» که قبلاً در متن آمریکایی‌ها نبود و بعداً اضافه شد اجرای عملی این امتیاز را با مشکل مواجه کرده و بر اساس آن دانشگاه‌های خارجی باید در بانک‌های دارای پول نفت ایران در کشورهای چین و کره و ... حساب باز کنند تا پول را مستقیماً بگیرند.

هفتم: افزایش سقف مجاز در برخی پرداخت‌ها با اروپا

آخرین امتیاز اقتصادی این توافق‌نامه افزایش سقف مجاز در برخی پرداخت‌های

بانکی به اروپاست^۱. بر اساس تحریم‌های اروپا که در سال ۲۰۱۰ تصویب شده و تاکنون ادامه و تشدید یافته، نقل و انتقال وجوه بالاتر از سقف ۴۰ هزار یورو بین ایران و اروپا نیازمند کسب مجوز از مقامات نظارتی اروپاست. اما افزایش سقف مجوزهای اروپا که به صورت یک وعده کلی و مبهم بیان شده این قید را نیز دارد که تجارت باید غیر تحریمی و از طریق اشخاص غیر تحریمی باشد؛ لذا با توجه به تحریم بانک‌های ایران و همچنین صنعت و بخش انرژی ایران در اروپا، عملاً افزایش این سقف تأثیر چندانی در روابط اقتصادی ایران و اروپا ایجاد نمی‌کند.

هشتم: تحریم‌های بانکی

با اینکه به نظر می‌رسد هدف اصلی دولت ایران در مذاکرات هسته‌ای، برداشتن تحریم‌های بانکی و نفتی علیه جمهوری اسلامی است، اما متأسفانه این هدف حتی در گام نهایی توافقی نامیه نیز محقق نمی‌شود. در متن چهار صفحه‌ای توافق‌نامه، هر جا کلمه تحریم‌ها (sanctions) به میان آمده است عبارت هسته‌ای (nuclear-related) با آن همراه شده است. به عبارت دیگر در گام نهایی، و پس از انجام تمام تعهدات ایران بر اساس توافق‌نامه، فقط تحریم‌های هسته‌ای سازمان ملل، تحریم‌های هسته‌ای چندجانبه، و تحریم‌های هسته‌ای یک‌جانبه برداشته خواهد شد. در نتیجه تحریم‌های بانکی و نفتی مصوب کنگره آمریکا، در جای خود محفوظ خواهد ماند که به این موضوع در ادامه خواهیم پرداخت. متأسفانه در همین راستا در برخی از بخش‌های ترجمه رسمی توافق‌نامه ژنو توسط وزارت امور خارجه ایران اشتباهاتی به چشم می‌خورد چرا که از قید کلمه «هسته‌ای» برای تحریم‌های چندجانبه و ملی در متن اصلی صرف‌نظر شده است!

1 - Increase the EU authorisation thresholds for transactions for non-sanctioned trade to an agreed amount.

در واقع در تمام قسمت‌های متن توافق‌نامه که بحث برداشته شدن تحریم‌ها به میان آمده کلمه تحریم با کلمه هسته‌ای همراه شده است. توجه به این نکته لازم است که در متن تحریم‌های نفتی و بانکی که توسط کنگره آمریکا به تصویب رسیده جدای از موضوع هسته‌ای، ادعاهایی درباره‌ی حقوق بشر و حمایت ایران از تروریسم مطرح شده است. خلاصه کلام آنکه تحریم‌های نفتی و بانکی با سه بهانه به تصویب رسیده‌اند بنابراین، حتی اگر ایران برنامه هسته‌ای خود را به طور کامل و برای همیشه متوقف کند، آمریکا می‌تواند بدون نقض توافق‌نامه ژنو با دو بهانه دیگر خود یعنی موضوعات حقوق بشر و حمایت از تروریسم، به تحریم‌های بانکی و نفتی که بیشترین مشکل را برای مردم ایجاد کرده ادامه دهد.

این نکته‌ای است که در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۹۲ (۳ اکتبر ۲۰۱۳) توسط شرمن بدان اشاره می‌گردد: «ما با ایرانی‌ها شفاف بوده‌ایم و گفته‌ایم که در اینجا در مورد برنامه هسته‌ایشان و تحریم‌هایی که مربوط به برنامه هسته‌ای آن‌هاست صحبت می‌کنیم؛ و خاطرنشان ساختیم تحریم‌های موجود در مورد اقدامات حقوق بشر و اقدامات تروریستیشان همچنان بر روی میز است، دقیقاً به خاطر آنچه که شما به آن اشاره کردید مبنی بر اینکه باید پیشرفت، آن هم پیشرفت چشمگیری در باب حقوق بشر داشته باشند؛ نباید دیگر از تروریسم حمایت کنند؛ و در حقیقت نباید آن منطقه از جهان و بسیاری از دیگر نقاط جهان را بی‌ثبات کنند.»^۱

این موضوع بار دیگر در جلسه استماع ۲۱ آذر ۱۳۹۲ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۳) این بار در کمیسیون بانکداری سنای آمریکا توسط وندی شرمن تکرار می‌شود: «ما به ایران گفته‌ایم که همچنان به اجرای تمام تحریم‌های موجود ادامه خواهیم داد و گفته‌ایم که این توافق‌نامه تنها به تحریم‌های هسته‌ای جدید در قالب آنچه

1 - <http://www.foreign.senate.gov/hearings/reversing-irans-nuclear-program>

که ما، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد، چشم‌پوشی خواهیم کرد اشاره می‌کند.^۱

جان کری نیز در ۱۹ آذرماه ۱۳۹۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۳) در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با ادبیات مشابهی به بیان این موضوع می‌پردازد: «ما ۵+۱ را متحد کرده‌ایم. روسیه، چین، ایالات متحده، فرانسه، آلمان و بریتانیا همه با این تضمین متحد شده‌اند که تحریم‌ها را لغو نخواهیم کرد و بر اعمال آن‌ها تمرکز خواهیم کرد. در حال حاضر، همه تحریم‌ها علیه ایران، باقی خواهند ماند. به علاوه، به خاطر سابقه بسیار منفی آن‌ها در حوزه حقوق بشر، حمایتشان از تروریسم که به آن اشاره کردید و فعالیت‌هایی که برای بی‌ثبات کردن مناطقی مثل سوریه انجام می‌دهند، تمام این تحریم‌ها در جای خود باقی می‌ماند. این تحریم‌ها هیچ ربطی به موضوع هسته‌ای ندارند. این تحریم‌ها به خاطر دلایل موجود وضع شده است و ما آن‌ها را بر نمی‌داریم.»^۲

گفتنی است بر اساس ساختار سیاسی حاکم در آمریکا، رئیس‌جمهور نمی‌تواند قوانین موجود را نقض و یا از اجرای آن سر باز زند و در عمل، برای لغو تحریم‌های نفتی و بانکی در کنار تمکین به نظرات مقامات آمریکایی در حوزه حقوق بشر و تروریسم، در نهایت باید اکثریت اعضای کنگره قانون دیگری را تصویب کنند که قانون تحریم‌ها را نقض کند که البته تحقق این فرآیند با توجه به نفوذ لابی اسرائیل در کنگره بسیار مشکل و طولانی به نظر می‌رسد.

1 - http://www.banking.senate.gov/public/index.cfm?FuseAction=Hearings.Hearing&Hearing_ID=627775a7-ddae-470d-8aad-729450acbc9b

2 - <http://foreignaffairs.house.gov/hearing/iran-nuclear-deal-does-it-further-the-us-national-security>

ردیف	عنوان	مقوله	توضیح و تحلیل
۱	توقف موقتی تلاش برای کاهش خرید نفت خام ایران	مشتریان فعلی بتوانند میانگین میزان کنونی خرید نفت خام خود از ایران را کماکان ادامه دهند	بر اساس تحریم‌ها، کشورهای خواهان نفت ایران تنها در صورتی می‌توانند از ایران نفت خریداری کنند که هر شش ماه ۲۰ درصد از میزان خرید نفت را کاهش دهند و بر اساس این توافق یک دوره شش ماه کنسل شده است. وضع موجود فروش نفت یعنی ۱ میلیون بشکه ادامه می‌یابد و ایران از افزایش فروش نفت بیش از وضع موجود منع شده است و این موضوع سبب ادامه کسری بودجه ۵۰ درصدی و افزایش فشارهای اقتصادی بر مردم خواهد شد. ضمن اینکه بخشی از کاهش فروش نفت، به خاطر مازاد عرضه ناشی از عربستان و عراق و لیبی و روسیه و آمریکا است؛ لذا این عرضه مازاد بر تقاضای بازار سبب کاهش فروش نفت ایران در چارچوب همین توافق خواهد شد. بر اساس توافق نامه تحریم میعانات و نفت کوره همچنان ادامه یافته، در حقیقت ایران به سمت صادرات مواد خام سوق داده می‌شود.
	بازگشت مبالغ مشخص از عواید فروش نفت ایران در خارج از کشور به ایران	نکته قابل توجه آنکه عواید فروش نفت ایران مسدود نبوده، بلکه منابع ایران فقط برای پرداخت در کشورهای خریدار نفت قابل استفاده بوده است و قابلیت انتقال نداشته است. آنچه بر اساس این توافق صورت اتفاق می‌افتد، اجازه می‌دهند تا بخشی از این منابع برای خرید کالاهای اساسی و دارو از اروپا (خود کشورهای غربی) مورد استفاده قرار گیرد.	برای مثال، ۲۰ میلیارد دلار در چین مسدود نیست، بلکه تضمین نقدی فاینانس است که این کشور در ایران انجام می‌دهد و بر اساس قراردادی است که در سال ۱۳۸۷ بین دو کشور منعقد گردیده و در این دولت نیز فارغ از بحث تحریم‌ها تمدید شده است. پول‌ها در چین و کره پاسخگوی واردات نیست. بنابراین امتیاز محسوب نمی‌شود.

ردیف	عنوان	مقوله	توضیح و تحلیل
۲	تعلیق تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا	تعلیق تحریم صنعت خودرو و خدمات مرتبط	تعلیق این تحریم‌ها در واقع امتیازی به شرکت‌های خودرو سازی نظیر رنو و پژو فرانسه است که دچار ورشکستگی شده بودند. که در واقع امتیازی به طرف مقابل به جای ایران خواهد بود.
		تعلیق تحریم بیمه و خدمات حمل و نقل مرتبط	اولاً تحریم‌های بیمه‌ای طبق توضیح موجود در تفاهم شامل شرکت‌های تحریمی ایران نظیر کشتی‌رانی و نفت‌کش و بیمه مرکزی و بیمه‌های تحریمی ایران نمی‌شود. ثانیاً به دلیل خرید نفت‌کش‌ها در صورت حفظ وضع موجود فروش نفت، اصلاً نیازی به نفت‌کش‌های خارجی نیست که تحریم آن برداشته شود. در واقع این امتیاز نیز، امتیازی به طرف خارجی است. ثالثاً تحریم‌های بیمه‌ای نیز به دلیل ایجاد بیمه داخلی، برای کشور سودآور بوده و باز امتیازی برای طرف غربی است.
		تعلیق تحریم صادرات پتروشیمی و خدمات مرتبط	تحریم‌های پتروشیمی به دلیل وضعیت بازار بین‌المللی آن (مازاد تقاضا در بازار و اقدامات بخش خصوصی) موثر نبوده و به گفته مدیر عامل سابق شرکت پتروشیمی تاکنون یک گرم پتروشیمی نیز به دلیل تحریم‌ها در داخل کشور نمانده است.
		تعلیق تحریم طلا و فلزات گرانبها، و خدمات مرتبط	علی‌رغم تحریم طلا، در سال‌های گذشته به هر میزان که خواسته‌ایم طلا وارد کرده‌ایم. بنا به اعلام رسمی بانک مرکزی در ایام تحریم، ذخائر طلایی کشور دوچندان شد. چون طلا تجارت چمدانی دارد، امکان تحریم آن در عمل میسر نخواهد بود.

ردیف	عنوان	مقوله	توضیح و تحلیل
۳	عدم صدور قطع نامه جدید هسته‌ای	عدم صدور قطع‌نامه‌های جدید تحریم هسته‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد	اولاً اجازه تحریم‌های حقوق بشری و تروریستی و حتی تحریم‌های توسعه سلاح‌های کشتار جمعی (موشک‌ها و پهپادها) همچنان برای آن‌ها باقی است و برای تحریم حقوق بشری نیز اقداماتی را شروع کرده‌اند.
		عدم صدور قطع‌نامه‌های جدید تحریم هسته‌ای از سوی اتحادیه اروپا	ثانیاً به دلیل عدم همراهی روسیه و چین، امکان قطع‌نامه جدید تحریم هسته‌ای فراهم نبود.
		دولت آمریکا، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره از تحمیل تحریم‌های جدید هسته‌ای خودداری خواهد کرد.	در خصوص آمریکا باید گفت که بر اساس توافق نامه: ۱. تنها دولت آمریکا ملزم به عدم تحریم شده و بر اساس قوانین آمریکا امکان تحریم‌های کنگره باقی مانده است. ۲. تقریباً بخش اعظمی از فعالیت‌های اقتصادی ایران بر اساس قانون IFCPA تحت تحریم قرار گرفته است.

ردیف	عنوان	مقوله	توضیح و تحلیل
۴	ارائه خدمات ایمنی هواپیمایی	صدور گواهی عرضه و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیرنظامی ایران و خدمات مرتبط.	نکته مهم این است که در انتهای این بسته صراحتاً اعلام می‌شود که شرکت‌های هواپیمایی تحریمی هما و ماهان که در لیست تحریم هسته‌ای است همچنان در لیست تحریم‌ها باقی می‌ماند و از این خدمات هم محروم باقی خواهد ماند.
		صدور گواهی بازرسی‌های مرتبط با ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط	زرنگی غربی‌ها آن است که بدون اشاره به تحریم هما و ...، فقط عنوان کلی خدمات ایمنی را آورده‌اند.

ردیف	عنوان	مقوله	توضیح و تحلیل
۵	ایجاد یک کانال مالی به منظور تسهیل تجارت امور انسان دوستانه برای تأمین نیازهای داخلی ایران با استفاده از درآمدهای نفتی ایران در خارج از کشور	تجارت امور انسان دوستانه شامل مراودات تجاری مرتبط با تولیدات غذایی و کشاورزی، دارو، تجهیزات دارویی و مخابرات پزشکی بیماران خارج از کشور	مواد غذایی و دارو و تجهیزات پزشکی اساساً تحریم نیست و از تمامی تحریم‌ها مستثناست اما در عمل به دلیل مشکلات جابجایی پول و برخی سیاست‌های نادرست غلط کار انجام نمی‌شد. بنابراین امتیاز جدیدی نیست و قبل از این هم طبق شرایط مشابه کار انجام نمی‌شد. ضمن اینکه مواد غذایی و کالاهای اساسی عمده‌ا از آمریکای جنوبی و کشورهای شمالی تهیه می‌شود و نه اروپا و آمریکا
	(این کانال مالی شامل بانک‌های خارجی مشخص و بانک‌های ایرانی غیر تحریم شده خواهد بود که به هنگام ایجاد این کانال مالی مشخص خواهند شد)	نقل و انتقال‌های مالی مورد نیاز برای پرداخت تعهدات ایران به سازمان ملل متحد	این امتیاز اساساً به نفع خودشان است تا طلب‌های خود را از ایران بگیرند
		پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج از کشور تا مبلغ توافق شده برای یک دوره شش ماهه.	اولاً به نفع خودشان است. ثانیاً عبارت «direct» که قبلاً در متن آمریکایی‌ها نبود، اضافه شد تا برای پرداخت باید دانشگاه‌ها در بانک‌های دارای پول نفت در چین و کره و ... حساب باز کنند تا پول را بگیرند که عملاً عملیاتی نشود.

ردیف	عنوان	مقوله	توضیح و تحلیل
۴	افزایش آستانه برای اخذ مجوزهای اتحادیه اروپا جهت تبادلات مالی تجارت موارد غیر تحریمی تا مبلغ مورد توافق.	افزایش تراکنش بین بانک‌های ایران و بانک‌های اروپا از سقف ۴۰ هزار یورو نسبت به گذشته	این موضوع از یک سو کمکی است که وضعیت بحران مالی در اتحادیه اروپا و افزایش ظرفیت فروش برای کالاهای تولیدی این اتحادیه خواهد بود. از سوی دیگر سبب افزایش سطح وابستگی ایران به کشورهای غربی خواهد بود که منجر به: ۱. کاهش توان ایران برای موضع گیری نسبت به افزایش خواسته‌های آتی طرف‌های غربی در ادامه مذاکرات خواهد شد. ۲. عدم توان به ساخت درونی اقتدار

فصل ۳

بررسی حقوقی بیانیه ۲۴ نوامبر ژنو

اگر چه معاهدات بین‌المللی بخش مهمی از حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهند اما در همین حوزه فنی نیز تأثیرات سیاست و قدرت بر روابط حقوقی انکارناپذیر به نظر می‌رسد، چرا که یک معاهده می‌تواند با دواعی سیاسی انعقاد یافته و نیز با دلایل مشابه به حیات خود پایان دهد. این خاصیت حقوق بین‌الملل است که متأخر از وقایع حرکت کرده و آثار حقوقی آن‌ها را تبیین می‌نماید. به عبارت دقیق‌تر باید گفت که در عرصه بین‌المللی قواعد حقوقی، متأخر از وقایع به وجود آمده و چارچوب‌های حقوقی را شکل می‌دهند.

به علاوه، در عرصه بین‌المللی به دلیل تفاوت زبان‌های رسمی دولت‌ها و نظام‌های حقوقی که دولت‌ها در آن تنفس می‌کنند و نیز لزوم انعقاد معاهدات و سایر اسناد بین‌المللی به زبان مشترک و در نتیجه بیگانگی برخی کشورها با زبان معاهده مورد نظر، دولت‌ها حق دارند تفسیر ویژه خود را از عبارات معاهده داشته باشند؛ بر این اساس، و به دلیل لزوم وجود فهم مشترک از مفاد آنچه منعقد شده است دولت‌های عضو یک معاهده می‌توانند علاوه بر متن اصلی معاهده، تفسیریه‌ای را به آن ضمیمه نموده و فهم فردی یا مشترک خود را از مفاد معاهده مورد نظر اعلام نمایند؛ این کار می‌تواند به وسیله صدور بیانیه‌های رسمی یک‌جانبه نیز اتفاق بیفتد. بنابراین، آنچه اهمیت دارد این است که در عین اینکه اطراف یک معاهده با اراده خویش تعهدی را به عهده می‌گیرند قصد آن‌ها توافق بر موضوعی مشترک باشد.

این مهم زمانی اهمیت مضاعفی می‌یابد که سند مورد نظر دارای ابهامات متعدد بوده و بتوان از آن تفاسیر حقوقی متعدد با آثار متفاوت از یکدیگر ارائه نمود.

برای درک آنچه در ۲۴ نوامبر در ژنو اتفاق افتاده و خروجی آن در قالب بیانیه‌ای مشترک در اختیار افکار عمومی قرار گرفت مطالعه‌ای حقوقی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این بستر است که عبارات مبهم معنای حقیقی خود را می‌یابند و آنچه را به متعاهدین تحمیل نموده‌اند نمایان می‌سازند.

با این مقدمه، به سراغ بیان نکاتی چند درباره بیانیه منتشره در تاریخ ۲۴ نوامبر گذشته بین جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ در ژنو رفته و درباره برخی جوانب حقوقی آن به مذاقه می‌نشینیم.

۱- اولین سؤالی که ممکن است در مورد این بیانیه مطرح شود ماهیت حقوقی آن است. آیا این بیانیه معاهده‌ای چند جانبه و در نتیجه دارای تعهدات الزام‌آور است یا اینکه بیانیه‌ای صرفاً سیاسی بوده و فاقد آثار حقوقی قابل پیگیری قلمداد می‌گردد؟

در دو جای این بیانیه عبارت «همه یا هیچ» گنجانده شده است به این معنا که مفاد بیانیه مورد نظر با آنچه در مراحل بعدی مذاکرات مورد توافق قرار می‌گیرد در مجموع، موافقت‌نامه‌ای الزام‌آور برای اطراف آن خواهد بود. بنابراین، در صورت حصول توافق در مراحل بعدی مذاکرات، بیانیه مورد نظر اگرچه خود یک معاهده مستقل نیست اما بخشی از یک معاهده الزام‌آور قلمداد می‌شود که طرفین ملزم به اجرای تعهدات مندرج در آن هستند؛ اما در صورت عدم حصول توافق بعدی، هیچ‌گونه الزام حقوقی پشتیبان اجرای بیانیه مورد نظر نخواهد بود. بنابراین در پاسخ به سؤال فوق باید گفت که بیانیه صادره هم می‌تواند یک موافقت‌نامه الزام‌آور حقوقی باشد و هم می‌تواند بیانیه‌ای صرفاً سیاسی قلمداد شود.

ممکن است اندراج عبارت «داوطلبانه بودن» اقدامات طرفین در بیانیه مورد نظر، این شبهه را تقویت نماید که نمی‌توان آن را موافقت‌نامه‌ای الزام‌آور تلقی کرد؛ در قبال این شبهه باید گفت تا زمان رسیدن به یک توافق نهایی، این استدلال به لحاظ حقوقی صحیح است اما آیا به لحاظ سیاسی نیز می‌توان اختیاری را برای طرفین بیانیه در جهت عدم اجرای مفاد آن قائل شد؟ در واقع این بیانیه گامی مقدماتی از طرف متعاهدین برای رسیدن به یک توافق نهایی است که با الحاق گام‌های بعدی به آن و نهایتاً با اتخاذ گام نهایی، الزام حقوقی می‌یابد. در نتیجه گام نخست، همان‌طور که به ویژگی «داوطلبانه بودن» آن نیز اشاره شده است، گامی اعتمادساز از جانب طرفین به ویژه طرف ایرانی مذاکرات است تا در سایه اعتماد مورد ادعا، گام‌های بعدی در جهت حصول نتیجه برداشته شود.

بنابراین، به لحاظ حقوقی، چون ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشده است طرفین الزامی به پای‌بندی به مفاد بیانیه منتشره ندارند. اما آیا به لحاظ سیاسی و عملی نیز طرفین می‌توانند از الزامات داوطلبانه خود استنکاف بورزند یا خیر؛ به نظر می‌رسد با عدم توازن قدرت موجود در ارتباط طرفین با یکدیگر، پاسخ متفاوتی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد که نتیجه آن سنگین بودن هزینه عهدشکنی ایران از یک طرف و عدم وجود هزینه‌ای خاص از جانب طرف مقابل

در صورت عهدشکنی غرب است. در واقع عهدشکنی طرف ایرانی با ضمانت اجراهای سنگین سیاسی - برای مثال در قالب صدور قطع‌نامه‌ای از سوی شورای امنیت - مواجه می‌شود؛ اما تعهدات طرف غربی ضمانت اجرای خاصی را به همراه ندارد.

۲- شاید مهم‌ترین موضوعی که در این بیانیه محل اختلاف قرار گرفته و از ساعات اولیه بعد از انتشار بیانیه، دو طرف نسبت به آن مواضع کاملاً متضادی اتخاذ کردند، مسئله حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی است که طرف ایرانی مدعی به رسمیت شناخته شدن آن از جانب طرف غربی بود در حالی که طرف غربی نیز به صراحت چنین موضوعی را نفی می‌کرد. برای رسیدن به اصل آنچه موضوع تفسیرهای متفاوت قرار گرفت اکتفا به متن رسمی ترجمه شده از جانب وزارت خارجه جمهوری اسلامی کفایت نمی‌کند چرا که این ترجمه در برخی موارد تفاوت فاحشی با آنچه در متن اصلی مندرج گردیده، دارد.

با رجوع به متن اصلی و ارائه تفسیری حقوقی از آن، متأسفانه این نتیجه حاصل می‌شود که در بیانیه مورد نظر، نه تنها حق غنی‌سازی برای جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده، بلکه از مفهوم عباراتی که درباره غنی‌سازی مطالبی را بیان کرده، بر می‌آید که این حق از جمهوری اسلامی سلب گردیده است. دلایل زیر در این زمینه قابل بیان است:

الف) در هیچ کجای این بیانیه از حق غنی‌سازی (enrichment right) صحبتی به میان نیامده، بلکه آنچه مورد اشاره قرار گرفته برنامه غنی‌سازی (enrichment programme) است. هرچند همین نکته برای رد ادعای سرتیم مذاکره‌کننده و رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی در به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی برای ایران، کفایت می‌کند اما توجه به نکاتی که در ادامه می‌آید نیز خالی از لطف نخواهد بود.

ب) در دو جای بیانیه مورد نظر از برنامه غنی‌سازی (enrichment programme)

ایران صحبت به میان آمده است که اجرای آن برنامه نیز بعد از گام نهایی توافق و در قالب راه حل جامع (comprehensive solution)، و البته با توافق دو طرف (mutually) و نیز با محدودیت‌هایی که به آن‌ها اشاره شده و در معنایی که تعریف خواهد شد (defined enrichment programme)، به عمل خواهد آمد. یعنی در واقع، در عین اینکه حقی وجود ندارد در پایان گام نهایی مذاکرات در مورد برنامه (و نه حق) غنی‌سازی ایران با محدودیت‌هایی که حوزه‌های آن مشخص است با توافق دو طرف، تصمیم‌گیری خواهد شد و این بیان یعنی اینکه ایران برای برنامه غنی‌سازی خود نیز باید از ۵+۱ کسب اجازه نماید. در کنار این موضوع، باید به محدودیت‌های موجود در آن بند نیز اشاره کرد که ایجاد و اجرای برنامه غنی‌سازی را مقید به قیودی می‌کند که ایران حق عدول از آن‌ها را ندارد.

ج) در بخش چهارم بیانیه که به محتوای گام نهایی و راه حل جامع اشاره می‌کند در بند مربوط به برنامه غنی‌سازی ایران، سه بار از واژه «agreed» استفاده شده است؛ این ادبیات به این معناست که در مورد همان محدودیت‌هایی هم که برنامه غنی‌سازی ایران ممکن است در آن چهارچوب عملیاتی شود، باید توافق حاصل گردد و در غیر این صورت - یعنی در صورت عدم ایجاد توافق در هر حوزه مورد نظر - ایران نمی‌تواند برنامه‌ای برای غنی‌سازی داشته باشد.

د) دلیل دیگر بر این مدعا، وجود قید زمانی برای برنامه غنی‌سازی ایران است که در همان بند از بیانیه درج گردیده است^۱، یعنی اگر در راه حل جامع گام نهایی، در مورد برنامه غنی‌سازی برای ایران توافقی حاصل شود، آن توافق محدود به مدت زمانی خواهد بود که آن مدت زمان هم باید مورد توافق طرفین قرار بگیرد. این عبارت از بیانیه نیز ثابت کننده این مدعا است که نه تنها حق غنی‌سازی وجود ندارد بلکه برای برنامه غنی‌سازی هم اصل بر عدم وجود است مگر اینکه

1 - for a period to be agreed upon

برای مدت زمانی مشخص توافقی برای آن به وجود بیاید.

د) دلیل دیگر ادعای فوق، توافق بر عدم گسترش افقی^۱ و عمودی^۲ فعالیت‌های (activities) عملی غنی‌سازی ایران است که در کنار لزوم کسب اجازه آتی جمهوری اسلامی برای برنامه غنی‌سازی خود (که در بند فوق به آن اشاره شد) نشان از عدول دولت ایران از ادعای حق غنی‌سازی این کشور دارد. یعنی در واقع عدم دقت یا علم یا تجربه کافی از سوی تیم مذاکره‌کننده در تنظیم بیانیه مورد نظر باعث تنظیم محتوایی گردیده که در آن، عدول ضمنی از حق غنی‌سازی استنباط می‌گردد.

۳- هدف جمهوری اسلامی از نشستن دور میز مذاکره و معامله بر روی فرآیند غنی‌سازی ۲۰ درصد خود، همان‌طور که در مذاکرات آلمانی نیز مطرح شده بود، لغو کلیه تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده، اروپا و شورای امنیت سازمان ملل بوده است. با نگاهی اجمالی به متن بیانیه ۲۴ نوامبر ژنو عدم دستیابی به این هدف از جانب جمهوری اسلامی کاملاً مشهود است.

در مقدمه بیانیه مقرر گردیده است که «راه حل جامع (که در گام نهایی مذاکرات به دست خواهد آمد) شامل فرآیندی متقابل (reciprocal) و گام به گام (step-by-step) خواهد بود و موجب رفع کامل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، مانند آن تحریم‌های چند جانبه و ملی که مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران هستند، خواهد شد.»

فارغ از ادبیات مبهم جمله پایانی و چپستی تحریم‌های «چندجانبه و ملی» مندرج در متن که باب تفسیر را برای طرف غربی باز گذاشته، در مورد این بند از بیانیه چند نکته بسیار مهم قابل بیان است:

1 - any further advances & no new location for the enrichment

2 - no further enrichment over 5 درصد

(الف) بر اساس آنچه در این بیانیه تصریح گردیده، حتی با رسیدن به گام آخر مذاکرات و حصول توافقی جامع و نهایی، متأسفانه قرار نیست همه تحریم‌های موضوعه علیه جمهوری اسلامی لغو گردند. با دقت در ادبیات استفاده شده در جمله بالا، این نتیجه حاصل می‌شود که حتی بعد از اجرای کامل توافق‌نامه جامع، اگر غرب به تعهدات خود عمل نماید، ما صرفاً شاهد لغو آن دسته از تحریم‌هایی خواهیم بود که با برنامه هسته‌ای ما مرتبط بوده است و البته اجرای این تعهد به این معنا نیست که غرب نمی‌تواند همان تحریم‌ها را در قالبی دیگر و به بهانه‌ای دیگر، مانند موضوع صنعت موشکی یا موضوعات مرتبط با پرونده حقوق بشری ایران، وضع نماید.^۱

این نکته وقتی در کنار بند ۵ تا ۷ تعهدات ۵+۱ قرار می‌گیرد، گشادی کلاهی را که در این بیانیه بر سر ایران رفته است، نمایان‌تر می‌کند. در این تعهدات غرب داوطلبانه پذیرفته که از اعمال تحریم‌های جدید مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران (nuclear-related sanctions) خودداری می‌کند؛ در نتیجه اگر در طی همین شش ماهه گام اول، شورای امنیت یا اروپا یا ایالات متحده تحریمی جدید درباره‌ی صنایع موشکی ایران یا به بهانه آن وضع نماید، به هیچ عنوان خلاف تعهدات خویش، مندرج در بیانیه ژنو، عمل نکرده است.

۱ -- رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «اگر یک روزی هم مسئله‌ی هسته‌ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد؛ همان‌که آنها می‌خواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، ده بهانه‌ی دیگر را به‌تدریج پیش می‌کشند: چرا شما موشک دارید؟ چرا هواپیمای بدون سرنشین دارید؟ چرا با رژیم صهیونیستی بدید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه‌ی به قول خودشان خاورمیانه حمایت می‌کنید؟ و چرا؟ و چرا؟ و چرا؟ مسئله این نیست که اینها سر قضیه‌ی هسته‌ای با جمهوری اسلامی اختلاف پیدا کرده باشند؛ نه، تحریم آمریکا از اوّل انقلاب شروع شد، روزه‌روز هم بیشتر شده است، ... مسئله مسئله‌ی هسته‌ای نیست؛ باید همه به این توجه داشته باشند.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۰۸/۱۲)

ب) بند مورد نظر از بیانیه، رسیدن به راه حل جامع را فرآیندی گام به گام و البته متقابل می‌داند؛ این دو ویژگی بیان شده به این معناست که در هر مرحله از مذاکرات هر کدام از طرفین باید در مقابل اقدامی که طرف دیگر انجام می‌دهد، متعهد انجام اقدامی گردد، یعنی در هر مرحله از مذاکرات باید شاهد یک بده-بستان حقوقی و یا سیاسی باشیم. بنابراین، در شرایطی که جمهوری اسلامی اولین گام اعتمادساز خود را بسیار بلند و دور از حد انتظار حتی طرف غربی، برداشت سؤال اساسی این است که در گام بعدی مذاکرات چه امتیازی را باید به طرف مقابل بدهیم تا در قبال آن چیزی به دست بیاوریم؟

آنچه برای جمهوری اسلامی اهمیت وافر داشت و برگ برنده او در مذاکرات چندین دور سابق بر مذاکرات اخیر محسوب می‌شد، همان غنی‌سازی ۲۰ درصدی بود که در گام اول به طرف مقابل هدیه شد در حالی که طرف مقابل اقدامات مختصری را به عهده گرفته و محتوای آن در متن بیانیه مندرج گردیده و از کسی پوشیده نیست. با این که در این فصل بنا داریم از چهارچوب تحلیل حقوقی فزاینده‌تر نرویم، اما به عنوان تکمله بحث باید گفت که در دور بعدی مذاکرات دست تیم مذاکره‌کننده در حوزه تخصصی هسته‌ای از برگ برنده‌ای که بتوان در مقابل آن امتیازی کسب نمود خالی است و این امر طبیعتاً اقتضاء خواهد داشت که طرف غربی درخواست‌های خود را به خارج از حوزه تخصصی هسته‌ای گسترش دهد؛ به عنوان نمونه می‌توان به درخواست «دست کشیدن جمهوری اسلامی از حمایت از حزب‌الله لبنان» و یا مسئله بسیار مهم دیگری همچون «امتناع از اعمال هرگونه حمایت از دولت بشار اسد» اشاره نمود.

۴- در دو جای بیانیه ۲۴ نوامبر عبارت «یا همه یا هیچ» در مورد مفاد دستاوردهای احتمالی هر دور مذاکرات گنجانده شده است. بند مذکور را در کنار بند اول از قسمت چهارم بیانیه ۱ می‌گذاریم؛ از ترکیب این دو عبارت در حالی

که ایران غنی‌سازی خود را به صورت داوطلبانه و غیرقابل بازگشت تعلیق نموده است، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ جواب این است که گذر هر دقیقه زمان به ضرر جمهوری اسلامی است. در واقع، در ادوار قبلی مذاکرات، در عین جریان داشتن امر مذاکره، گذر زمان برگ برنده‌ای برای ایران بود چون به فعالیت‌های هسته‌ای خود ادامه داده و می‌توانست به برگ‌های برنده خود بیفزاید، اما در دور اخیر با توقف روند غنی‌سازی بیش از ۵ درصد، گذر زمان به ضرر ایران بوده و به همان میزان به سود طرف غربی است. بنابراین، و همان‌طور که در جمله اخیرالذکر از بیانیه هم به آن اشاره شد، نباید انتظار داشت که طرف غربی در مدت زمان کوتاهی اجازه وصول به راه حل جامع (comprehensive solution) را بدهد چرا که دیگر زمان برای او فرصت است و نه تهدید!

۵- در مذاکرات بین‌المللی آنچه بین طرفین توازن در منافع را ایجاد می‌کند قدرت اقتصادی- سیاسی است که با آمیخته‌ای از هنر دیپلماسی می‌تواند نتیجه مذاکرات را شکل دهد. بر این اساس، با نگاهی به آنچه که نتیجه مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه بین‌المللی است، می‌توان به جایگاهی که طرفین مذاکره خود را در آن می‌دیدند و ادراک طرف مقابل از این جایگاه پی برد. توازن موجود بین عوضین در این بده و بستان سیاسی حکایت از برابری جایگاه دو طرف دارد، و بالتبع، عدم توازن موجود بین عوضین در توافق‌نامه مورد نظر، نشان‌دهنده دست برتر یک طرف مذاکره است. بیانیه ۲۴ نوامبر ژنو هم از این دریچه قابل ارزیابی است.

الف) بررسی محتوایی این که تعهدات هر یک از طرفین در این بیانیه چه بوده است، بیشتر جنبه اقتصادی و فنی دارد - که در فصول دیگر به آن پرداخته شده- اما بررسی و ارزیابی آنچه طرفین بدان ملتزم شده‌اند و ارائه تصویری از مراحل بعدی مذاکرات، مطمئناً موضوعی در چارچوب علم حقوق است.

بر این اساس، نگاهی عمیق به متن بیانیه مورد نظر، عدم وجود توازن در تعهدات طرفین را منعکس می‌کند. آنچه طرفی ایرانی در مورد ذخایر اورانیوم

۲۰ درصد موجود خود، که مهم‌ترین دارایی او در این مذاکرات بوده است به آن ملتزم شده -همان‌طور که در متن بیانیه نیز مندرج گردیده- فرآیندی کاملاً قطعی و برگشت‌ناپذیر (no reconversion line) است چه در مورد ترقیق نیمی از ذخایر موجود و چه در مورد تبدیل نیم دیگر به سوخت هسته‌ای (UO₂).

اما از سوی مقابل، مهم‌ترین تعهدی که طرف دیگر به عهده گرفته، فرآیندی کاملاً موقت و قابل بازگشت است. در بند اول قسمت دوم بیانیه، طرف غربی تعهد می‌کند که تلاش‌های خود را برای ممانعت از صدور نفت ایران متوقف (pause) کند، توقفی که اولاً شاخصی برای سنجش آن وجود ندارد و ثانیاً به صورت آنی قابلیت از سرگیری تلاش‌های مذکور را در خود نهفته دارد.

در بندهای دیگر بیانیه که در مورد کاهش تحریم‌ها نگاشته شده، آنچه طرف غربی انجام می‌دهد تعلیق (suspend) برخی از تحریم‌هاست؛ معنای تعلیق، ایجاد مانع بر سر راه انجام کاری است که با رفع مانع، خود به خود روند سابق ادامه پیدا خواهد کرد.

بخش دیگر از مهم‌ترین تعهدات غرب نیز عدم اجرای تحریم‌های جدید مرتبط با موضوع هسته‌ای علیه ایران است که به لحاظ شکلی مانند دو مورد فوق‌الاشعار قلمداد می‌شود، یعنی غرب می‌تواند با اتخاذ یک تصمیم آنی تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع نماید.

نوع مهم‌ترین تعهدات طرفین نشان می‌دهد که هیچ‌گونه سختی بین آنچه طرفین، عهده‌دار انجام آن شده‌اند وجود ندارد و این یعنی طرف ایرانی خود را به شدت در موضع ضعف می‌دیده که در قبال مختصر تعهداتی که فوراً قابلیت بازگشت دارند مهم‌ترین دارایی خود را، آن هم در یک فرآیند غیرقابل بازگشت تقدیم نموده و خود را از ارزش بازدارندگی ساقط نموده است.

ب) تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی در بند ۶ قسمت چهارم بیانیه مذکور، پا را از اختیارات خود فراتر نهاده و «تعهد بر انجام فعلی» را پذیرفته که خود

صلاحیت انجام آن را ندارد. تصویب پروتکل الحاقی (Additional Protocol) عملی است که وفق قانون اساسی جمهوری اسلامی، صرفاً در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرد و تعهد دولت به تصویب چنین سندی، تعهد به انجام فعلی است که احتمال عدم انجام آن قوت بالایی دارد. بنابراین، از هم اکنون قابل پیش‌بینی است که با عدم تصویب پروتکل الحاقی توسط مجلس، جمهوری اسلامی ایران، در عین اینکه امتیازهای فراوانی را به طرف غربی اعطاء کرده، به عنوان ناقص تعهدات خویش، من جمله تعهدات مندرج در بیانیه و نیز اصل حسن نیت (good faith) شناخته شده، مقدمات انجام اقدامات شدیدتر علیه ایران فراهم می‌گردد.

در تکمله این قسمت از نوشتار باید خاطر نشان ساخت که این عدم توازن فاحش در تعهدات طرفین بیانیه، حاکی از اعتقاد راسخ و عمیق تیم مذاکره کننده ایرانی به فقد پشتوانه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که می‌توانسته در جریان مذاکرات برای تقویت جایگاه آن‌ها مورد استفاده قرار بگیرد؛ به علاوه اینکه طرف غربی هم با اطلاع از این عدم خودباوری تیم مذاکره کننده، حداکثر تلاش را برای بر هم زدن توازن احتمالی تعهدات طرفین به کار بسته است.

۶- اگرچه سعی بر این است که در این فصل از اطاله کلام و مباحث غیر حقوقی پرهیز شود برای تکمیل مهم‌ترین نکات حقوقی بیانیه ژنو، به ذکر چند مورد به صورت خلاصه اکتفا نموده و بحث حاضر را به پایان می‌بریم.

الف) وفق آنچه در مقدمه بیانیه به رشته تحریر در آمده، نظارت بر حسن اجرای اقدامات طرفین، بر عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان ۵+۱ و ایران است که تایید انجام اقدامات تخصصی مربوط به حوزه تخصصی هسته‌ای نیز با مسئولیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام می‌شود. ترکیب هیئت قضاوت کننده، همان ترکیب هیئت مذاکره کننده - با سطحی متفاوت - است و با فقدان تعریف رویه‌ای مشخص برای این هیئت ناظر، طبیعتاً هر یک از اعضاء دارای یک رای خواهند بود؛ مضافاً اینکه آژانس نقشی کلیدی را در این رابطه بازی می‌کند. با این بیان

مختصر از نحوه نظارت بر اجرای بیانیه، مخاطبان سطور حاضر خود در می‌یابند که سرنوشت نظارت‌ها به کجا خواهد رسید. در این جدال، آنکه مدعی و شاکی است، خود در مقام قضاوت نشسته و بر حسن اجرای اقدامات طرفین نظارت خواهد کرد؛ حال، آیا ممکن است چنین ناظری به محکومیت خود رای بدهد؟ و یا از سوء نیت خود در اجرای بیانیه مورد نظر دم بزند؟

ب) نکته دیگر آن که، غالب تعهدات ایران در این بیانیه از نوع کمی و قابل اندازه‌گیری است، یعنی می‌توان شاخصی را برای اندازه‌گیری ارائه کرده و میزان ایفاء تعهدات طرف ایرانی را سنجید؛ اما طرف غربی با تعهداتی سر و کار دارد که بیشتر جنبه کیفی داشته و شاخص ملموسی برای اندازه‌گیری آن وجود ندارد. در چنین حالتی بار اثبات دعوی عدم اجرای تعهدات طرف غربی به عهده ایران خواهد بود؛ این مطلب در کنار آنچه در بند قبل بیان شد، این نتیجه را می‌دهد که نمی‌توان به طرف غربی برای اجرای همان تعهدات حداقلی خود نیز اطمینان داشت.

ج) بند دوم قسمت چهارم بیانیه، بستر خطرناکی را برای اعضای عضو معاهده NPT پایه‌گذاری می‌کند. مطابق این بند، راه حل جامع «حقوق و تعهدات اطراف بیانیه را به معاهده NPT و موافقت‌نامه پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعکس می‌کند.» در حالی که معاهدات بین‌المللی و اسناد الحاقی به آن‌ها، خود بیانگر حقوق و تعهدات خویش هستند و در صورت وجود ابهام در عبارات آن‌ها، مرجع صالح برای تفسیر آن‌ها، در غالب موارد و در صورت عدم وجود مرجع مشخص مندرج در خود آن‌ها، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) است. بر این اساس و با عنایت به اینکه اعضای ۵۱ جزء کشورهای دارای تکنولوژی و حتی سلاح هسته‌ای هستند، عبارت فوق‌الاشعار می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد رویه، یا حتی عرفی بین‌المللی گردد که به موجب آن، کشورهای دارا (به موجب NPT) حقوق و تکالیف کشورهای ندار (آن‌هایی که فاقد تکنولوژی و سلاح هسته‌ای هستند) را برای انجام هرگونه فعالیت هسته‌ای مشخص می‌کنند.

پرواضح است که اعطای مجوز تفسیر NPT به کشورهای دارا، نتیجه‌ای جزء محدود ماندن کلوپ کشورهای دارای انرژی هسته‌ای نخواهد داشت که تبعات سیاسی، نظامی، امنیتی، علمی، اقتصادی و فرهنگی بسیار مهمی را برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

شاهد مثال تحلیل فوق، در عبارت پایانی بیانیه وجود دارد؛ آنجایی که اجرای کامل راه حل جامع در مدت زمان کامل، آن را موجب عادی شدن پرونده ایران مانند سایر کشورهای ندار می‌داند. بر این اساس، به خاطر شدت خاصیت بازدارندگی تکنولوژی هسته‌ای، کشورهای دارا در چنین فرآیندی به هیچ عنوان به سایر کشورها اجازه دسترسی به تکنولوژی و صنعت هسته‌ای را نداده و سعی خواهند داشت با ابزارهای حقوقی خودساخته، توازن بین داراها و ندارها را در این بازی هسته‌ای حفظ نمایند.

بیانیه ۲۴ نوامبر ژنو با دقت و زیرکی خاصی تنظیم و به رشته نگارش در آمده است. بر این اساس، در مورد بسیاری از عبارت‌های آن می‌توان تحلیل‌های حقوقی و در برخی موارد ذوابعاد ارائه نمود. آنچه در این فصل انعکاس یافت مهم‌ترین نکات حقوقی بیانیه بود که از منظر نگارندگان در درجات اول اهمیت قرار داشتند. بنابراین، به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از ذکر مابقی نکات حقوقی مرتبط اجتناب شد.

در پایان و در مرحله نتیجه‌گیری از نکات فوق، به نظر می‌رسد در بازی مذاکره ژنو، از زاویه دید حقوقی، اگر نگوییم جمهوری اسلامی یکه بازنده میدان بوده است، باید گفت که منفعت خاصی را به دست نیاورده است. پیش رفتن در این «مذاکرات!» (و با روندهای حاضر که حاکی از ضعف تیم مذاکره کننده ایرانی و شدت یافتن جسارت آمریکا و اروپا دارد و نیز ماهیت تیم مذاکره کننده کنونی)، تضمین بردهای بیشتر برای طرف غربی است. بنابراین نگارندگان پیشنهاد توقف روند آنچه «مذاکره!» نامیده شده را داشته و منافع ملی جمهوری اسلامی را در گرو عدم ادامه مسیر در این بازی سراسر باخت می‌داند.

قبل از پرداختن به تبعات و ابعاد امنیتی توافق نامه ژنو لازم است با توجه به این نکته که مطابق توافق نامه ژنو یکی از عناصر گام نهایی راه حل جامع، پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران است نگاهی گذرا به پروتکل الحاقی و مفاد آن بیان داریم که از یک سو نشان می دهد برخی از مواد مطرح شده در این پروتکل

فصل ۴

ابعاد و تبعات امنیتی توافق‌نامه ژنو

همان‌طور که اشاره خواهد شد امنیت ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور را به مخاطره می‌اندازد و از دیگر سو مشخص می‌کند تیم مذاکره‌کننده عملاً موارد بسیار مهمی از پروتکل الحاقی را در توافق‌نامه ژنو پذیرفته و امضا کرده است.

■ بررسی اجمالی پروتکل الحاقی و مقایسه تعهدات

توافق‌نامه ژنو با آن

طبق ماده ۵ پروتکل الحاقی، کشورهای عضو موظف هستند امکان دسترسی به مکان‌های مورد نظر آژانس را فراهم کنند: «هر جایی در یک ساختگاه

یا سایت، هر موسسه از کاراندازی شده یا مکان بر چیده شده خارج از مؤسساتی که مواد هسته‌ای در آن‌ها استفاده می‌شده است و ...»؛ اما نکته حائز اهمیت این است ماده ۵ اصل حاکمیت ملی کشورها را نادیده انگاشته است. در بند ج ماده ۵ آمده است: «هر مکان تعیین شده توسط آژانس به غیر از مکان‌های اشاره شده در بندهای الف و ب فوق، جهت انجام نمونه برداری‌های محیطی مختص آن مکان، چنان چه نتواند امکان دسترسی به این مکان‌ها را فراهم آورد باید فوراً تلاش معقول خود را در جهت برآوردن خواسته‌های آژانس در مناطق مجاور یا از طریق روش‌های دیگر به کار گیرد». نکته مهم در این بند نیز واژه «هر مکان» است که طبق آن آژانس می‌تواند از مکان‌های غیر هسته‌ای نیز بازدید کند.

در ماده ۸ پروتکل الحاقی حق فراتری را برای آژانس در نظر می‌گیرد و این ماده دسترسی‌ها را به کشورهای عضو بیش از پیش می‌کند. در این ماده آمده است: «هیچ یک از مفاد این پروتکل نباید موجب گردد که کشور عضو مکان‌هایی علاوه بر موارد اشاره شده در مواد ۵ و ۹ یا مورد درخواست برای انجام فعالیت‌های بازرسی در یک مکان خاص را در دسترس آژانس قرار ندهد. آژانس باید بلادرنگ برای انجام چنین درخواستی به هر تلاش منطقی دست بزند.»

پروتکل الحاقی به بازرسان آژانس اجازه دسترسی وسیع‌تری در بازرسی‌های خود خواهد داد. بر این اساس، بازرسان آژانس حق دارند در بازدیدهای سرزده، ۲ ساعت پیش از زمان بازدید، به کشور مقصد اطلاع دهند و بر اساس مفاد پروتکل، آن کشور نیز متعهد می‌شود مقدمات اداری سفر بازرسان - از جمله صدور روادید و تمدید آن - و دسترسی به محل مورد نظر را فراهم کند. بازرسان آژانس می‌توانند علاوه بر نمونه برداری از مناطق مورد بازرسی، تجهیزات مانیتورینگ (نظارت) را به صورت آنلاین برای کشف فعالیت‌های احتمالی خارج از چارچوب نصب کند.

نکته قابل توجه این است که داشتن این امکان مستلزم این است که بازرسان ویزای ورود مکرر به آن کشور را داشته باشند یا اصولاً ویزایی از آن‌ها در خواست نشود.

این موارد تنها بخشی کوچک از مواد پروتکل الحاقی است. اگرچه در توافق‌نامه، پذیرش پروتکل الحاقی به عنوان یکی از عناصر نهایی راه حل جامع مطرح شده است اما موارد مهمی از این پروتکل و حتی فراتر از آن در گام اول توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده که چنین است:

۱- ارائه اطلاعات در خصوص طرح‌های تأسیسات هسته‌ای، توصیف ساختمان‌ها در هر یک از سایت‌های هسته‌ای، توصیفی از سطح عملیاتی که در هر یک از اماکن که به فعالیت‌های هسته‌ای مشخصی اشتغال دارند، اطلاعات در خصوص معادن و تخلیص و اطلاعات در خصوص منابع اولیه

۲- ارائه پرسشنامه جدید فنی راکتور اراک به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۳- دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فردو و نطنز

۴- دسترسی هدایت شده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به

- کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ

- کارگاه‌های تولید روتور سانتریفیوژها و محل نگهداری

- و معادن اورانیوم و تخلیص اورانیوم

نکته مهم این است که پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران، نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد؛ اما تیم هسته‌ای بخش‌های قابل توجهی از پروتکل را بدون تأیید مجلس در توافق‌نامه ژنو پذیرفته است.

■ بررسی تبعات امنیتی توافق‌نامه ژنو

۱- ترور دانشمندان هسته‌ای: سابقه تاریخی رفتار آژانس مخصوصاً پس

از امضای پروتکل الحاقی در سال ۱۳۸۲ توسط دکتر روحانی (دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی) نشان می‌دهد برخی اطلاعات محرمانه که در گزارش‌های آژانس و قطع‌نامه‌های شورای امنیت منتشر شده بود منجر به ترور تعدادی از دانشمندان هسته‌ای ایران توسط سرویس‌های جاسوسی وابسته به رژیم صهیونیستی گردید.

پر واضح است از آنجا که دشمنی استکبار با ایران نه تنها کم رنگ تر نشده بلکه روز به روز جدی تر نیز می‌گردد این اتفاق یعنی دستیابی آژانس به اطلاعات دانشمندان هسته‌ای چه از مسیر بازرسی‌ها و چه از مسیر دوربین‌ها و چه از مسیر پروتکل الحاقی، می‌تواند تبعات جبران ناپذیری از جمله ترور هدفمند دانشمندان هسته‌ای این مرز و بوم را در پی داشته باشد.

۲- جاسوسی علمی: کاخ سفید در بیانیه معروف به «fact sheet» که مورد توافق کشورهای ۵+۱ بوده آورده است: «این توافق نامه دسترسی به اطلاعات طراحی راکتور اراک را که از مدت‌ها پیش خواستار آن بودیم فراهم می‌کند. این اقدام، اطلاعات بسیار مهم را درباره این راکتور که پیش از این در دسترس قرار نداشته، ارائه می‌کند».

دسترسی آژانس به این اطلاعات علاوه بر اینکه منجر به لو رفتن دانش فنی هسته‌ای ایران می‌گردد، می‌تواند زمینه خرابکاری‌های فنی و سایبری غیر قابل جبران را در این تأسیسات برای دشمن فراهم کند. در تأیید این مطلب، کالین کال (معاون وزیر دفاع آمریکا در امور خاورمیانه) قبل از توافق‌نامه ژنو طی سخنرانی در یکی از جلسات کمیته دفاع کنگره از جزئیات توافقی که قرار بود در ژنو به دست آید پرده برداشت. وی معتقد است که: «توافق دیپلماتیک باید بتواند پاسخ مناسبی بر «گریز هسته‌ای»^۱

۱ - گریز هسته‌ای یا نقطه فرار هسته‌ای، به مرحله دستیابی به امکان عملی ساخت بمب و کلاهک هسته‌ای گفته می‌شود.

(Break out) و دستیابی ایران به مواد شکاف‌پذیر کافی برای تولید بمب هسته‌ای داشته باشد. ایالات متحده در محاسبه هرگونه توافق باید نشان دهد که اراده و توان انجام هر گزینه‌ای از جمله گزینه نظامی را در صورت لزوم دارد تا بتواند در صورتی که برک اوت شناسایی شد. قادر به ایجاد ممانعت در رسیدن ایران به سلاح هسته‌ای باشد»^۱.

مورد دیگر، در توافق‌نامه ژنو بازرسی از کارگاه‌های تولید سانتریفیوژ آمده است که هیچ کشوری در دنیا تاکنون اجازه بازدید از خط تولید سانتریفیوژ را نداده است؛ و این معنایی غیر از همکاری ایران بیش از مفاد پروتکل نمی‌تواند داشته باشد.

۳- دسترسی نظام سلطه به اطلاعات ذی‌قیمتی از مراکز حیاتی، حساس و مهم؛ طبق مفاد پروتکل الحاقی که بعضی از آن‌ها در توافق‌نامه آمده است، آژانس می‌تواند هر مکانی را که احتمال می‌دهد ارتباطی با برنامه هسته‌ای دارد- ملاک تشخیص این احتمال، آژانس است- مورد بازرسی قرار دهد. دستیابی به اطلاعاتی از جمله مکان‌های نظامی که می‌تواند جزو مراکز حیاتی و یا حساس باشد اطلاعات ذی‌قیمتی برای دشمن محسوب می‌گردد. به تعبیری این اطلاعات می‌تواند در هنگام یک جنگ نظامی به عنوان یک برگ برنده در دست دشمن باشد. در مواقع لزوم نیز می‌تواند از این اطلاعات به منظور تهدید معتبر نظامی استفاده کند.

طبق توافق‌نامه ژنو، ایران باید نقشه‌ای به آمریکا و آژانس بدهد و بگوید که تک‌تک ساختمان‌ها برای چه کاری است. این به معنی افشای تمامی پیمانکاران قطعه ساز است. اگر قرار بود این اطلاعات از طریق دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و غرب یا بازرسان آژانس به دست آید مستلزم صرف میلیاردها دلار هزینه و زمانی طولانی بود که تازه به آنچه هم می‌خواستند

نمی‌رسیدند. بنابراین علاوه بر حملات سایبری خرابکارانه و بمب گذاری کاملاً هدفمند و دقیق، اگر آمریکا یا اسرائیل بخواهد روزی با حملات موشکی، تأسیسات ما را مورد حمله قرار دهد کامل و دقیق می‌داند باید کجا را هدف گرفت.

۴- خرابکاری‌های غیر مستقیم: دسترسی به اطلاعات تأسیسات مرتبط با انرژی هسته‌ای مانند کارگاه‌های ساخت سانتریفیوژ و یا کارگاه‌های ساخت روتور سانتریفیوژ که حساسیت آن در افکار عمومی کمتر از تأسیسات هسته‌ای است و از طرفی نقص در تولید یک قطعه ممکن است به راحتی قابلیت ردیابی را نداشته باشد؛ بنابراین عملیات خرابکاری در این کارگاه‌ها تبعات کمتری را برای دشمن از منظر افکار عمومی در پی دارد.

۵- تلاش غرب به غنی سازی در نطنز به جای فردو: در بیانیه کاخ سفید (fact sheet) و همچنین در پاورقی متن توافق‌نامه -که توسط وزارت خارجه نیز ترجمه شده- آمده است ایران متعهد شده تقریباً نیمی از سانتریفیوژهای نصب شده در نطنز و سه چهارم سانتریفیوژها نصب شده در فردو را به کار نیندازد؛ طوری که نتوان از آن‌ها برای غنی سازی اورانیوم استفاده کرد. سؤال اینجاست که چرا فردو که تأسیسات جدیدتری نسبت به نطنز است باید حداکثر ۲۵ درصد ظرفیت خود نطنز نیز حداکثر ۵۰ درصد ظرفیت خود را فعال کند، به تعبیری فردو تقریباً به حالت تعطیل درآمده و غنی سازی- مختصر- در تأسیسات نطنز انجام گیرد. یک پاسخ که می‌توان به این سؤال داد توجه به ضریب امنیتی تأسیسات فردو و نطنز است. ساختمان‌های نطنز به دلیل قدیمی تر بودن و ویژگی‌های محیطی، نسبت به فردو از ضریب امنیتی پایین تری برخوردار است. بنابراین از آنجا که عملیات خرابکاری در تأسیسات فردو سخت‌تر عملی می‌گردد انتظار بر این است که اگر هم قرار بود تأسیساتی به حالت نیمه تعطیل درآید باید نطنز نسبت به فردو در اولویت غرب قرار بگیرد.

■ جمع بندی و نتیجه گیری

گام اول ایران برگشت ناپذیر و غیرقابل جبران

ویژگی مشترک امتیازهایی که تیم هسته‌ای در توافق نامه ژنو به غرب داده است غیرقابل برگشت بودن و غیر قابل جبران بودن تبعات این امتیازهاست؛ به این معنی که اطلاعات هسته‌ای و نظامی که غرب طبق این توافق به آن دست می‌یابد از منظر نظامی و امنیت ملی برای کشوری که دشمنانی قسم خورده دارد تهدیدی مهم محسوب می‌گردد.

طبیعی است از این پس آمریکا با استفاده از این اطلاعات به دنبال تهدید ایران باشد؛ و یا حداقل به عنوان ابزار کنترلی از آن استفاده نماید. همچنین بر اساس این اطلاعات، خرابکاری‌های فنی، سایبری - مانند ویروس استاکس‌نت- و خرابکاری‌های نظامی موثر، بیش از پیش محتمل است. چرا که مهم‌ترین مرحله در یک اقدام خرابکارانه شناسایی خوب و دقیق از محل عملیات است. ترور دانشمندان هسته‌ای که مهم‌ترین سرمایه هسته‌ای نظام و انقلاب می‌باشند ملاحظه بسیار مهمی است که نباید از آن غافل شد. به راستی آیا خلأ شهرباری‌ها و احمدی روشن‌ها به این راحتی پر می‌گردد.

دسترسی به کارگاه‌های ساخت تجهیزات هسته‌ای زمینه را برای جاسوسی‌های بیشتر و خرابکاری‌های غیر مستقیم آماده می‌کند. حال سؤال اصلی این است که آیا تیم مذاکره کننده هسته‌ای می‌تواند اطمینان داشته باشند این اطلاعات گران قیمت از آژانس خارج نمی‌شود؟ اگر مذاکرات با شکست مواجه شد آیا ممکن نیست از این اطلاعات در راستای مقاصد دیگری استفاده شود؟ آیا دشمنی نظام سلطه و در رأس آن‌ها آمریکا و اسرائیل با ایران هسته‌ای تمام شده است؟ آیا اگر روزی تیم مذاکره کننده متوجه شود این مذاکرات سرانجام خوشی ندارد راهی برای جبران اطلاعات از دست رفته هست؟

به طور خلاصه در گام اول این توافق نامه، آمریکا و اسرائیل بدون صرفه هزینه های جاسوسی به سادگی اطلاعات راهبردی ذی قیمتی را از تأسیسات هسته ای و مراکز نظامی ایران بدست می آورند؛ اطلاعاتی که در این مقطع تاریخی بسیار ارزشمند است، شاید بتوان گفت که استثنایی ترین (خود) جاسوسی تاریخ انقلاب رقم خواهد خورد؛ و غرب و نظام سلطه اگرچه آن را ارزان و راحت به دست آورده اند اما یقیناً به خوبی قدر آن را خواهند دانست و حداکثر استفاده را از آن خواهند برد.

فصل ۵ تأثیر مذاکرات هسته‌ای بر مسائل سیاسی- اجتماعی داخلی

■ مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و پایان یافتن نفوذ آمریکا در ایران، یکی از ابزارهای مواجهه این کشور با جمهوری اسلامی ایران را تحریم‌های اقتصادی شکل می‌دهد. آمریکا و متحدانش در طول سی و پنج سال گذشته، به بهانه‌های مختلفی از جمله تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت و سوریه، اتهام ایران به دخالت در امور داخلی سایر کشورها، حقوق بشر و اخیراً مسئله هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی با سطوح متفاوتی را علیه ایران تصویب و به اجرا گذاشته‌اند.^۱

۱ - برای اطلاع از سیاست‌های تحریم آمریکا علیه ایران کتب متعددی نگاشته شده است. برای مثال نک به: علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست. ترجمه محمد متقی نژاد، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، چاپ دوم

تحریم‌های چند ساله اخیر غرب علیه جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را شامل می‌شود که تخطی از آن برای کشورها و شرکت‌های بین‌المللی عواقب و تنبیهات مالی و حقوقی قابل توجهی را به ارمغان می‌آورد. اکثر تحریم‌های اخیر - علی‌رغم اینکه در مواردی به بحث حقوق بشر، حمایت از تروریسم و پیشرفت‌های موشکی ایران نیز اشاره دارد^۱ - بر موضوع هسته‌ای ایران متمرکز اند و هدف اعلامی تحریم‌ها را جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای عنوان نموده‌اند و در تمامی مذاکرات ایران با گروه ۵+۱، ماشین تبلیغاتی غرب و بعضاً همراهان داخلی آن‌ها در ایران تلاش می‌کردند تا کوچک‌ترین تحولات اقتصادی ایران (خصوصاً موضوع ارز و طلا) را به مذاکرات گره زده و جامعه و نخبگان ایرانی را نسبت به تأثیر مثبت یا منفی توافق یا عدم توافق با غرب شرطی نمایند.

اما در مقابل، در طول این سال‌ها ایران بیشترین بی توجهی را به تحریم‌ها نموده و از گره زدن آن‌ها به پرونده هسته‌ای خودداری می‌کرد. این راهبرد ایران، با هدف بی تأثیر جلوه دادن تحریم‌ها و به رسمیت نشناختن این اقدام به ظاهر دیپلماتیک نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت و

۱ - برای نمونه نک به:

«اطلاعاتی درباره تحریم های ایران» که به تحریم های آمریکا علیه ایران و عدم تمرکز آنها بر موضوع هسته‌ای می‌پردازد:

<http://www.irannuc.ir/fa/content/1610>

«جزئیات تحریم اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۹۱ (۱۵ اکتبر ۲۰۱۲) علیه ایران» و انتشار آن در ژورنال اتحادیه و تأکید بر تحریم‌ها به دلیل حمایت مالی ایران از تروریسم، ص ۷۱:

<http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:L:2012:356:-FULL:EN:PDF>

تحریم تعداد ۶۱ از مسئولان ایران به علت نقض حقوق بشر در حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ توسط اتحادیه اروپا؛ سند تصمیمات شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا درباره تحریم خرید نفت و بانک مرکزی ایران، ص ۲: <http://www.iranwatch.org/sites/default/files/eu-council-factsheet-euan-diran-012412.pdf>

هر از چند گاهی عکس‌العمل فعال^۱ (تلاش برای افزایش یا مؤثرتر نمودن تحریم‌ها) یا انفعالی^۲ (اظهار ناامیدی از تأثیر تحریم‌ها) نخبگان آمریکایی و اروپایی را بر می‌انگیخت.

با سرکار آمدن دولت یازدهم، سنت تغییر در سیستم اجرایی کشور همچون دوره‌های پیشین انتخابات ریاست جمهوری به اجرا در آمد که در آن اقبال مردم به جریانی که بیشترین تفاوت را با دولت ۸ سال گذشته دارد^۳ بیش از سایر جریان‌ها بود به طوری که غربی‌ها و خصوصاً آمریکا سرکار آمدن این دولت را نتیجه تأثیر تحریم‌ها دانستند.

دولت یازدهم با هدف پایان دادن دیپلماتیک و سریع پرونده هسته‌ای، وارد میدان دیپلماسی و مذاکره شد به طوری که بسیاری از حساسیت‌های تیم قبلی (مبنی بر محل مذاکره، نحوه تعامل با کشورهای غربی خصوصاً آمریکا و ...) را تغییر داد. اما به نظر یکی از مهم‌ترین تغییرات در سیاست

۱ - برای مثال نک به:

وزارت خزانه داری آمریکا: ابتکارات جدید ایران کارایی تحریم‌ها را به خطر انداخته است.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1193>)

تحلیل لوموند از آراء دادگاه اروپا: نظام تحریم‌ها در حال آب رفتن است.
(<http://www.irannuc.ir/fa/content/1772>)

۲ - برای مثال نک به:

«تحریم‌ها هم در ایجاد ناآرامی اجتماعی در ایران شکست خورده اند و هم در متوقف کردن برنامه هسته‌ای»
(<http://www.irannuc.ir/fa/content/1686>)

چاک هگل: تحریم‌های یک جانبه علیه ایران صرفاً باعث انزوای آمریکا می‌شود.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1184>)

۳ - «در انتخابات ریاست جمهوری همیشه گفت‌مان پیروز، رقیب گفت‌مان حاکم است» (امینی، پیروز، ۱۳۹۲/۵/۱۶).

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2111215>)

این مسئله در آمریکا هم تجربه میشود و هر ۸ سال جریانهای دموکرات و جمهوری خواه با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، قدرت اجرایی را در دست میگیرند. البته در ایران به علت آنکه جریان‌های سیاسی همچون آمریکا محدود به دو گروه نیستند پیشبینی جریان پیروز به روزهای پایانی تبلیغات انتخاباتی موکول می‌شود به طوریکه برای اکثریت نخبگان و سیاستمداران پیش بینی پذیر نیست و بعضاً آنها را در تشخیص کاندیدای پیروز به اشتباه می‌اندازد.

مذاکره کنندگان ایرانی، گره زدن مذاکرات هسته‌ای به تحریم‌های اقتصادی بود- گرچه چنین رویکردی از اواخر دولت دهم شروع شده بود - به طوری که خواسته چندین و چند ساله غرب و تمام سیستم تبلیغاتی آن، به یکباره از سوی ایران به رسمیت شناخته شد.

اما این مسئله خالی از اشکال نیست و تبعات بسیاری را بر مذاکره هسته‌ای خواهد گذاشت. گفته می‌شود معمولاً سیاستمداران و مدیران (چه دولت تحریم شونده و چه دولت یا گروه تحریم کننده) علاقه دارند تحریم‌ها را خیلی بزرگ‌تر از آنچه هستند نشان دهند.^۱ در واقع زمانی که دولت به تأثیرگذاری تحریم‌ها و ارتباط آن با پرونده هسته‌ای اعتراف نمود زمینه برای توجیه تمام سوء مدیریت‌ها در موضوع اقتصاد ملی و همچنین موضوع دیپلماسی خارجی فراهم می‌شود در واقع تمام مشکلات اقتصادی به دوش تحریم‌ها می‌افتد (که بخش کوچکی از آن در بخش بررسی تأثیرات اقتصادی تحریم‌ها اشاره شد).

این در حالی است که در دیپلماسی مذاکره، برای اینکه موضوعی از دسترس مذاکره خارج شود باید به موضوعات نمادین یا برتر جامعه تبدیل شود^۲ تا پرداخت هزینه برای آن توجیه پذیر باشد و در آن موضوع به راحتی امتیازی داده نشود. اما گره زدن موضوع هسته‌ای به تحریم‌های اقتصادی و مشکلات اقتصادی جامعه ایران از سوی دولت و تیم مذاکره کننده، به معنای اعلام آمادگی دولت برای معامله موضوع هسته‌ای در قبال تحریم‌ها بود. در حالی که طراح و سیاست‌گذار در دیپلماسی مذاکره بایستی از نظر اخلاقی، شرعی و ملی و قانونی، موضوعاتی را که ذاتاً یا بالعرض نمادین

۱ - لاپزو، جرج و دیوید کارت رایت، عصر تحریم جایگزینی برای مداخله نظامی. ترجمه علی اکبر رضایی. در مجموعه مقالات نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۳۷

۲ - پین لی، شین، کارآمدی ارتباطات تحریم. ترجمه نبی سنبل و محمدجواد رضایی، در مجموعه مقالات نظریه های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، صص ۱۰۶-۱۰۷

و برتر هستند چنان مطرح نماید که بر مردم، نظام و کشور هزینه‌های به ناحق تحمیل نگردد. در این رابطه بر هیچ کس پوشیده نیست که موضوع هسته‌ای یک موضوع غرور ملی برای ایرانیان است^۱ و اگر در حکم موضوعات برتر نباشد حتماً موضوعی نمادین است.

علاوه بر آن، با گرده زدن تحریم‌ها به مذاکرات هسته‌ای، توجه از فرصت‌های داخلی و خارجی به فرصت‌های خارجی منحصر می‌گردد که در این صورت بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و استعداد‌های داخلی پیش روی دولت نادیده گرفته می‌شود.

اما اگر تحریم را استفاده از حوزه قدرت اقتصادی برای تأمین اهداف و مقاصدی دیگر (همچون مقابله غرب با موضوع هسته‌ای ایران یا ایدئولوژی انقلاب اسلامی) که تحریم کنندگان در آن حوزه در موضع ضعف‌اند^۲، تعریف نماییم مشخص می‌شود که تحریم‌ها ناشی از ضعف غرب و نوعی پدافند در برابر جمهوری اسلامی بوده و نشان دهنده صحت حرکت قبلی (مواجهه جدی و سازش ناپذیر با غرب و ادامه رشد هسته‌ای) است که این چنین آن‌ها را به عکس‌العمل واداشته است؛ لذا گره زدن تحریم‌های اقتصادی و مذاکرات هسته‌ای، نوعی اظهار تخطی از حرکت قبلی برداشت می‌شود و امید غرب به تیم هسته‌ای کنونی را برای اعمال سلطه، افزایش می‌دهد.

گرچه انجام مذاکرات با غرب در موضوع هسته‌ای، چه برای رفع نگرانی‌های غرب از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و چه برای استیفای حقوق ملت ایران با قوت تیم کنونی هسته‌ای امری ضروری بوده و هست اما نباید

۱ - دکتر روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران: «موضوع هسته‌ای ایران نه تنها حق ملت ایران و در جهت توسعه آن است، بلکه در سطحی بالاتر از آن موضوع غرور ملی ایرانیان است.»
(<http://www.president.ir/fa/72031>)

این مسئله طوری مورد بهره برداری قرار گیرد^۱ که ایران به رفع تحریم‌ها دست یابد و غرب به اهداف خود در قبال برنامه هسته‌ای ایران که همان عدم استقلال در حوزه فناوری هسته‌ای است.

از آنجا که ایران، مذاکرات هسته‌ای را به موضوع تحریم‌ها گرده زده در بررسی تأثیرات مذاکرات هسته‌ای بر مسائل سیاسی-اجتماعی ایران، ناگزیر به بیان مطالبی درباره تحریم‌های اقتصادی در تمام این متن هستیم. آخرین نکته در بحث آنکه دو رویکرد در بررسی تحریم‌ها وجود دارد: ۱- بررسی اهداف تحریم ۲- بررسی تأثیر تحریم. به نظر می‌رسد هدف غرب از تحریم جمهوری اسلامی ایران هر آنچه که می‌خواهد باشد، تأثیرات آن بر جامعه ایران بسیار مهم‌تر است. گرچه به اعتقاد من، هدف غربی‌ها نیز علاوه بر بهره‌برداری کوتاه مدت از تحریم‌ها مبنی بر تغییر رفتار جمهوری اسلامی در موضوع هسته‌ای، تأثیرات عمیق عقیدتی و نگرشی بر جامعه ایران و نخبگان و مردم برخی کشورهای دیگر است.^۲

در ادامه به آثار و تبعات تحریم‌ها بر جامعه و سیاست جمهوری اسلامی ایران که در دو بخش نگرش‌ها و رفتارها آمده اشاره خواهد شد.

۱ - این نوع بهره برداری، مذاکرات هسته‌ای را به نوعی معامله شبیه می‌کند که ایران با اعطای انرژی هسته‌ای خود، پولهای بلوکه شده خود را به دست خواهد آورد. گرچه قبلاً عنوان شد که معامله بر سر موضوعات نمادین و برتر گناهی نابخشودنی است اما به روشنی پیداست که حتی معامله کنونی، معامله‌ای نامتوازن و ناعادلانه است زیرا ایران با اعطای حقوق هسته‌ای خود، قصد دستیابی به حقوق مالی خود را دارد. در این معامله، غرب چیزی از خود هزینه نمی‌کند که طرف دیگر معامله باشد لذا انتظار می‌رود غرب در ازای صرف نظر ایران از برخی حقوق خود (ولو به طور موقت)، باید برخی امتیازهای عینی‌تر و دستیافتنی‌تر به ایران اعطا نماید.

۲ - لازمه این نوع نگاه به تحریم‌ها این است که در درک مفهوم تحریم از معنی متداول آن عدول کنیم. معنای رایج از تحریم‌ها آن را ابزاری برای اعمال زور و به منظور تغییر سیاست‌های دولت هدف می‌داند اما افرادی همچون بالدوین معتقدند که تحریم‌های اقتصادی ممکن است اهداف و مخاطبین چندگانه را هدف بگیرند که کشور هدف یا سیاست خاص کشور هدف، فقط بخشی از مقصد اصلی تحریم کننده است. نک به: ابوت، کنت، اجبار و پیام رسانی: چارچوبی برای ارزیابی تحریم‌های اقتصادی. ترجمه نبی سنبلی، در مجموعه مقالات نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶ ص ۱۴۳

■ آثار تحریم‌ها و گره زدن آن به مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ جامعه ایران

الف: تغییر نگرش جامعه ایران نسبت به ایده‌های اساسی انقلاب اسلامی

یکی از سؤالات مطرح در مطالعات امنیتی این است که آیا منظور از قدرت، فقط قدرت نظامی است؟ گرچه رئالیست‌های کلاسیک و نوین به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهند اما بسیاری از اندیشمندان معتقدند که بایستی در توجه به موضوع قدرت ملی و بین‌المللی، به بهره‌گیری از نفوذ دیپلماتیک و اقتدار نیز توجه کرد. ضمن آنکه گروه دیگری توجه به نیروی اقتصادی و ایدئولوژیک را هم در معادله قدرت دخیل می‌دانند.^۱

توجه به نیروی اقتصادی و همچنین ایدئولوژی در معادلات قدرت بین کشورها، می‌تواند مفاهیمی راهگشا برای تحلیل تحریم‌های آمریکا و انتظارات نظام لیبرال سرمایه‌داری برای مواجهه با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران باشد. در واقع غرب با استفاده از تحریم‌ها (جنگ اقتصادی) و سبک زندگی غربی (جنگ فرهنگی) در صدد فائق آمدن بر ایده انقلاب اسلامی است لذا انتظار می‌رود که آثار تحریم‌ها بر مقبولیت و کارآمدی ایده‌های اساسی انقلاب اسلامی متمرکز شود و گرایش به ایده‌هایی چون استقلال (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی)، آزادی (در سایه فرهنگ اسلامی- ایرانی)، استکبارستیزی، اسلام سیاسی و ... را در جامعه ایران به حداقل ممکن رسانده تا امکان ضربه‌های بیشتری به جمهوری اسلامی فراهم گردد. در این فصل بیش از همه بر ایده استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی تمرکز شده است.

استقلال‌طلبی که در شعارهای انقلابی مردم، نمودی عینی داشته^۲ و در

۱ - دان، تیم و برایان سی. اشمیت، رئالیسم. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، در مجموعه مقالات جهانی شدن سیاست، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱ ص ۳۴۲

۲ - برای مثال اصلی‌ترین شعار انقلاب اسلامی در اوج بلوغ و مبارزه مردمی، این شعار است: استقلال،

شعارهای دیگری چون نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی و ... نیز مورد تصریح رهبران انقلاب^۱ قرار گرفته، یکی از اجزای گفتمان انقلاب محسوب می‌شود. در نتیجه هر عمل، گفتار و اندیشه‌ای که در صدد تضعیف این ایده یعنی استقلال از شرق و غرب برآید در واقع در راستای تضعیف قدرت جمهوری اسلامی است؛ خواه با شبهه و تهمت وابستگی جمهوری اسلامی به شرق (روسیه و چین) باشد و خواه اغراق در کارآمدی غرب (به علت شیفتگی و غرب‌زدگی غرب‌گرایان در ایران یا دستگاه تبلیغاتی غرب).

شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها در برآوردی مهم قصد دارند با مدیریت افکار عمومی ایران در چند ماه آینده، ذهن جامعه ایران را از لزوم دستیابی به استقلال در انرژی هسته‌ای منصرف نموده تا زمینه لازم برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و در تنگنا قرار دادن آن فراهم گردد.^۲ در واقع این برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها (که مورد غفلت مسئولان دولتی و رسانه‌ای کشور نیز قرار دارد) ناظر به تغییر نگرش جامعه نسبت به استقلال‌طلبی ایرانیان به عنوان یکی از ایده‌های اساسی انقلاب اسلامی است که در صورت موفقیت، درباره سایر اجزای گفتمان انقلاب قابل پیگیری و اجراست.

گرچه ناگفته پیداست عوامل سازماندهی شده آمریکا در داخل خاک ایران نیز در قالب جریان فتنه و جریان‌های وابسته به فتنه، در راستای این تغییر

آزادی، جمهوری اسلامی

۱ - برای مثال نک به کلیدواژه استقلال و کلمات ترکیب شده با آن همچون استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال علمی، استقلال فرهنگی، استقلال طلبی، استقلال کشورهای اسلامی، استقلال مسلمان، استقلال و آزادی، استقلال و خودکفایی، استقلال ایران و ... در: خمینی «رحمة‌الله‌علیه»، امام روح الله، صحیفه امام جلد ۲۲ (نمایه‌ها). تهران: موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی «رحمة‌الله‌علیه»، ۱۳۸۵، صص ۱۸۹-۱۹۰

۲ - پنهانی ترین اختلاف اوپاما و نتانیاهو درباره مذاکرات هسته‌ای با ایران چیست؟ (<http://www.irannuc.ir/fa/content/1974>)

نگرش تلاشی مضاعف در دستور کار خود قرار داده‌اند.^۱ در ادامه به طور خلاصه به تغییر نگرش در جنبه‌های مختلف استقلال-البته به اجمال- اشاره خواهد شد.

■ نفی استقلال اقتصادی (وابستگی اقتصادی به غرب)

جنبش استقلال طلبی اقتصادی در تاریخ معاصر ایران همزاد با استقلال طلبی سیاسی بوده و حوادثی همچون تحریم تنباکو، ملی شدن صنعت نفت و ... را در کارنامه خود دارد. اما پیروزی انقلاب اسلامی و سرکار آمدن دولتی دینی اقتضاء می‌کرد بر اساس قاعده نفی سیل^۲ و دیدگاه‌هایی عمیق در ایدئولوژی اسلامی، استقلال اقتصادی از دشمنان اسلام و دارالکفر در کلیت مبادلات مالی و تجاری جامعه اسلامی محقق گردد.

گرچه راهبرد استقلال اقتصادی به طور ناصحیحی^۳ به عنوان یک سیاست رسانه‌ای در کشور تبدیل شده بود اما تحریم‌های اخیر نشان داد همچنان کشور در موضوع وابستگی به خارج، آسیب‌پذیر است. گرچه هیچ عقل سلیمی، استقلال و خودکفایی کشور در تمامی حوزه‌های اقتصادی را نه ممکن می‌داند

۱ - تدارک جریان فتنه برای کمک به آمریکا به منظور برچیدن کامل غنی سازی از ایران: <http://www.irannuc.ir/fa/content/1977>

۲ - «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» (قرآن کریم، سوره مبارکه النساء، بخشی از آیه شریفه ۱۴۱)

۳ - البته توجه دادن افکار عمومی به پیشرفت های کشور یکی از وظایف رسانه هاست اما این مهم باید به طور صحیح و بر اساس اصول حرفه ای انجام پذیرد. شاید مفهوم خبرنگاری توسعه، اصول و تاکتیکهای بازنمایی رسانه ای پیشرفت های کشور را بیش از سایر مفاهیم رسانه ای نشان دهد. برای مطالعه درباره خبرنگاری توسعه و جایگاه آن در اخبار اقتصادی کشور نک به:

عصام، معصومه، خبر و توسعه، پژوهش و سنجش، ش ۱۲، (تابستان، پاییز ۱۳۷۶): ص ۲۴ - ۳۱.
باباخانی‌خامنه، فاطمه، بررسی ساختار اخبار اقتصادی در مراکز خبری ایران: تحلیل محتوای اخبار اقتصادی تلکس واحد مرکزی خبری و خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد: علوم ارتباطات، گرایش تحقیق، دانشگاه آزاد اسلامی (تهران مرکزی). دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، ۱۳۸۱

و نه مطلوب، اما اشتباه در تبلیغات رسانه‌ای — عمدتاً رسمی — کشور، حکایت از نادیده گرفتن واقعیات و اعلام آن به دولت و مردم برای کاهش آسیب‌پذیری‌ها دارد.

اکنون با اعمال تحریم‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی و تأثیرپذیری دولت‌های دهم و یازدهم از این موضوع، مشخص شده است که یکی از دلایل این تأثیرپذیری، وابستگی یک طرفه ایران به فروش نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن بود. درحالی‌که تصور کارشناسان مسائل استراتژیک و اقتصادی این بود که وابستگی بین ایران و غرب، دوطرفه بوده و غرب نیز برای تأمین انرژی خود — آن هم در بحران مالی اروپا و آمریکا — به نفت ما وابسته است. دلایلی همچون مرقوم به صرفه نبودن استخراج نفت از منابع نفتی آمریکا و عدم توان کشورهای چون عربستان در تأمین نیاز بازار جهانی نفت در صورت عدم حضور نفت ایران در بازار از دلایل مربوط به این ادعا و اندیشه بود. ضمن آنکه بلوکه شدن دارایی‌های حاصل از فروش نفت در خارج از کشور مسئله‌ای بود که مورد توجه و پیش‌بینی قرار نگرفته بود زیرا القاء می‌شد که ما به سیستم مالی جهانی و غرب وابسته نیستیم به طوری که، علی‌رغم پیش‌بینی تحریم‌های جدی علیه سیستم بانکی ایران، تدبیری از سوی دولت دهم برای ورود ارز یا مابه‌ازای آن به صورت طلا به کشور اندیشیده نشد.

بدیهی است که مفروض تمام طرفداران تحریم اقتصادی، وابستگی اقتصادی است در نتیجه اقدام و تلاش غربی‌ها برای تحریم ایران، نشان از وابستگی اقتصاد ایران به سیستم‌های مالی و تجاری غرب دارد. در واقع آنچه هم که به آن معتقدیم این است که غربی‌ها با وابسته کردن اقتصاد ایران به خود در زمان سازندگی و اصلاحات، سعی نمودند تا پایه‌های استقلال اقتصادی و نیز فرهنگی جامعه ایران را (چه در حوزه مصرف^۱ و چه در حوزه تولید) سست نموده

۱ - واقعیت آن است که حرکت به سمت رفاه و غرق شدن بخشی از جامعه ایران در سبک زندگی غربی یکی از دلایل مهم تأثیر گرفتن از تحریم‌های اخیر بود.

و با چنین تحریم‌هایی امکان فروپاشی ساختارهای اجتماعی قدرت و امنیت در ایران را فراهم نمایند. با این هدف گذاری، حتی اگر مذاکرات دولت یازدهم با ۵+۱ منجر به آشتی با غرب نشود - که نمی‌شود - این پیام را به عموم مردم ایران می‌رساند که بخشی از حاکمیت و همچنین جریان فتنه و بخشی از نخبگان کشور، قائل به وابستگی به غرب هستند و رفع تمام مشکلات را در تعامل با غرب می‌دانند.

این اتفاق به معنای نفی استقلال سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی و ناکارآمدی اسلام در مواجهه با مشکلات حکومت‌داری و رقابت‌های امنیتی با غرب است.

تحریم‌های کنونی در واقع تلاشی است برای برداشتن محصولی که سال‌ها توسط غرب در زمینه اجتماعی ایران گذارده شده است تا هر چه بیشتر جامعه ایران را از اندیشه استقلال اقتصادی دور نماید. غرب با اعمال تحریم‌ها از یک سو و وابسته نمودن جامعه ایران در مصرف گرایی و سبک زندگی به الگوهای غربی از دیگر سو تلاش نموده تا آسیب‌پذیری ساختارهای اجتماعی ایران در برابر جنگ اقتصادی را افزایش دهد. با این اوصاف علاقه غرب به مذاکره با جمهوری اسلامی ایران و تلاش جهت گره زدن تحریم‌ها به مذاکرات هسته‌ای نشان از برنامه‌ای حساب شده برای زیر سؤال بردن ایده استقلال اقتصادی در جامعه ایران دارد.

■ نفی استقلال سیاسی (ناکارآمدی اسلام سیاسی و

پناه به مکاتب غربی)

تأثیر القای وابستگی اقتصادی به غرب در جامعه ایران و اثربخش بودن تحریم‌های اقتصادی، ناامیدی از کارآمدی اسلام سیاسی (اسلام ناب محمدی «صلی‌الله‌علیه‌وآله») را در جامعه خصوصاً قشر جوان و دانشگاهی ایجاد نموده و آن‌ها را به سراب مکاتب غربی اعم از لیبرالیسم و مارکسیسم

و وابستگی سیاسی دوباره جامعه ایران به غرب، سوق می‌دهد.

گرچه اتفاقاً تحریم‌ها فرصتی گران‌بها را پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده تا از طریق آن استقلال سیاسی خود را بیش از گذشته تحکیم نماید اما ظاهراً کماکان از این فرصت‌ها غفلت شده و این فرصت‌ها، در حال تبدیل شدن به نقطه ضعف یا تهدید هستند. چرا که اگر قرار است مشکلات اقتصادی و مدیریتی کشور، به دوش تحریم‌ها انداخته شود، تحریم فرصتی را در اختیار حکومت قرار می‌دهد تا از یک سو جلوی مفاسد مالی و اداری داخلی و سوء مدیریت‌ها که در شرایط عادی، مقابله با آن‌ها حاشیه آفرین و هزینه‌زاترند را بگیرد و از دیگر سو از تحریم‌ها برای جلب حمایت مردمی و تلاش در یک دست کردن حاکمیت استفاده کند. حال آنکه تاکنون وضعیت ما در استفاده از فرصت تحریم‌ها به عکس بوده؛ اولاً دولت دهم و یازدهم به مراتب نسبت به دولت نهم در موضوع مبارزه با فساد مالی و مدیریتی و مقابله با اشرافیت و رفاه‌طلبی، بی توجه بوده‌اند. ثانیاً مخالفان و فتنه گران داخلی (فتنه ۸۸) که زمینه‌سازی سیاسی تحریم‌ها را عهده دار شدند^۱ اکنون در حاشیه امن زندگی می‌کنند و عواقب تحریم بر دوش نیروهای انقلاب و مردم است. ثالثاً گرچه مسئولان دولت یازدهم، مشکلات اقتصادی ناشی را از تحریم می‌دانند اما در دیپلماسی خارجی با غرب از آن به عنوان یک مسئله که بیانگر ظالمانه بودن رفتارهای غربی‌هاست استفاده ننموده و اتفاقاً خود را علاقمند به ارتباط دوستانه با غرب نشان می‌دهند. رابعاً به جای جلب حمایت مردمی و حذف مریدان و همراهان آمریکا و لیبرال دموکراسی

۱ - باید توجه نمود که بخشی از تحریم‌ها با موضوع حقوق بشر و بعد از حوادث سال ۸۸ علیه ایران به تصویب رسیده است. برای مثال نک به:

تحریم تعداد ۶۱ از مسئولان ایران به علت نقض حقوق بشر در حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ توسط اتحادیه اروپا؛ سند تصمیمات شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا درباره تحریم خرید نفت و بانک مرکزی ایران، ص ۳ (<http://www.iranwatch.org/sites/default/files/eu-council-factsheet-euan-diran-012412.pdf>)

غرب در داخل خاک ایران^۱، به درگیری‌های داخلی با سایر نیروهای انقلاب (جناح‌های سیاسی دیگر، دولت‌های قبلی و ...) مشغول‌اند.

■ نفی استقلال فرهنگی (افزایش غرب‌گرایی و ترویج سبک زندگی غربی)

استقلال فرهنگی نیز یکی از ابعاد استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی است که بر نفی برخی از آموزه‌های فرهنگی و فکری غرب تأکید داشته و منبع اصیل تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی را فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌داند.

گرچه عمدتاً تهدیدات فرهنگی و اجتماعی به علت تأثیرگذاری بر دراز مدت کمتر در بررسی امنیت ملی، مورد توجه هستند اما از تأثیر استقلال فرهنگی بر حوزه امنیت اجتماعی^۲ و امنیت ملی می‌توان به اهمیت این مقوله پی برد. با این همه، در موضوع تحریم‌ها به نظر می‌رسد تأثیر اجتماعی و فرهنگی آن به طور سریع‌تری در نگرش افراد جامعه نسبت به استقلال اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، تأثیر گذاشته است. زیرا از یک سو تغییر سبک زندگی، همگان را به مسئله اقتصاد بیش از حد واقعی وابسته نموده و از دیگر سو تحت تأثیر برنامه‌های توسعه دولت کارگزاران و اصلاحات، طبقه خاصی از غرب‌گرایان در کشور شکل گرفته که میانگین تمایل واقعی مردم ایران به غرب و وابستگی به معیشت را به

۱ - تحریم‌ها فرصتی استثنایی برای اخراج لیبرال‌های افراطی و معاند انقلاب و جمهوری اسلامی از دانشگاه‌ها، جایگاه‌های مدیریتی و ... ایجاد نموده است زیرا تحریم‌ها که ظلم آشکار دیگری به تمام ایرانیان و تحمیل یک جنگ اقتصادی است می‌تواند به لکه ننگی برای آمریکا پرستان تبدیل شود و زمینه برخورد با آنها به عنوان سپاهیان دشمن برخورد کرد که از طریق جنگ اقتصادی به ملت ضربه می‌زنند.

۲ - نک به: ویلکینسون، کلر، ارزیابی مکتب کپنهاک با مطالعه حوادث قرقیزستان؛ غیرقابل استفاده بودن تئوری امنیتی دیدن در بیرون از اروپا. ترجمه منیژه نویدنیا، در مجموعه مقالات امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲

طور محسوسی دچار انحراف از معیار نموده‌اند. ثالثاً ارتباط رسانه‌ای دشمنان با عموم مردم ایران بسیار قوی‌تر از گذشته شده است - که البته بخشی از آن ناشی به ضعف ارتباطات رسانه‌ای در داخل خصوصاً در بخش سیاسی و اخبار صداوسیما جمهوری اسلامی بر می‌گردد.

همچنین حتی اگر سرعت این تغییر نگرش و عواملی چون وابستگی بیش از حد مسائل مالی، تغییر سبک زندگی، وابستگی بیش از حد به غرب و ... فقط به نخبگان و قشر یا طبقه خاصی از جامعه ایران مربوط باشد - یعنی نگرش عموم مردم، تغییر محسوسی نداشته باشد - باز هم با توجه به مدل‌های تغییر نگرش اجتماعی و اشاعه - مثل مدل کایت^۱ یا نظریه نفوذ شخصی لازارسفلد^۲ یا مدل اشاعه سلسله مراتبی^۳ - می‌توان پیش‌بینی کرد که این نگرش (وابستگی به غرب در حوزه فرهنگ و سبک زندگی) خیلی سریع‌تر از موارد مشابه در جامعه ایران انتشار خواهد یافت.

در واقع تأثیر فرهنگی تحریم‌ها و به رسمیت شناختن آن از طریق گره زدن تحریم به مذاکرات هسته‌ای، تهدیدی فرهنگی - اجتماعی نیز هست و هنجارهای گفتمانی و فرهنگی جمهوری اسلامی را می‌پوساند. بر این اساس حتی اگر مشکلات اقتصادی این دوران از طریق دیپلماسی و مذاکره حل شود زمینه را برای پذیرش هر چه بیشتر سبک زندگی غربی و عدم توجه به سبک زندگی اسلامی فراهم می‌کند؛ لذا تنها و تنها راه برای تثبیت نگرش جامعه نسبت به ایده‌های انقلاب و نظام، تقویت ساخت

۱ - نک به: مک کاول، دنیس و سون ویندال، مدل‌های ارتباطات جمعی. ترجمه گودرز میرانی، تهران: طرح آینده، ۱۳۸۷، صص ۳۸-۴۰

۲ - نک به: راجرز، اورت میچل، تاریخ تحلیلی علم ارتباطات. ترجمه غلامرضا آذری، تهران: دانژه، ۱۳۸۶، صص ۵۳۰-۵۳۲

۳ - نک به: جردن، تری و لستر راونتری، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳

درونی نظام و رفع سوء مدیریت‌هاست. این امر با صرفه‌جویی در منابع یا کم کردن فعالیت‌های جانبی و غیرضروری و افزایش میزان کار و کارایی در کشور محقق می‌شود.

بنابراین به اعتقاد نگارندان، وابستگی فرهنگی به غرب آسیب‌های بسیاری را به دنبال خواهد داشت.^۱ تجربه تحریم‌های شیلی از سوی آمریکا در زمان ریاست جمهوری آلنده نیز بیانگر آن است که وقتی وابستگی اقتصادی به وابستگی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی گره بخورد، علی‌رغم گشایش در مسائل اقتصادی توسط دولت، امکان فروپاشی حاکمیت فراهم می‌شود.^۲ از دیگر سو شواهد نشان می‌دهد تجربه ناموفق تحریم‌های آمریکا درباره کوبا نیز علی‌رغم شدت فشار اقتصادی به کوبا، از استقلال ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه کوبا به آمریکا نشئت می‌گرفت.^۳

بر اساس مطالب بالا باید اذعان نمود که اگر ایرانیان نگرششان نسبت به استقلال (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، استقلال در دستیابی به انرژی هسته‌ای و ...) خدشه دار شد زنگ خطر تهدیدی که موجود ایده استقلال طلبی انقلاب را زیر سؤال می‌برد به صدا درآمده است.

با پذیرش اهمیت استقلال فرهنگی و اجتماعی از غرب، باید به برخی از تحریم‌های مثبت^۴ آمریکا، استثناء برخی کشورها از تحریم‌های تجاری و مالی ایران، لغو تحریم برخی بانک‌های ایرانی در اتحادیه اروپا و برخی

۱ - گرچه این به معنای نفی اهمیت استقلال اقتصادی نیست. چون همانطور که وابستگی فرهنگی به وابستگی اقتصادی و سیاسی منجر می‌شود، از آنها تأثیر نیز می‌پذیرد.

۲ - مروم، ژیل، دموکراسی، وابستگی و بی ثبات سازی: متزلزل ساختن حکومت آلنده. ترجمه اصغر صارمی شهاب، در مجموعه مقالات نظریه های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶ صص ۵۲-۵۳

۳ - مروم، ژیل، همان، ص ۵۹

۴ - برای آشنایی بیشتر با مفهوم تحریم مثبت نک به : لاپزو، جرج و دیوید کارت رایت، همان، ص ۱۸

امتیازهای —هر چند خفیف و اندک— دیگر که در توافق نامه ژنو آمده، با دیده تردید نگریست. همه این اعمال در حقیقت ایجاد سوپاپ‌های اطمینانی است تا جمهوری اسلامی از اندیشیدن به راه‌های اساسی درون‌زا و حتی راه‌های برون‌زای اساسی غفلت نموده و احیاناً به سیاست مقاومت اجتماعی^۱ جدیدی روی نیاورد.

افزایش ارتباط با آمریکا خصوصاً در مسائلی چون خط پرواز هوایی ایران- آمریکا، مکالمه و احتمالاً مکاتبه روسای جمهوری دو کشور^۲، اصرار بر مذاکره دو جانبه وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه آمریکا، ارسال پیام‌هایی خاص از سوی رئیس دولت جمهوری اسلامی در مصاحبه با رسانه‌های غربی^۳ و ... گرچه می‌تواند در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای تأثیرگذار باشد— که در آن هم جای تأمل است— اما می‌تواند عواقب فرهنگی عمیقی را در نگرش مردم ایران نسبت به انقلاب اسلامی و ایده‌هایی چون استقلال طلبی، استکبارستیزی و ... ایجاد نماید.

مطرح کردن مسائلی چون حقوق شهروندی، حقوق بشر و ... از سوی طرفین

۱ - مقاومت چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی می تواند نظم موجود و امنیت قدرت های حاکم را به خطر اندازد و سبب بروز نامانی گردد. برای مطالعه درباره سیاست مقاومت اجتماعی و تأثیرات آن بر امنیت ملی و بین المللی نک به: افتخاری، اصغر و قدیر نصری، روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۹-۱۲۱

۲ - نک به:

مشاور امنیت ملی آمریکا: تماس با اوپاما به درخواست روحانی بود و ۱۵ دقیقه طول کشید.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1798>)

اوپاما: نامه هایی میان من و روحانی مبادله شده است.

(<http://irannuc.ir/fa/content/1734>)

۳ - برای مثال بیان عباراتی همچون «اوپاما مودب و باهوش است.» از سوی رئیس جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه با فایننشیل تایمز
(<http://www.tabnak.ir/fa/news/361076/>)

در شرایط کنونی و وارد کردن مسائل دیگری فارغ از موضوع هسته‌ای^۱ همچون حقوق بشر، حمایت ایران از سوریه و گروه‌های مقاومت و بیداری اسلامی به مذاکرات هسته‌ای، همگی دلالت بر کشیده شدن مذاکرات هسته‌ای به موضوعات اساسی گفتمان انقلاب و تحت تأثیر قرار دادن آن دارد؛ لذا بازی در پازل طراحی شده غرب، بیش از پیش، نگرش‌ها و افکار عمومی داخل را تحت تأثیر قرار داده و در صورت عملکرد ناصحیح دولت و سایر نهادها، به سمت واگرایی از ایده‌های اساسی انقلاب خواهند کشاند که همه دلسوزان انقلاب، اسلام و ایران - اعم از مردم و مسئولان که شامل مسئولان دولت نیز می‌شود- از آن متضرر خواهند شد.

ب: تغییر در رفتارها و ساختارهای اجتماعی- سیاسی

تأثیر تحریم‌های اقتصادی و مذاکره و تعامل با غرب در این باره، به تغییر در نگرش‌ها منحصر نمی‌گردد و در میان مدت و دراز مدت منجر به شکل‌گیری یا تقویت جریان‌هایی خاص شده و مناسبات اجتماعی ویژه‌ای را در جامعه رقم خواهد زد.

البته در میزان اثربخشی تحریم‌ها، سوابق نشان داده که تحریم‌ها عموماً به تنهایی موفق نبوده‌اند^۲ و در کنار تهاجم نظامی یا اعمالی دیگر- همچون استفاده از نفوذی‌ها و ...- توانسته رفتار یک حکومت مخالف را تغییر داده یا آن را سرنگون نماید؛ لذا اگر هدف آمریکایی‌ها از تأثیر تحریم‌ها تغییر نظام جمهوری اسلامی ولو در دراز مدت باشد - که هست- خود به خوبی می‌دانند که فقط با تحریم‌ها به این امر دست نخواهند یافت. همچنین استفاده از قدرت نظامی درباره ایران، نگرانی‌هایی جدی دارد که احتمال

۱ - ابوما: پس از برنامه هسته‌ای به سراغ حوزه های دیگر خواهیم رفت.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1981>)

۲ - ون فورستینبرگ، جورج، درجه بندی موفقیت تحریم. ترجمه علی اکبر رضایی، در مجموعه مقالات نظریه های تحریم اقتصادی. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶

پیروزی نظامی برای آن‌ها را به حداقل می‌رساند. در نتیجه باید موضوع دیگری همچون نفوذ یا فریب استراتژیک مسئولان جمهوری اسلامی یا هر دو را درباره ایران به کارگیرند که رویکردهای جدید غرب در مذاکرات کنونی و راهبرد تعامل-فشار بهترین راه برای رسیدن به این هدف است.

لذا به نظر می‌رسد هدف اولیه تحریم‌های آمریکا، تغییر ساخت حقوقی نظام نیست، بلکه تغییر ساخت حقیقی نظام در کوتاه و میان مدت، می‌تواند منجر به تغییر نگرش‌ها و زمینه‌ساز تغییر رفتارها در جمهوری اسلامی و تثبیت و نهادینه سازی این تغییر رفتارها از تغییر ساخت حقوقی نظام در میان و درازمدت باشد.

تعمیق نگرش‌های تغییر یافته و زمینه‌سازی برای تغییر رفتارها و نهایتاً ساختارها، علاوه بر استفاده از تحمیل فشار و تحریم اقتصادی، نیاز به همراهی بخش قابل توجه یا مهمی از ساختارهای اجتماعی کشور هدف با تحریم کننده را دارد؛ لذا اگر سرکار آمدن دولت کنونی مایه امیدواری آمریکا برای به راه انداختن جریان تغییر در کشور شود^۳ - که این چنین شده است^۴ - دولت آمریکا و هم‌پیمانانش، به منظور به دست آوردن سایر

۳ - البته این سخن به معنای سرکار آمدن دولت بر اساس خواسته آمریکا و یا حتی آمریکایی بودن دولت نیست بلکه اولاً تشخیص غلط آمریکا از تاثیر تحریمها بر رفتار مردم ایران در انتخابات، ثانیاً تصور اشتباه آمریکاییها از به رای گذاشتن مسئله هسته‌ای در انتخابات (به علت اشتباه برخی جریانهای اصولگرا در انتخابات ۱۳۹۲) و ثالثاً فهم نادرست آمریکا از جریان تغییرخواهی بعد از ۸ سال در ایران و ... است که موجب شکل گیری چنین انگاره ای شده؛ گرچه عملکرد برخی از دولتمردان - خصوصاً در دستگاه دیپلماسی - غربیها را به این مسئله امیدوارتر نموده است.

۴ - نک به:

اوباما: نشانه‌هایی از تمایل روحانی برای مذاکره با آمریکا وجود دارد.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1761>)

واکنش آمریکا به واگذاری مسئولیت مذاکرات هسته‌ای به وزارت خارجه ایران
(<http://irannuc.ir/fa/content/1727>)

۱۳۱ عضو کنگره آمریکا خطاب به اوباما: «فرصت روحانی» را از دست ندهید.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1548>)

سخنگوی کاخ سفید: آمریکا شریک ایران خواهد بود اگر...

ساختارهای اساسی یا از بین بردن برخی ساختارهای مخالف نظام سرمایه داری و استکبار در ایران، برنامه‌ریزی عملیاتی خواهند داشت.

اما همان‌طور که درباره ساختارهای اجتماعی کوبا اشاره شده، جمهوری اسلامی نیز ساختارهای اجتماعی^۱ (اعم از نهادها، گروه‌ها، طبقات و اقشار، آرمان‌ها و اسطوره‌ها و ...) خاص خود را داراست لذا برای تأثیرگذاری تحریم‌ها بر حوزه رفتار و ساختار اجتماعی-سیاسی ایران، بایستی ساختارهای منحصر به فرد جمهوری اسلامی از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش، تضعیف و ساختارهای قابل استفاده برای اهداف آن‌ها توسط غرب‌گرایان داخل ایران، اشغال شده و مطابق با اندیشه آن‌ها بازسازی گردد.

لذا برنامه دشمنان انقلاب اسلامی در ماه‌ها و سال‌های آتی برای تغییر رفتار و ساختار در ایران حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی عبارتند از: ۱- برهم زدن نظم نهادی کنونی در جامعه ایران، ۲- ایجاد خلأ نهادی ناشی از تضعیف نهادهای برآمده از ایده‌های انقلاب و ۳- نهادسازی و ایجاد نظم جدید نهادی در بین ساختارهای جامعه ایران.

در راستای برهم زدن نظم نهادی کنونی، نکته قابل توجه آنکه نقش نهاد ولایت فقیه در ساختار نهادی و اجتماعی کنونی ایران و جایگاه آن در محلی فراتر از ساختار نهادهای دیگر، دلیل خوبی برای توجه بیش از پیش جبهه معارضان انقلاب اسلامی است؛ لذا برنامه‌ریزی به منظور جریان‌سازی و مدیریت افکار عمومی برای شخص رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»، اندیشه‌ها و مکتب امام خمینی «رحمة‌الله‌علیه»^۲، مجلس خبرگان و نهادهای

(<http://irannuc.ir/fa/content/1611>)

۱ - برای مطالعه تأثیرپذیری یک کشور از تحریم‌ها به دلیل ساختارهای اجتماعی آن نک به: مروم، ژیل، همان منبع.

۲ - سراج، رضا، تحریف مکتب امام خمینی «رحمة‌الله‌علیه»؛ حساسیت سنجی برای سناریوی تغییر و استحاله

وابسته به رهبری همچون شورای نگهبان، نیروهای مسلح (خصوصاً سپاه پاسداران)، صداوسیما و ... از اقدامات آینده جریان‌های مخالف داخلی خواهد بود که مطمئناً با اقبال و حمایت مالی، رسانه‌ای، اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و غرب مواجه خواهد شد.

در فضایی که کشور به علت تضعیف ساختارهای اساسی و اصیل خود دچار نوعی سرگستگی می‌شود، بهترین فرصت برای تقویت جریان‌های سیاسی-فرهنگی وابسته به غرب همچون جریان فتنه و ایده‌های ساختارشکنانه طبقه متوسط به بالای سکولار (در موضوعاتی همچون هنر، رسانه، پوشش، روابط زن و مرد، دانشگاه‌ها و ...) فراهم می‌گردد. همچنین ساختارهای جدیدی چون سازمان‌های مردم نهاد و مجموعه‌های رسانه‌ای وابسته به غرب فرصت رشد و سازماندهی لازم در این دوران را خواهند داشت که با توجه به کثرت و تمرکز افراد این قشر در قشر تحصیل کرده شهرهایی خاص، به سرعت سازماندهی می‌شوند.

علی‌رغم تمام تبلیغاتی که غرب مبنی بر عدم وجود آزادی و مردم‌سالاری در ایران انجام می‌نماید سرمایه‌گذاری غرب و آمریکا بر انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، حکایت از ظرفیت باز و آزاد نظام انتخابات در کشور دارد. در واقع آمریکایی‌ها و غربی‌ها به خوبی می‌دانند که تحریم‌ها و حمله نظامی به تنهایی و حتی به همراه یکدیگر نه تنها برای آن‌ها فرصت سقوط جمهوری اسلامی را فراهم نمی‌کند بلکه اتحاد مردم ایران علیه بیگانگان را بیش از گذشته می‌نماید؛ لذا انتخابات بهترین فرصت برای پیدا کردن منفذ یا دریچه‌هایی برای شروع تغییر در جمهوری اسلامی است و دولت‌های لیبرال سرمایه‌دار -برخلاف اعلام رسمی خود مبنی بر عدم وجود آزادی در ایران- به خوبی از آزادی حقیقی در این انتخابات ایران آگاه‌اند.

با این اوصاف در جهت ایجاد نظم نوین نهادی در ایران، انتخابات مجلس

شورای اسلامی بایستی تحت تأثیر حضور چشمگیر غرب‌گرایان سکولار (ولو با ظاهری اسلام‌گرا و انقلابی) قرار گیرد تا مجلس آینده ریل‌ها و مسیر مناسب جهت اجبار دولت در حرکت به سوی غرب و وابستگی به آمریکا را فراهم نماید. قطعاً در دورانی که از یک سو ذائقه‌ها و نگرش‌های مردم نسبت به کارآمدی ایده‌های انقلاب تغییر نموده یا متزلزل شده و از دیگر سو نهادهای اصیل انقلابی در جامعه منفعل و ناکارآمد جلوه داده شده‌اند و نهایتاً زمینه برای رشد ساختارهای غرب‌گرا فراهم شده، نباید انتظاری جز گرایش مردم به اندیشه‌هایی کارآمدتر را داشت که در ظاهر دشمنی و عداوتی با عقاید بنیادین اسلامی و اخلاقی مردم ندارد. نهایتاً در میان مدت یا دراز مدت، تغییرات در بسیاری از ساختارهای اجتماعی اعم از نهادهای طبقات، آرمان‌ها و اسطوره‌ها و ... را منجر می‌گردد. نتیجه آنکه در دو سال آینده، تغییرات در ساخت حقیقی جمهوری اسلامی ادامه می‌یابد که به تغییر رفتارهای جمهوری اسلامی و در سال‌های آتی به شروع تغییرات اساسی در ساخت حقوقی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

■ نکات پایانی

۱- تأثیر تحریم‌ها بر امنیت فردی مردم ایران یکی موضوعاتی است که باید مورد توجه اندیشمندان، اصحاب رسانه و نخبگان مذهبی، فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد.

۲- در نظریه‌های تحریم اقتصادی، بخش قابل توجهی از اندیشمندان، تحریم‌ها را لزوماً روشی صحیح و در تمام دوران‌ها موفق نمی‌دانند^۱. بر همین اساس می‌توان به این نتیجه رسید که تحریم‌ها لزوماً تهدیدی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیستند بلکه چالشی امنیتی محسوب می‌شوند که با صبر، تلاش و

۱ - هافباور، گری و کیمبرلی الیوت، تحریم‌های مالی و سیاست خارجی؛ موفقیت مشروط. ترجمه شهرام پیشکاری، در مجموعه مقالات تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶

بصیرت به نقطه قوت کشور هدف (تحریم شده) تبدیل می‌شوند و با اندک تعلل و اشتباهی می‌توانند به پاشنه آشیل و نقطه ضعف اساسی و تهدید امنیت ملی تبدیل شوند.

۳- تهدیدات اقتصادی وقتی منجر به آسیب‌پذیری حوزه سیاست، اجتماع یا نظامی گردد تهدید امنیت ملی در حوزه اقتصاد است. با این اوصاف تحریم‌ها تهدید امنیت ملی اقتصادی هستند و صحیح بود که یا پرونده مذاکره هسته‌ای به تحریم‌ها گره نخورد یا اگر اصرار بر گره زدن تحریم‌ها به مذاکرات هسته‌ای توسط دولت وجود داشت از افراد امنیتی نیز در کنار دیپلمات‌های مذاکره کننده استفاده می‌شد. زیرا به نظر می‌رسد تیم هسته‌ای کنونی توانایی شناخت و درک موضوعات امنیت ملی را ندارند^۱ و ممکن است منافع امنیت ملی را به پای نظریه‌ها و نگاه‌های دیپلماتیک - که متأسفانه کمتر بر مبنای اصول اسلامی و انقلابی قرار دارد- فدا نمایند.

۴- باید برای افکار عمومی داخلی تبیین شود که آیا تحریم اقتصادی به عنوان پاسخ غرب نسبت به تخلف ایران -از قانونی مشخص یا تعرض به حقوق کشور دیگری- است یا برای پیشگیری از ادعاهای غرب مبنی بر احتمال سوء استفاده ایران از انرژی هسته‌ای در آینده‌ای نامعلوم؟ در واقع تحریم‌ها عملی واکنشی است یا کنشی پیش‌دستانه؟ حقیقت آن است که تحریم‌ها، عملی پیش‌دستانه^۲ از سوی آمریکا و غربی‌هاست که در فرهنگ اسلامی-ایرانی از آن به عنوان

۱ - سخنان ظریف وزیر امور خارجه کشورمان، درباره قدرت دفاعی جمهوری اسلامی (<http://jahannews.com/vdcfb9bf8rhhb50p.uur.html>) می‌تواند یکی از نشانه‌های نکته مورد نظر ما باشد که مطمئناً در نحوه مذاکره ایشان با غربی‌ها تأثیر دارد. سخنانی که اظهارات بسیاری از متخصصین حوزه دفاعی و امنیتی را برانگیخت. برای مثال نک به: (<http://www.tabnak.ir/fa/news/363929/>)

۲ - عمل پیش‌دستانه یکی از مفاهیمی است که به توجیه ماهیت اعمال ظالمانه و ضدبشری قدرت‌های غربی می‌پردازد. برای آشنایی با این مفهوم نک به: افتخاری، اصغر و قدیر نصری، همان، صص ۵۵-۵۹؛ این در حالی است که مفاهیمی همچون جهاد ابتدایی در اسلام کاملاً با دلایل عقلی قابل درک است اما عمل پیش‌دستانه در روابط بین الملل و مطالعات راهبردی و امنیتی غرب، مفهومی صرفاً طلبانه است.

«قصاص قبل از جنایت» یاد می‌نمایند و از نظر عقلی، قانونی و فقهی غیرقابل دفاع و محکوم به شکست است.

۵- اکنون که دولت تدبیر، تحریم‌ها و موضوع هسته‌ای را به یکدیگر و به تبع به بسیاری از مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی کشور گره زده باید حداقل راهکارهایی چندوجهی را دنبال نماید. این راهکارها را به طور کلی می‌توان در سه گروه دسته بندی کرد: ۱- دیپلماسی فعال: کشش پذیری و ارتباط با سایر بازیگران عرصه بین‌الملل و برداشتن تمرکز از آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی ۲- جهاد اقتصادی: انعطاف پذیری و سازمان دهی مجدد اقتصاد و توجه کابینه و مسئولان دولتی به تلاش و کار بیشتر و سالم سازی حوزه کار و اقتصاد ۳- استفاده از مبانی فرهنگ اسلامی و ملی به منظور قوت گرفتن ارزش‌های اصیل و دور شدن از مؤلفه‌های منحط فرهنگ غربی-آمریکایی همچون مصرف گرایی، تجمل و ...^۱

۶- به جای حساس کردن مردم به تحریم‌های اقتصادی، دولت باید -فارغ از انداختن مسئولیت‌ها به دوش دولت قبلی یا جریان‌های دیگر از یک سو و از سوی دیگر بدون ترس از متهم شدن توسط جریان‌ها یا افراد مفسد- اولاً مردم را نسبت به مفاسد اقتصادی و اداری حساس نماید^۲ ثانیاً نسبت به پاک‌سازی دستگاه‌های اجرایی از مفسدین اداری و مالی با همکاری قوه قضائیه، اقدام ورزد و ثالثاً با همکاری مجلس، از طریق قانون‌گذاری صحیح از به وجود آمدن زمینه فساد در کشور جلوگیری نماید.

۱ - در واقع باید سیاست های مصرفی مردم را به جد و آشکارا اصلاح نمود. باید کسانی که منطبق بر الگوهای غربی عمل می کنند زیر فشار هنجاری قرار گیرند نه آنکه عملشان ارزش باشد (و پر واضح است از آنجا که «الناس علی دین ملوکهم»، اولین قدم را در این زمینه باید مسئولان دولتی و حکومتی اعم از دولت، مجلس، قوه قضائیه و ... بردارند.

۲ - البته باید به گونه‌های با طرح این موضوع در افکار عمومی برخورد شود که بر سلامت اصل نظام خدشه وارد نشده و مورد سوء استفاده تبلیغاتی دشمنان قرار نگیرد.

■ نتیجه گیری

اشکال عمده نظریات تحریم این است که در آن‌ها یک کشور واقعاً مستقل مثل جمهوری اسلامی ایران مورد توجه نبوده است. در هر مطالعه موردی تحریم شونده از یکی از ابرقدرت‌های غرب و شرق یا یکی از قدرت‌های بزرگ حمایت گرفته و در ازای این حمایت وارد پیمان استراتژیک یا نظامی با آن قدرت شده است. اما ایران از نظر استراتژیک و نظامی و حتی سیاسی کاملاً مستقل است و منافع هیچ قدرتی را بر منافع خود ترجیح نمی‌دهد. همچنین ساختارهای اجتماعی جوامع، ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها باهم متفاوت است. در نتیجه پیوند زدن تحریم‌ها و موضوع هسته‌ای بر اساس تعلیم دیپلماسی ارتباط و مذاکره در روابط بین‌الملل، راهبردی غلط و بازی کردن در پازل غرب محسوب می‌شود - گرچه در صفحات ابتدایی با استفاده از ادبیات روابط بین‌الملل و دیپلماسی مذاکره نیز نشان داده شد این عمل، فعلی ناصحیح بوده که منجر به معامله انرژی هسته‌ای شده است.

با این همه به نظر می‌رسد غرب و جمهوری اسلامی به نگاهی مشترک در موضوع هسته‌ای دست پیدا نمی‌کنند زیرا اندیشه این دو اردوگاه و ساختار دانشی آن‌ها جهت درک متقابل برای کاهش تنش و افزایش صلح، کاملاً از هم متباین است. غرب علاقه‌ای به درک مبانی جمهوری اسلامی ندارد و جامعه و مردم و عقاید مردم ایران نیز -خصوصاً در کلیات و نتایج- علاقه‌ای به پذیرش مبانی غرب ندارند. اتفاقاً دلیل همراهی غرب با ایران و رضایت چند ماه اخیر آن‌ها از تیم مذاکره کننده هسته‌ای نیز این است که این افراد گرچه انسان‌هایی معتقد به انقلاب و اسلام هستند اما در عمل و دنیای روابط بین‌الملل، پیرو اردوگاه غرب هستند^۱ لذا در فرآیند شبیه هم رفتار می‌کنند حال آنکه نه تیم مذاکره

۱ - برای مثال نک به: رییس کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا گفت که به وزیر خارجه ایران اعتماد دارد: ظریف با ما بازی نمی‌کند.

کننده هسته‌ای و نه ملت و مسئولان ایران، نتیجه این فرآیند را که سلطه‌گری غرب است، نخواهند پذیرفت.

از آسیب‌های ادامه این فرآیند این که ممکن است منجر به جری‌تر شدن غرب در امیدواری به رسیدن به نتیجه دلخواه خود گردد^۱ و هزینه‌های بین‌المللی بازگشت ناپذیری را به کشور تحمیل نماید؛ به طوری که هزینه‌های بازگشت به نقطه قبلی را برای جمهوری اسلامی بیشتر از تأثیر تحریم‌ها و حتی تهدید معتبر نظامی، افزایش دهد. در حال حاضر نیز غرب به جای توجه به فرهنگ استراتژیک^۲ جمهوری اسلامی و فتوای رهبر انقلاب «مدظله‌العالی» مبنی بر حرمت استفاده از بمب اتمی - که طبق آموزه‌های غربی فرهنگ استراتژیک برایشان قابل درک است - به راهبردهای رسانه‌ای و عملیات روانی روی آورده و بر اساس آن قصد دارد ذهن طبقه خاصی از غرب‌گرایان در ایران را نسبت به موضوع هسته‌ای به نفع خود واکسینه نماید تا فشاری از درون جامعه ایران برای عدم پذیرش انرژی هسته‌ای به عنوان یک موضوع علمی، اقتصادی و

۱ - اظهارات جان کری هر چه بیشتر از توافقنامه ژنو می‌گذرد تندتر می‌شود. نک به: جان کری روز یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۲ (۱۰ نوامبر ۲۰۱۳) در واشنگتن به خبرنگاران گفت درخواست آمریکا برای توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران در گام اول، مقدمه ای برای درخواست برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران است.

(<http://irannuc.ir/fa/content/1914>)

کری: در توافق نهایی اگر ما غنی سازی ایران را نپذیریم غنی سازی انجام نمی‌شود.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1992>)

همچنین اظهارات وندی شرمن (رئیس تیم مذاکره کننده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱) قبل و بعد از توافقنامه ژنو بیانگر امیدواری آمریکا به مذاکرات برای اعمال سلطه بر جمهوری اسلامی ایران است: نماینده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای: منظور آمریکا از داشتن برنامه صلح آمیز هسته‌ای تعطیلی غنی سازی در ایران است.

(<http://irannuc.ir/fa/content/1816>)

شرمن: توافق نهایی شامل «برچیدن» بسیاری از بخش‌های برنامه هسته‌ای ایران است.
(<http://irannuc.ir/fa/content/1975>)

۲ - فرهنگ استراتژیک در حقیقت توجه به مبانی فرهنگی و فکری هر کشور و دولت را مدنظر قرار می‌دهد چرا که مبانی فرهنگی اساسی یک کشور یا گروه یا دولت را زمینه ساز رفتارهای استراتژیک آن میدانند. برای مطالعه بیشتر در اینباره نک به: عبدالله خانی، علی، فرهنگ استراتژیک. تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶

سیاسی کارآمد جهت پیشرفت و استقلال کشور شکل گیرد و دست برتر غرب در مذاکرات باشد؛ متأسفانه بخشی از نخبگان کشور از اعضای این طبقه غرب‌گرا هستند...

نتیجه آنکه با توجه به تفاوت و تعارض‌های عمیقی که بین ایران و غرب وجود دارد تلاش برای رفع تحریم‌ها از طریق مذاکره، اگر تلاشی جهت دوستی با غرب باشد، تلاشی مذبوحانه است و اگر در راستای دستیابی عزت‌مدارانه به حقوق ملت ایران باشد، عملی بی نتیجه خواهد بود؛ مگر آنکه امتیازی عظیم و اساسی به غرب داده شود که اتفاقاً این ابتدای حرکت رو به جلوی غرب و فتح سنگر به سنگر برای آن‌ها خواهد بود. در واقع تلاش برای رفع تحریم‌ها از طریق مذاکره، تلاشی مذبوحانه برای دوستی با دشمنی نه لزوماً دیرینه که اساسی و پایه‌ای است و نتیجه‌ای جز خفت ندارد؛ البته انتظار فهم این مسئله از نخبگان شیفته غرب بر نمی‌آید.

اما ادامه مذاکرات با روند کنونی نه تنها در حوزه‌های حقوقی، اقتصادی، دیپلماتیک، راهبردی و ... برای ما مضر و چالش‌آفرین خواهد بود در حوزه‌ی مسائل سیاسی-اجتماعی نیز پشتوانه مردمی نظام را تضعیف می‌نماید و علاوه بر آن، به علت افزایش گرایش به غرب‌گرایی و قوت گرفتن غرب‌گراها، زمینه عدول از ساختارهای کنونی در کشور را فراهم می‌نماید.

فصل ۶ بررسی و ارزیابی راهبردی مذاکرات هسته‌ای و توافق‌نامه ژنو

اگر از منظر راهبردی به دور جدید مذاکرات هسته‌ای و نیز توافق‌نامه ژنو نگریسته شود، دور جدید گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی ایران با ۱+۵ پیرامون پرونده هسته‌ای را می‌توان یکی از حساس‌ترین دوره‌های دیپلماسی ایران به حساب آورد. از یک طرف دستگاه دیپلماسی کشورمان در نظر دارد از رهگذر این گفت‌وگوها، منافع ملی و امنیت ملی را به صورت حداکثری تأمین و تضمین نماید و از طرف دیگر، آمریکا نیز سعی دارد با همراه نگاه داشتن سه کشور اروپایی، ضمن رسیدن به یک برد در برابر جمهوری اسلامی ایران، ناکامی‌های پی در پی سیاست خارجی ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ را جبران نماید.

در این راستا اخیراً روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشته است: «شکست‌های سیاست خارجی دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۳ فاجعه‌ای دیپلماتیک برای آمریکا است. مسئله سوریه، پناهندگی اسنودن (افشاگر جاسوسی‌های آمریکا) به روسیه و اختلاف با این کشور و جاسوسی آمریکا از متحدانش از جمله این شکست‌هاست.»^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی» در ۱۲ آبان ۱۳۹۲ ضمن حمایت قرص و محکم از مسئولین دیپلماسی کشور در مواجهه با ۵+۱ فرمودند: «ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد»^۲. تاکید بر دو عنصر آگاهی داشتن و بیداری آحاد مردم نسبت به روند و فرجام مذاکرات از مطالبات معظم‌له است. بر این اساس، رصد دائمی گفت‌وگوها و همچنین آگاهی و هوشیاری نسبت به اهداف و برنامه‌ریزی آمریکا و سه کشور اروپایی، موضوع بسیار مهمی است که نباید نسبت به آن غفلت نمود. در همین رابطه بررسی متن توافق نامه ژنو و چالش‌های پیش روی آن، به این دلیل که می‌تواند سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران را رقم بزند، از جمله موضوعاتی است که بیش از پیش نیاز به آگاهی بخشی دارد.

نگاه دقیق به متن توافق نامه ژنو، مشخص می‌سازد که مفاد این متن، بسیار پیچیده و دارای ساختاری مهندسی شده برای حصول نتیجه لازم در راندهای پایانی تنظیم گردیده است. از این رو حرکت در چارچوب آن حتماً چالش‌هایی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد داد که مهار و عبور از آن‌ها، نیازمند ساخت درونی اقتدار و برخورداری از مزیت‌های رقابتی است. بر این اساس آگاهی داشتن آحاد مردم به ویژه نخبگان و خواص جامعه از روند مباحث

1 - <http://nasimonline.ir/NSite/FullStory/News/?Id=653013>

هسته‌ای و همچنین بیداری آنان، می‌تواند زمینه‌ساز مزیت رقابتی جدیدی گردد. در این فصل علاوه بر رمزگشایی از راهبرد و اهداف راهبردی ایالات متحده آمریکا و سه کشور اروپایی در دور جدید مذاکرات، نقشه راه آنان در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای و نیز توافق‌نامه ژنو و تبعات آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

■ اهداف راهبردی آمریکا در دور جدید مذاکرات ۵+۱ و

توافق‌نامه ژنو

اهداف راهبردی آمریکا در دور جدید مذاکرات ۵+۱ با ایران در سخنرانی وندی شرمن معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۲ در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا قابل احصاء است. سه کلید واژه وندی شرمن تحت عنوان «معنا داری»، «شفافیت» و «قابل راستی آزمایی بودن» برنامه هسته‌ای ایران موید هدف گذاری‌های راهبردی آمریکا در ۵+۱ است به طور کلی در دور جدید مذاکرات هسته‌ای، کاخ سفید سه هدف راهبردی را مورد نظر قرار داده است:

الف) مهار و متوقف‌سازی ایران در موضوع هسته‌ای

ب) بازگشت به عقب و معکوس ساختن فناوری هسته‌ای ایران

ج) بر چیده شدن برنامه هسته‌ای ایران

در این ارتباط رصد و بررسی مواضع و اظهارات مقامات کاخ سفید از این سه هدف راهبردی رمزگشایی می‌نماید.

وندی شرمن، نماینده آمریکا در گفت‌وگوهای ۵+۱ با ایران، در مصاحبه با روزنامه صهیونیستی یدیعت آحارنوت صراحتاً اذعان کرد: «دستورالعمل بسیار روشن اوباما و جان کری این بوده که ما در گام اول توافق با ایران، باید مطمئن شویم که

پیشرفت برنامه هسته‌ای این کشور متوقف می‌شود.»^۱

مقامات آمریکایی با این ادراک که تحریم‌ها، ایران را به پای میز مذاکره کشانده است در دور جدید مذاکرات ۵+۱ با جمهوری اسلامی ایران سعی دارند در خطوط قرمز خود پیشروی نموده و با عنوان ممانعت ایران از فرار هسته‌ای، خط قرمز مورد نظرشان را یک گام به جلو بکشانند. از این رو هدف راهبردی اول (معنادار) سازی برنامه هسته‌ای ایران) اکنون از اولویت بیشتری نسبت به مسئله شفافیت برخوردار شده است.

جالب است که «رابرت آینه‌ورن» از مذاکره کنندگان اصلی پیشین هیئت آمریکایی، به صراحت اعلام کرده که محدودیت برنامه هسته‌ای ایران مهم‌تر از شفافیت آن است.^۲

واشنگتن در هدف راهبردی اول می‌کوشد جمهوری اسلامی ایران با متوقف‌سازی، عملاً مزیت‌های رقابتی و ابزارهای چانه زنی خود را از دست بدهد تا بتواند در ادامه، فرآیند مذاکرات را به هدف راهبردی دوم منتقل نماید.

به عقب بازگرداندن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دومین هدف راهبردی کاخ سفید در دور جدید مذاکرات ۵+۱ با ایران است.

هدف راهبردی دوم عملاً برنامه هسته‌ای ایران را از قابلیت و توانمندی بالفعل خارج ساخته و آن را نمادین می‌سازد. شرمن، طی سخنانی با عنوان «معکوس ساختن برنامه هسته‌ای ایران» در کمیته روابط خارجی سنا، تصریح می‌کند «ما می‌خواهیم برنامه ایران را با سرعت هر چه بیشتر محدود کنیم و حتی به عقب برانیم.»^۳

۱ - یدیعوت آحارونوت، ۱۶/۸/۹۲

2 - Is a Good Deal Possible? - Robert Einhorn- Speech in the Institute for National Security Studies- By Brookings- 24oct, 2013

۳ - سخنان وندی آر. شرمن در کمیته روابط خارجی سنا، سایت وزارت امور خارجه آمریکا، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۳.

در این گام، مقامات آمریکایی کوشش خواهند کرد تحت عنوان «شفافیت برنامه هسته‌ای ایران» تدریجاً فرآیند بازگشت به عقب و معکوس ساختن فناوری هسته‌ای ایران را تبدیل به برنامه نمایند.

سومین هدف راهبردی و در واقع هدف نهایی آمریکا در دور جدید مذاکرات ۵+۱ با ایران تلاش برای برچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران است که سردمداران کاخ سفید حتی از علنی گفتن آن نیز ابایی ندارند.

در این رابطه جان کری بلافاصله پس از مذاکرات ژنو در گفت‌وگویی با شبکه ان.بی.سی تصریح کرد «هدف آمریکا در مذاکرات با ایران در گام نخست توقف برنامه هسته‌ای این کشور و سپس بر چیدن کامل آن است.»^۱

از منظر آمریکایی‌ها کلید واژه «راستی آزمایی» یا توافق اعتمادساز ناظر بر اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت توسط ایران بوده و این مهم در واقع به معنای نادیده گرفتن حق برخورداری جمهوری اسلامی ایران از فناوری هسته‌ای است.

در همین راستا خانم شرمین در ۲۲ مهر ماه ۱۳۹۲ (یک روز قبل از آغاز گفت‌وگوها در ژنو) دستور کار آمریکا در مذاکرات ۵+۱ با ایران را این‌گونه برشماری می‌کند: «ما به دنبال توافقی هستیم که نهایتاً همه نگرانی‌های جامعه بین‌الملل از جمله تمکین ایران از قطع‌نامه‌های شورای امنیت و مسئولیت‌های ایران طبق ان.پ.تی را رفع نماید.»

در این مرحله چنانچه آمریکا هدف راهبردی سوم را قابل دسترسی بداند، آن‌گاه نگرانی‌های جامعه بین‌الملل را برای ایران فهرست خواهد کرد و توافق جامع را منوط به پذیرفتن آنان از سوی ایران خواهد کرد.

<http://iipdigitaltest.usembassy.gov/st/persian/texttrans/2013/10/20131004284048.html>

■ راهبرد جدید آمریکا در مذاکرات ۵+۱

تا قبل از دور جدید مذاکرات ۵+۱ با ایران، راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران یک راهبرد یک سویه مبتنی بر فشار- مذاکره بود که در کنار آن از ظرفیت رژیم صهیونیستی به عنوان تهدید استفاده می‌شد. اما با تغییراتی که در ادراک مقامات کاخ سفید نسبت به اثر بخشی تحریم‌ها پیش آمده است، راهبرد فشار- مذاکره با حفظ شاکله‌ی خود تا حدودی تغییر یافته و به یک راهبرد دوسویه تبدیل شده که از آن به عنوان راهبرد دو مسیره‌ی «تعامل و فشار» یاد می‌شود. در این رابطه شرم‌ن در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنای آمریکا می‌گوید: «راهبردی که در دولت به منظور رفع نگرانی‌های جامعه بین‌المللی در مورد برنامه‌ی هسته‌ای در پیش گرفته‌ایم و همچنان پیگیری می‌کنیم سیاست دو مسیره‌ی تعامل و فشار است»^۱.

در چرایی اتخاذ راهبرد جدید توسط آمریکا می‌توان به دلایل زیر اشاره نمود:

- ادراک اشتباه کارگزاران آمریکا از انتخابات ۱۳۹۲ و دولت جدید جمهوری اسلامی ایران

- ارزیابی‌های غلط از شرایط و وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران

آمریکایی‌ها با این انگاره که ایران ناچار است به خاطر تحریم‌ها و تهدیدات، به هرگونه فشار و امتیازخواهی ۵+۱ پاسخ مثبت بدهد، خود را در آستانه‌ی رسیدن به یک بُرد خوب و معامله‌ی تاریخی در قبال ایران می‌بینند.

بر همین اساس کنت.ام.پولاک (کارشناس مؤسسه‌ی بروکینگز) اظهار می‌دارد: «چنین معامله‌ای، موهبتی الهی برای آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و سایر متحدان ما در منطقه و فراتر از منطقه خواهد بود. اگر ما توانایی رسیدن به چنین

۱ - سخنان وندی آر. شرم‌ن در کمیته روابط خارجی سنه، همان

معامله‌ای را داشته باشیم، باید آن را دریابیم»^۱.

بنابراین آمریکا با اتخاذ راهبرد دو مسیره‌ی «تعامل- فشار» از یک سو به دنبال تبدیل چالش به فرصت است (جبران ناکامی‌های سیاست خارجی خود در سال ۲۰۱۳) و از سوی دیگر در آرزوی تغییر موازنه‌ی استراتژیک در برابر محور ایران است تا به تعبیر ام پولاک، بزرگ‌ترین مشکل سیاست خارجی خود را طی سه دهه حل نماید.

■ نقشه راه آمریکا در دور جدید مذاکرات ۵+۱

ارزیابی‌های موجود مؤید این نکته است که آمریکایی‌ها برای رسیدن به اهداف راهبردی سه‌گانه در مذاکرات ۵+۱ جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر تعیین راهبرد دوسویه‌ی «تعامل- فشار»، نقشه‌ی راه جدیدی را نیز ترسیم نموده‌اند و با قرار دادن آن در روی میز مذاکرات، عملیاتی شدن آن را انتظار می‌کشند. توافق‌نامه ژنو را نیز می‌توان گام اول عملیاتی شدن این نقشه راه دانست و به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها تمایل دارند در گام نهایی، تمامی این نقشه راه را پیاده سازی کنند.

نقشه‌ی راه جدید که از رصد و بررسی مواضع و اظهارات مقامات رسمی آمریکا و نیز تجزیه تحلیل توافق‌نامه ژنو احصاء گردیده موارد نه‌گانه‌ی زیر را شامل می‌شود.

- کاهش ماشین‌های سانتریفیوژ از سوی ایران

- تعلیق غنی سازی اورانیوم ۲۰ درصد

- تعیین سقف برای حجم اورانیوم غنی شده ۵ درصد

۱ - پولاک، کنت. ام، «بروکینگز: آمریکا به معامله با ایران احتیاج دارد» خبرگزاری تسنیم به نقل از موسسه بروکینگز، یکشنبه، ۶ مهر ۱۳۹۲:

- تبدیل (اکسایش) انباشته ۲۰ درصد موجود
- توقف به کارگیری سانتریفیوژهای نسل ۲ (IR2)
- تعطیلی تأسیسات آب سنگین اراک و یا تبدیل آن به یک رآکتور عادی
- تعطیلی سایت فردو
- پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران
- تعطیلی چرخه‌ی تولید سوخت هسته‌ای و فرآیند غنی‌سازی اورانیوم در ایران و یا نمادین سازی آن (در حد آزمایشگاهی)

■ تجزیه و تحلیل نقشه راه جدید آمریکا در ۵+۱

برای تجزیه و تحلیل درست از نقشه راه جدید آمریکا در ۵+۱ می‌بایست به دو موضوع توجه ویژه داشت. یکی؛ کلیه واژه‌های مورد استفاده‌ی وندی شرمن در جلسه‌ی استماع کمیته‌ی روابط خارجی سنای آمریکا و دیگری اهداف راهبردی و سه‌گانه‌ی آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران.

در نقشه‌ی راه جدید آمریکا، مراحل یکم تا پنجم از مراحل نه‌گانه‌ی مذکور، یعنی کاهش سانتریفیوژها، تعلیق ۲۰ درصد، محدودسازی غنی‌سازی ۵ درصد، تبدیل (اکسایش) انباشته‌ی ۲۰ درصد موجود و توقف به کارگیری سانتریفیوژهای نسل ۲ در واقع ناظر بر کلید واژه و موضوع «معناداری» و هدف راهبردی اول (مهار و متوقف سازی برنامه‌ی هسته‌ای ایران) جای می‌گیرد و جالب اینجاست که دقیقاً همین موارد تعهدات طرف ایرانی در توافق‌نامه ژنو است!

وندی شرمن در ۱۱ مهر ماه ۱۳۹۲ در اظهاراتی که بیانگر مراحل یکم تا پنجم نقشه‌ی راه جدید آمریکا است اظهار می‌دارد: «ما به دنبال گام‌های مشخصی از طرف ایران هستیم که به مسائل اصلی و محوری بپردازد از جمله؛ سرعت و دامنه‌ی برنامه‌ی غنی‌سازی این کشور، شفافیت کلی برنامه‌ی هسته‌ای و ذخائر

اورانیوم غنی‌شده آن.^۱

بر این اساس اظهارات خانم شرمن پیرامون سرعت و دامنه‌ی برنامه غنی‌سازی، ناظر بر محدود شدن تعداد سانتریفیوژها، نسل سانتریفیوژها، سطح غنی‌سازی، حجم غنی‌سازی و میزان ذخایر مواد غنی شده است و جالب این جاست که در متن توافق‌نامه نیز بدان تصریح گردیده است.

همچنین مراحل ششم تا هشتم نقشه‌ی راه آمریکا، به عبارتی تعطیلی تأسیسات آب سنگین اراک، تعطیلی فردو و پذیرش پروتکل الحاقی، در چارچوب کلید واژه‌ی «شفافیت» و در راستای «هدف راهبردی دوم آمریکا» (بازگشت به عقب و معکوس ساختن فناوری هسته‌ای ایران) تعریف می‌گردد.

در این ارتباط جان کری در ۵ مهر ماه ۱۳۹۲ طی مصاحبه‌ای با شبکه‌ی سی.بی. اس اظهار می‌دارد: «گشایش فوری تأسیسات فردو به روی بازرسان؛ تأسیساتی که سری و زیرزمینی و تقویت شده است و بدون تردید چیزی نیست که یک برنامه‌ی صلح‌آمیز آن را انجام دهد؛ امضای فوری پروتکل الحاقی درباره‌ی بازرسی‌ها؛ توقف داوطلبانه‌ی غنی‌سازی بیش از یک سطح و نگاه داشتن آن در سطح پایین چون که سطح بالاتر برای یک برنامه‌ی صلح‌آمیز مورد نیاز نیست.»^۲

همچنین روزنامه‌ی صهیونیستی هآرتس با اشاره به ملاقات ون‌دی شرمن با مقامات ارشد رژیم جعلی اسرائیل نوشت: «شرمن در ملاقات با مقامات ارشد اسرائیل قول داد که آمریکا برای وادار کردن ایران به بستن رآکتور آب سنگین اراک تلاش کند تا خواسته‌ی مهم نتانیاهو نیز برآورده گردد.»^۳

۱ - سخنان ون‌دی آر. شرمن در کمیته روابط خارجی سنا، همان

۲ - مصاحبه با شبکه CBS، ۲۰۱۳/۲۷/۹.

۳ - به نقل از رادیو فردا، ۲۰۱۳/۱۱/۱۱.

تعطیلی چرخه تولید سوخت هسته‌ای و فرآیند غنی‌سازی اورانیوم در ایران در واقع مرحله‌ی نهم و نهایی از نقشه راه آمریکا است که هدف راهبردی سوم واشنگتن در موضوع هسته‌ای ایران یعنی برچیده شدن آن را رقم می‌زند. این مرحله در چارچوب کلیدواژه‌ی قابل راستی آزمایی بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران و لزوم اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت توسط تهران معنابخشی می‌گردد.

اظهارات شرم‌ن در کمیته‌ی روابط خارجی سنا در برگیرنده مرحله‌ی نهم و نهایی از نقشه‌ی راه جدید آمریکا در ۵+۱ است. وی در این جلسه اظهار می‌دارد: «ما در جلسه‌ی نیویورک (نشست ۵+۱ در حاشیه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل در سال جاری) تصریح کردیم که در پی توافقی هستیم که حق مردم ایران برای دسترسی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در آن رعایت شود... این کلمه بسیار با دقت انتخاب شده بود؛ دسترسی (به انرژی هسته‌ای) و نه حق (غنی‌سازی)»^۱

وی در ادامه تصریح می‌کند: «این همیشه موضع ما بوده است و من بارها به مخاطبین ایرانی خود گفته‌ام که ماده چهارم ان.پی.تی اصلاً درباره‌ی حق غنی‌سازی صحبت نمی‌کند... آن ماده فقط می‌گوید که شمار دارای حق تحقیق و توسعه هستید و بسیاری از کشورها از جمله ژاپن و آلمان آن را به عنوان حق (مفروض) گرفته‌اند، اما ایالات متحده این موضع را ندارد.»^۲

در نهایت خانم ون‌دی شرم‌ن با استناد به قطع‌نامه‌های سازمان ملل و لزوم اجرای آن توسط تهران، مرحله نهم نقشه‌ی راه آمریکا را معنابخشی می‌کند. وی با صراحت در جلسه‌ی مذکور می‌گوید: «قطع‌نامه‌ها نگفته‌اند که حق ایران را تعلیق می‌کنند، بلکه غنی‌سازی آن‌ها را تعلیق کرده است، لذا ما اعتقاد نداریم

۱ - شرم‌ن، همان

۲ - همان

که هر کسی حق ذاتی برای غنی سازی دارد.^۱

■ تبعات پذیرش نقشه راه جدید آمریکا از سوی جمهوری اسلامی ایران

پذیرش مراحل نه‌گانه‌ی نقشه راه آمریکا، تبعات جبران ناپذیری برای اهداف ملی، منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت. در زیر به اختصار تبعات اجرای نقشه راه جدید آمریکا در ۵+۱ بیان می‌گردد.

- ایجاد توقف و بازگشت از مسیر پیشرفت علمی و هسته‌ای کشور
- زمینه‌سازی برای فزاینده شدن مطالبات و زیاده‌خواهی‌های آمریکا از جمهوری اسلامی ایران

- تغییر موازنه‌ی استراتژیک در منطقه به نفع آمریکا در برابر محور ایران
- مخدوش شدن الگو بودن جمهوری اسلامی و تضعیف قدرت نرم ایران
- تضعیف قدرت ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در موضوع پروتکل الحاقی

- وابستگی دائمی ایران در تولید رادیوایزوتوپ‌ها و رادیوداروها
- از همه مهم‌تر به هدر رفتن تمام هزینه‌هایی که ملت، نظام و دانشمندان ایرانی در راه پیشرفت کشور پرداخته‌اند.

■ ملاحظات راهبردی آمریکا در مذاکرات و توافق

خط مشی آمریکا در پیاده‌سازی نقشه راه ذکر شده در مسیر مذاکرات و رسیدن به توافق بر اساس یک سری ملاحظه راهبردی بنیان نهاده شده است. به نظر

می‌رسد ملاحظات راهبردی آمریکا در دور جدید مذاکرات ۵+۱ موارد زیر را شامل می‌گردد:

- تعیین نقش و تقسیم کار در میان بازیگران متحد خود
 - حفظ رژیم تحریم‌ها و فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران
 - حفظ فرصت تعامل با ایران
 - حفظ اجماع علیه جمهوری اسلامی ایران
 - عدم عجله برای رسیدن به توافق جامع با ایران
- همان‌گونه در دور اول مذاکرات تیم جدید مذاکره کننده ایرانی با ۵+۱، مشاهده گردید، در اجرای استراتژی «پلیس خوب، پلیس بد»، آمریکا به عنوان بازیگر اصلی نقش پلیس خوب را عهده‌دار شد تا از این رهگذر با انگاره بی‌اعتمادی در ادراک و برداشت جامعه ایران مقابله نماید. از سویی نقش پلیس خوب به کاخ سفید این امکان را می‌بخشید تا از فرصت تعامل برای پیاده‌سازی نقشه راه خود، بیشترین استفاده را ببرد. در این بین انگلیس عهده دار تنظیم مناسبات در پشت صحنه شد و فرانسه نیز در نقش پلیس بد، عهده‌دار برهم‌زدن بازی جهت امتیازگیری گردید.^۱

در این راستا پاول شولت (رئیس پیشین کنترل تسلیحات انگلیس) در گفت‌وگو با تلویزیون بی.بی.سی پیرامون مذاکرات ژنو اظهار داشت: «اکنون فرانسه، نقش پلیس بد را بازی می‌کند تا بقیه نقش پلیس خوب را بازی کنند.»^۲

۱ - در نمایشی بودن موضع تند فرانسه همین بس که این کشور که به ظاهر در دور اول در نقش پلیس بد بازی می‌کرد، پس از امضای توافقنامه به یکباره نقش پیشین خود را فراموش کرده و درست زمانی که سران آمریکا و انگلیس منکر پذیرش حق غنی‌سازی ایران در توافقنامه می‌شوند، لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه تصریح می‌کند که توافقنامه حق غنی‌سازی رای برای ایران به رسمیت شناخته است.

۲ - جام جم آنلاین، یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۲:
<http://www.jamejamonline.ir/NewsPreview/1265037241832133855>

در تعیین نقش و تقسیم کار از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی همزمان عهده‌دار دو نقش است: یکی حفظ ظرفیت تهدید علیه ایران در کنار راهبرد دو سوپه «تعامل و فشار» و دیگری ایفای نقش در عملیات فریب راهبردی و جنگ ادراکی در مخاطبان ایرانی. در این راستا می‌توان به اظهارات نتانیاهو اشاره داشت که در چارچوب یک عملیات فریب و جنگ ادراکی در خلال مذاکرات اخیر اظهار داشت: «ایرانیان باید هم از مذاکرات راضی باشند، زیرا هر چه که می‌خواستند به دست آوردند و هیچ امتیازی ندادند.»

ذکر این نکته ضروری است که در عملیات فریب و جنگ ادراکی در مخاطبان ایرانی، برای عربستان سعودی، نقشی مکمل رژیم صهیونیستی تعریف گردیده تا ضمن تشدید شکاف‌های عربی-فارسی، فشار روانی ساختگی بر جامعه ایران از ناحیه‌ی خطر دستیابی جریانات سلفی به سلاح هسته‌ای، موجب تردید در ملت ایران گردد.

اظهارات شرم‌ن در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنای آمریکا دیگر ملاحظات راهبردی آمریکا در مذاکرات ۵+۱ با ایران را نمایان می‌سازد. وی اظهار می‌دارد: «ما در تمامی مراحل این فرآیند باید کاری کنیم تا جامعه بین‌المللی همچنان متحد باشد و اجازه ندهد که تحریم‌ها به طور زود هنگام از هم پاشد. اجازه دهید به شما اطمینان دهم که هم‌زمان با بررسی حل مسئله از طریق مذاکره، اعمال قاطعانه تحریم‌های موجود را همچنان ادامه خواهیم داد و به ویژه مسئله دور زدن تحریم‌ها و اقدام‌های ایران برای کاهش این فشارها را مورد توجه خواهیم داشت.»^۱

■ بررسی و ارزیابی متن توافق‌نامه ژنو

در توافقات بین‌المللی بار حقوقی واژگان، مسئولیت‌ها و حقوق برآمده از آن محل

تاکید و چانه‌زنی دیپلماسی است، از این رو ملاحظات اساسی پیرامون جعل واژگان پیچیده و مهندسی شده در توافق نامه ژنو و بار حقوقی آن‌ها، می‌تواند بستر فهم فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو باشد.

در مقدمه متن توافق نامه مذکور، اشاره شده «مذاکرات با هدف دست یافتن به راه حلی مورد توافق دو طرف، جامع و بلندمدت صورت گرفته است که طی آن ایران بتواند تحت مفاد مربوط به معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان.پی.تی) و برابر با تعهداتی که این مفاد برای کشور ایجاب می‌کند، از حق برخورداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز برخوردار باشد».

متن توافق نامه تاکید دارد که «راه حل جامع، دربرگیرنده یک برنامه غنی‌سازی مورد توافق دو طرف است که با اعمال محدودیت‌ها و اقدامات شفاف‌ساز به منظور حصول اطمینان از ماهیت صلح آمیز آن، همراه خواهد بود. این راه حل جامع به مثابه مقوله‌ای یک پارچه است که در آن هیچ چیز مورد توافق نخواهد بود تا زمانی که در مورد همه چیز توافق صورت گیرد».

در بخش دیگری از متن تحت عنوان «مفاد اصلی گام نهایی برای رسیدن به یک راه حل جامع» آورده شده است: «در پیش گرفتن یک برنامه غنی‌سازی مورد توافق دو طرف با در نظر گرفتن نیازمندی‌های عملی و اعمال محدودیت‌های گسترده و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت آن، محل انجام آن و ذخائر اورانیوم غنی شده برای مدت زمان مورد توافق».

ملاحظات اساسی که از متن توافق بر می‌آید عبارت است از:

الف) باید اصل غنی‌سازی به توافق طرفین برسد و این بدان معناست که طرف ایرانی در گام‌های بعدی مذاکرات، می‌بایست غنی‌سازی را به پذیرش طرف مقابل برساند تا رسمیت یابد؛ لذا بر اساس متن توافق آن چه که اکنون به عنوان پذیرش حق غنی‌سازی ایران یاد می‌شود، ادامه یافتن و صرفاً تداوم برنامه هسته‌ای محدود است نه حق غنی‌سازی. به عبارت دیگر توافق نامه ژنو

به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران را به آینده و تحقق شرایطی پیچیده، مشروط و موکول نموده است.

ب) ملاحظه اساسی دوم در متن به عبارت «منطبق بر نیازمندی‌های عملی»^۱ باز می‌گردد که بار حقوقی، مسئولیت‌ها و حقوق برآمده از آن، محل چانه‌زنی و فشار طرف غربی در مذاکرات آتی خواهد بود. این عبارت در واقع تیم دیپلماسی کشورمان را وادار می‌سازد تا به جای دفاع از حقوق هسته‌ای در پی اثبات نیاز ایران به غنی‌سازی باشد. این عبارت مهندسی شده در متن توافق‌نامه از یک طرف و ساز و کارهای پیچیده اعمال شده در توافق‌نامه برای اثبات عدم نیاز ایران به غنی‌سازی (محدودسازی و متوقف‌سازی رآکتورهای مورد نظر) از طرف دیگر، ملاحظه اساسی دیگری است که می‌بایست به آن توجه داشت.

باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا روز شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۲ (۷ دسامبر ۲۰۱۳) با شرکت در کنفرانس سالانه مرکز سابان (در موسسه بروکینگز) می‌گوید: «ما می‌دانیم که آن‌ها [ایرانی‌ها] به یک مرکز مستحکم زیرزمینی مثل فردو برای برنامه صلح آمیز هسته‌ای نیازی ندارند. آن‌ها قطعاً به یک رآکتور آب سنگین در اراک برای برنامه صلح آمیز هسته‌ای نیاز ندارند. آن‌ها به سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای که الآن دارند، برای یک برنامه محدود صلح آمیز هسته‌ای نیاز ندارند. از این رو در نهایت سؤال این است که آیا آن‌ها حاضرند بخشی از پیشرفت‌هایشان را که در یک برنامه محدود و صلح آمیز هسته‌ای قابل توجه نیست و فقط نشانه تمایل آن‌ها برای رفتن به سمت مرحله آستانه هسته‌ای است، کنار بگذارند؛ و اگر ما بتوانیم این پیشرفت‌ها را به طور قابل ملاحظه به عقب برانیم، صاحب پیروزی نهایی شده‌ایم.»^۲

1 - Consistent with practical-needs

۲ — سخنان باراک اوباما در کنفرانس سالانه مرکز سابان، ۷ دسامبر ۲۰۱۳
<http://iipdigital.usembassy.gov/st/english/texttrans/2013/12/20131207288605.html?CP.rss=true#axzz2myRmjFJG>

وندی شرمن معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاسی که در گفت‌وگویی با تلویزیون PBS که روز چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۲ (۴ دسامبر ۲۰۱۳) می‌گوید: «این توافق برچیدن بسیاری از ساختارهای آن‌ها را شامل می‌شود، چون با صراحت می‌گوییم، ما مطمئن نیستیم که چه احتیاجی از نظر مقاصد مسالمت آمیز می‌تواند به یک راکتور ۴۰ مگاواتی آب سنگین که در اراک هست وجود داشته باشد؛ و در پایان روز آنچه در اینجا اهمیت اساسی دارد این است که جامعه بین‌المللی و ایالات متحده آمریکا باید اطمینان کافی به مسالمت آمیز بودن کامل برنامه پیدا کنند.»^۱

ج) عبارت اعمال محدودیت‌های گسترده در متن توافق‌نامه، سومین ملاحظه اساسی است. اعمال محدودیت‌های گسترده که ابعاد آن نیز با عباراتی همچون «اندازه» (level)، «ظرفیت» (Capacity)، «حجم» (Stocks of enriched uranium)، «گستره» و «مکان آن» (Scope) مورد تاکید قرار گرفته است، علاوه بر تحمیل بار حقوقی و معنایی آن به طرف ایرانی، وضعیت طرف غربی را در شرایط دست برتر قرار می‌دهد.

در همین راستا جان کری وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ در مجلس نمایندگان آمریکا می‌گوید: «دستکم دو بار در این توافق‌نامه اشاره شده است که درباره هیچ چیز توافق نشده است مگر آنکه درباره تک‌تک مسائل توافق وجود داشته باشد و این در مسیر توافق نهایی ما نیز هست. علاوه بر این، در جایی که این [توافق] از غنی‌سازی احتمالی در آینده می‌گوید، دستکم چهار بار به «توافق دوجانبه درباره آن» اشاره می‌کند - سه یا چهار بار در آن پاراگراف به این موضوع اشاره شده است. در این خصوص باید توافق باشد اگر ما توافق

۱ - گفتگوی وندی شرمن با تلویزیون PBS، ۴ دسامبر ۲۰۱۳
<http://iipdigital.usembassy.gov/st/english/texttrans/2013/12/20131205288441.html?CP.rss=true#axzz2mmaRh5dx>

نکنیم، این اتفاق نمی‌افتد.»^۱

د) عدم اشاره صریح به محل انجام غنی‌سازی و ارجاع آن به مذاکرات آتی هم ملاحظه اساسی دیگری است که دست طرف غربی را برای چانه‌زنی و امتیازگیری پیرامون انجام غنی‌سازی در داخل کشور و یا محلی در خارج از ایران باز می‌گذارد.

ه) ملاحظه اساسی پنجم توافق‌نامه، ملزم ساختن ایران به برطرف ساختن نگرانی‌های شورای امنیت سازمان ملل و قطع‌نامه‌های آن مرحله بین گام اول و گام نهایی مذاکرات است. در متن آمده است «در فاصله میان گام‌های اولیه و گام آخر، گام‌های دیگری از جمله پرداختن به قطع‌نامه‌های شورای امنیت با هدف پایان رضایت بخش بررسی موضوع، توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود خواهد داشت». تاکید طرف مقابل بر این ملاحظه اساسی در واقع به معنای باز گذاشتن دست آنان جهت فشار به طرف ایرانی برای تعلیق غنی‌سازی «حتی ۵ درصد» می‌تواند باشد.

و) اشاره به تصویب و اجرای پروتکل الحاقی در متن توافق‌نامه به عنوان مفاد اصلی گام نهایی برای رسیدن به یک راه حل جامع نیز یکی دیگر از ملاحظات اساسی است. این مهم به تنهایی چالش‌های ایران در مذاکرات آتی و احقاق حقوق هسته‌ای را به خوبی نشان می‌دهد.

ز) ارائه اطلاعات طبقه بندی شده فراتر از تعهدات و وظایف:

بر اساس توافق‌نامه ایران متعهد می‌شود حجم انبوهی از اطلاعات طبقه بندی شده‌ای که هیچ کشور عضو NPT آن را در اختیار آژانس قرار نداده است را ارائه دهد این اطلاعات شامل موارد ذیل است:

۱ - سخنان جان کری وزیر خارجه آمریکا در مجلس نمایندگان آمریکا، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳

۱. اطلاعات مربوط به طرح و نقشه‌های ایران برای تأسیسات هسته‌ای به آژانس ارائه می‌شود.

۲. توصیف و شرحی کامل از ساختمان هر یک از سایت‌های هسته‌ای ارائه می‌شود.

۳. توصیف و شرحی کامل از گستره عملیات‌های هر یک از تأسیساتی که به طور خاص به فعالیت‌های هسته‌ای مشغول هستند ارائه می‌شود.

۴. ارائه اطلاعات در مورد معادن

۵. ارائه اطلاعات درباره انبارها

۶. ارائه اطلاعات درباره منبع مواد

۷. نهایی کردن توافق درباره پادمان‌ها در اراک

۸. دسترسی به بایگانی دوربین‌های آفلاین

۹. دسترسی به کارگاه‌های مونتاژ

۱۰. دسترسی به تولید چرخنده‌های سانتیفریوژ

برخی از این داده‌ها معمولاً در طبقه بندی بالایی قرار دارند که ارائه آن به آژانس به معنی در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی دشمن قرار دادن آن است. به نظر می‌رسد بر این اساس صفر تا صد برنامه هسته‌ای ایران و جزئیات مراکز راهبردی آن درز می‌یابد.^۱

جان کری در همین راستا و با خوشحالی از این پیروزی اطلاعاتی در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ در مجلس نمایندگان آمریکا می‌گوید: «یکی از بزرگ‌ترین

۱ - جالب اینجاست که به دلیل سطح تکنولوژی بالای ماشینهای سانتیفریوژ و نگرانی از جاسوسیهای صنعتی، معمولاً هیچ کشور دارای توانمندی هسته‌ای اجازه بازدید از خط تولید این ماشینها را نمی‌دهد و حتی «پاوست» معاون سابق مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از بازدید از یکی از کارگاه‌های ایرانی تولید این ماشینهای می‌گوید: «من تا به حال خط تولید ماشین سانتیفریوژ را از نزدیک ندیده بودم.»

نگرانی‌های ما، تأسیسات رآکتور هسته‌ای اراک بوده است. [بر اساس توافق] ایران نمی‌تواند آزمایش‌های اضافه در زمینه سوخت این رآکتور داشته باشد؛ و باید اطلاعات طرح این مرکز را به ما بدهد. ما واقعاً به دنبال دریافت این طرح‌ها هستیم. از مدت‌ها قبل به دنبال این اطلاعات بودیم و این طرح اطلاعات حساسی درباره رآکتور به ما می‌دهد که تاکنون از طریق منابع دیگر در اختیار ما قرار نگرفته است.»^۱

■ فرصت‌های توافق‌نامه ژنو

در عین حال ذکر این نکته ضروری است که توافق‌نامه ژنو در ضمن خود، حاوی فرصت‌های راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران نیز هست که در ادامه به برشماری چند مورد از آن پرداخته می‌شود.

الف) پذیرش تداوم برنامه هسته‌ای محدود از سوی غربی‌ها؛ موید عقب‌نشینی از مواضع پیشین آنان است. طرف غربی که ۱۰ سال پیش حتی یک دستگاه سانتریفیوژ را برای جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌دانست و به هیچ روی حاضر به پذیرش غنی‌سازی از سوی ایران نبود، اکنون در یک توافق‌نامه موقت، غنی‌سازی تا ۵ درصد و ۱۹ هزار ماشین سانتریفیوژ را برای جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است.

طبیعی است که این دستاورد هر چند موقتی هم باشد اما فرصتی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد تا در آینده بتواند با استناد به آن حقوق ملت را در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته استیفا نماید.

در این رابطه باید اذعان داشت که این فرصت، نتیجه حرکت جمهوری اسلامی ایران در مسیر مقاومت بوده است که امروز یکی از ثمرات آن مشاهده می‌شود.

در واقع عقب نشینی آمریکای و ۳ کشور اروپایی از مواضع پیشین خود، مرهون مزیت‌های رقابتی‌ای بوده که طی ۱۰ سال گذشته از مسیر مقاومت به دست آمد و ماحصل آن در اختیار تیم جدید مذاکره کننده کشورمان قرار گرفته و آنان نیز با بهره‌گیری از این مزیت‌ها به این فرصت دست یافتند.

ب) حفظ انسجام ملی در طی ۱۰ سال گذشته پیرامون موضوع هسته‌ای، به ویژه در طی مذاکرات اخیر نیز یکی از فرصت‌های راهبردی است که به منصفه ظهور رسید. نوع مواجهه آحاد مردم ایران به ویژه نخبگان و خواص در حمایت از تیم دیپلماسی کشورمان موید این فرصت است. این مهم مرهون هوشمندی، حکمت و تدبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» است که در چارچوب نرمش قهرمانانه تبیین و تصریح گردید.

■ چالش‌های پیش روی توافق‌نامه ژنو

توجه و تأمل در متن توافق‌نامه ژنو پیرامون موضوع هسته‌ای ایران و ملاحظات اساسی که بیان گردید مؤید این نکته است که این توافق‌نامه چالش‌های جدی و اساسی را پیش‌روی خود خواهد داشت که فهم دقیق آن‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز چاره‌اندیشی و تدبیر برای کاهش آسیب‌ها و تهدیدات احتمالی گردد. چالش‌های پیش رو را می‌توان این گونه برشمرد:

۱- مهندسی شده بودن متن توافق‌نامه یا به عبارت دیگر تنظیم متن توافق‌نامه ژنو بر اساس یک نقشه راه که پیش‌تر بدان اشاره گردید، حتماً می‌تواند چالش‌هایی را پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. در این راستا تعهدات پذیرفته شده در متن توافق‌نامه، ناظر بر تحقق هدف راهبردی اول آمریکا مبنی بر متوقف سازی برنامه‌ای هسته‌ای ایران است اما نکته اساسی این جاست که متن مهندسی شده در واقع به نوعی ریل گذاری برای تحقق اهداف راهبردی دوم و سوم آمریکاست.

در این رابطه به نظر می‌رسد مطالعه مجدد بخش ملاحظات اساسی پیش گفته، به‌خوبی این مهم را اثبات می‌کند. جعل واژگانی همچون؛ «نیازمندی‌های عملی»، «اعمال محدودیت‌های گسترده»، «پرداختن به قطع‌نامه‌های شورای امنیت با هدف پایان رضایت بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت»، «تصویب و اجرای پروتکل الحاقی» در متن توافق‌نامه در حقیقت بیانگر همان نقشه راهبرد آمریکا برای رسیدن به اهداف راهبردی سه‌گانه است.

۲- برای احقاق حقوق ایران، توافق‌نامه موجود بنیان سستی دارد. وجود عبارتی چون، «هیچ‌چیز مورد توافق نخواهد بود تا زمانی که در مورد همه چیز توافق صورت گیرد» در کنار مد نظر گرفتن قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که در آن‌ها صراحتاً برخورداری ایران از حق غنی‌سازی مورد نفی قرار گرفته است و همچنین تصویب پروتکل الحاقی از سوی ایران، چالش اساسی و جدی دیگری است که پیش روی توافق‌نامه ژنو و تیم دیپلماسی کشورمان است.

۳- چالش دیگر قرار دادن مزیت‌های رقابتی در میز مذاکرات آتی است. آن‌چه به عنوان مزیت رقابتی در چند دور مذاکرات اخیر از آن‌ها بهره گرفته شد، دستاوردهای علمی حاصل از راهبرد مقاومت در برابر فشار بود. ابهام جدی در مورد مزیت‌هایی است که در ادوار آتی مذاکرات می‌بایست از طرف تیم ایرانی ارائه گردد.

به عبارت دیگر بزرگ‌نمایی بیش از حد دستاورد مذاکرات اخیر، نهایی قلمداد نمودن موضوع هسته‌ای، کاربرد ابزاری از مذاکرات برای بیلان کاری و نگاه قبیله‌گرایانه به موضوع هسته‌ای و از همه مهم‌تر شرطی نمودن جامعه نسبت به مذاکرات نه تنها مزیت رقابتی برای ادوار آتی مذاکرات ایجاد نمی‌کند بلکه برعکس موضوع هسته‌ای را از سطح ملی به سطح جناحی و حزبی تنزل می‌بخشد و پشتوانه تیم مذاکره کننده را تضعیف می‌سازد.

۴- قرار دادن ایران در شرایط انتخاب بد یا بدتر نیز یکی از چالش‌های پیش

روی توافق‌نامه ژنو است. بدین معنا که ملاحظات اساسی پیش گرفته در متن توافق‌نامه طرف ایرانی را یا مجبور به برهم زدن بازی خواهد نمود- که در این صورت با احیاء مجدد اجماع، تشدید تحریم‌ها و تهدیدات مواجه می‌شود- و یا وادار به حرکت در مسیر ریل‌گذاری شده از سوی طرف غربی و بازی در زمین تعیین کننده نماید. انتخاب بد، ایران را به عنوان مقصر برهم خوردن مذاکرات، معرفی می‌کند و انتخاب بدتر زمینه‌ساز تحقق سناریوی تغییر می‌گردد.

■ سخن پایانی

توجه به چالش‌های پیش‌رو از هم‌اکنون می‌توان راهبردهای کارآمدی را بر مهار چالش‌های مذکور و عبور موفقیت‌آمیز از مذاکرات آتی تدوین و عملیاتی نمود. در ابتدا باید دید که خواست سلطه‌گران پیرامون برنامه هسته‌ای ایران چیست؟ جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده سپس امضاء توافق‌نامه ژنو در مصاحبه‌ای با ای.بی.سی. نیوز اظهار داشته است: «نظارت روزمره بر برنامه هسته‌ای ایران از همین امروز وجود خواهد داشت. ما در مورد برچیدن برنامه غنی سازی ایران صحبتی نکردیم، ولی این گام بعدی ماست».

همچنین دنیس راس، عضو ارشد شورای امنیت ملی آمریکا نیز اظهار نموده است: «حق غنی‌سازی به ایران، توهم ایرانیان است. تنها راه کاهش واقعی تحریم‌ها، عقب‌گرد در برنامه هسته‌ای و ایست کامل آن است.»^۱

با این تفاسیر به نظر می‌رسد ایجاد مطالبه‌ی پیشرفت علمی و «جنبش یا نهضت مقابله با ارتجاع علمی» می‌تواند راهبرد مؤثری با چالش‌های پیش‌رو باشد. مطالبه مذکور تبلور عزم و اراده‌ی آحاد مردم به‌ویژه فرهیختگان برای پیشرفت کشور و مزیت رقابتی مهمی در ایجاد پشتوانه برای تیم مذاکره کننده

۱ - مقاله دنیس راس، موسسه واشنگتن، ۴ آذر ۱۳۹۲ - ۲۵ نوامبر ۲۰۱۳:

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/how-to-think-about-obamas-deal-with-iran>

در دور آتی مذاکرات خواهد بود.

«آگاهی‌بخشی به آحاد مردم» و جامعه را در متن تحولات و اتفاقات قرار دادن نیز راهبرد دیگری است که نخبگان فکری و سیاسی، به‌ویژه جریان دانشجویی، می‌بایست به آن اهتمام جدی داشته باشند.

این مهم خود نیازمند رصد و پایش اتفاقات محدثه و تحولات پیش‌رو، پیرامون برنامه هسته‌ای است.

مراقبت از چارچوب و الگوی نرمش قهرمانانه بر پایه سه اصل عزت، حکمت و مصلحت و همچنین مطالبه‌گری پیرامون آن نیز سومین راهبردی است که می‌تواند مزیت آفرین برای دستگاه دیپلماسی کشور باشد.

در باب مذاکرات، سخن بسیار است و اما از حوصله این فصل خارج است. این نوشتار را با سخنانی از رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی» که روشنگر راه هدایت است، پایان می‌بریم: «این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد... فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر... منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوش‌بین نیستیم. من فکر نمی‌کنم از این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید. اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کاری کنند، قرص و محکم حمایت می‌کنیم اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغات‌چی‌های مواجب بگیر دشمن و بعضی از تبلیغات‌چی‌های بی‌مزد و مواجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند... مراقب باشید لبخند فریب‌گرانه شما را دچار اشتباه نکند.»^۱

فصل ۷ آینده پژوهی و واکاوی سناریوهای آتی مذاکرات هسته‌ای

مقدمه

رمزگشایی از اقدامات اخیر آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی در تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران و ترسیم سناریوهای ممکن پیرامون آینده مذاکرات هسته‌ای، مستلزم فهم جنگ ادراک است. جنگ ادراکی از لایه‌های جنگ نرم و بخش از جنگ‌های هوشمندانه و هنرمندانه و مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است شامل دیپلماسی رسمی، دیپلماسی عمومی، فریب استراتژیک، جنگ اطلاعاتی و جنگ روانی استراتژیک. این جنگ برای پذیرش، باور و یا رد اطلاعات، نشانه‌ها و تصاویر به مشاهده‌گران

آماج به اجرا در می‌آید.

مخاطب آماج در جنگ ادراکی عموماً نخبگان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان کشور هدف را شامل می‌شود.

هدف جنگ ادراکی تأثیرگذاری بر انگیزه‌ها، استدلال‌ها و ارزیابی‌های راهبردی نخبگان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان مورد نظر است. جنگ ادراکی از یک سو می‌تواند سیستم‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور آماج را مختل کند و از سوی دیگر با وادار نمودن آنان به ارزیابی و محاسبه مجدد پیرامون اهداف و منافع ملی، نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور هدف را دچار اشتباه محاسباتی نماید.

در جنگ ادراکی با تصویرسازی و ایجاد استدلال‌های به ظاهر واقعی و منطقی برای مخاطبین، به گونه‌ای فضا سازی بر روی نخبگان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان جامعه هدف انجام می‌شود که آنان در عین وادار شدن به اشتباه محاسباتی و انجام بازی باخت، تصور می‌کنند که در حال پیروز شدن هستند یا به پیروزی دست یافته‌اند.

در این فصل سعی بر آن است که سناریوهای ممکن پیرامون آینده مذاکرات هسته‌ای، در چارچوب جنگ ادراکی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس علاوه بر توضیحاتی که در مقدمه پیرامون جنگ ادراک ارائه شد، در ادامه به ناچار می‌بایست برای کمک به اذهان مخاطبان، توضیح مختصری پیرامون سناریوسازی و روش تدوین سناریو ارائه گردد.

■ آشنایی مختصر با سناریوسازی

پیش‌بینی‌های راهبردی ناظر بر وقوع رخدادها و رویدادهای آینده هستند که از برآیند بررسی‌های راهبردی به دست می‌آید. پیش‌بینی‌های راهبردی بخشی از فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است که

از طریق سناریوها شاکله بندی می‌گردند و آنگاه سناریوها می‌توانند پاسخ‌های محتمل و ممکن را -به وضعیت‌هایی که متغیرهای آن هنوز رخ نداده‌اند- بدهد.

در واقع سناریوها به اتاق‌های فکر و سامانه‌های اطلاعاتی کمک می‌کند تا بتواند پاسخ‌های لازم را به سؤالات زیر پیرامون وضعیت‌های آینده بدهند:

- ۱- آن چه ممکن است رخ بدهد چیست؟
 - ۲- چه ویژگی‌هایی دارد؟
 - ۳- چه عواملی در پدید آوردن آن پدیده موثرند؟
 - ۴- چه عناصری در ترکیب آن پدیده و قوام آن دخیل هستند؟
 - ۵- این پدیده در چه شرایطی رخ خواهد داد؟
- سناریو توصیفی است از آن چه که ممکن است در آینده به وجود آید و مبتنی بر مجموعه‌ای از مفروضات است که به طور ذاتی و درونی سازوار هستند.

سناریوها دارای سه رکن هستند:

الف) محیط سناریو؛ شامل مجموعه عوامل و شرایطی است که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در شکل‌گیری یک پدیده و یا رشد آن موثر هستند. بازیگران سناریو در حقیقت عناصر و پیشرانانی هستند که در شکل‌گیری رویدادها و رخدادها موثر واقع می‌شوند.

ب) بازیگران سناریو: قلب سناریو است که به پیکربندی و ساختاربندی سناریوها کمک می‌کند.

ج) منطق سناریو: کشف ارتباط منطقی میان عوامل محیطی و عناصر

موثر در سناریو است.

■ روش تدوین سناریو

برای سناریوسازی می‌بایست به گام‌های زیر توجه داشت.

گام اول: تعریف موضوع یا تصمیم‌های کلیدی

گام دوم: شناسایی عواملی که بیشترین تأثیر را بر پیامد تصمیم شناخته شده دارند.

گام سوم: شناسایی نیروهای محیطی

گام چهارم: تحلیل عوامل محیطی

گام پنجم: روایت و منطق دهی به سناریوهای ممکن

گام ششم: بررسی منطق سناریوهای ممکن

گام هفتم: بررسی محتمل‌ترین سناریو و مشخص نمودن سناریوی مطلوب

گام هشتم: تحلیل محتوا و پیامدهای سناریوها بر راهبردها و تصمیم‌ها

■ سناریوهای ممکن پیرامون مذاکرات هسته‌ای

بر اساس متغیر جنگ ادراکی و تأثیر آن بر چشم‌انداز آینده مذاکرات هسته‌ای و شناسایی عواملی که بیشترین تأثیر را در روند آینده دارند و همچنین شناسایی و تحلیل نیروها و عوامل محیطی در موضوع مذاکرات هسته‌ای سه سناریو را می‌توان برای آینده مذاکرات هسته‌ای پیش‌بینی نمود.

■ سناریوی اول: کارشکنی در رفع برخی تحریم‌ها و تشدید فشارها و تحریم‌ها

بر اساس تحلیل عوامل محیطی و بازیگران موثر بر سناریو و همچنین متغیر جنگ ادراکی، سناریوی اول را این گونه می‌توان روایت و منطق دهی نمود که آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی به تعهدات اندک و محدودی که برای آزاد کردن کمی از پول‌های بلوکه شده داده‌اند به صورت کامل عمل نمی‌کنند و علاوه بر کارشکنی در رفع برخی از تحریم‌ها، موردی عمل خواهند کرد. آنان در این سناریو فشارها را تشدید و تحریم‌های جدیدی را نیز علیه جمهوری اسلامی ایران وضع خواهند نمود.

در چارچوب این سناریو آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی با فضاسازی رسانه‌ای و دیپلماتیک، ایران را متهم به عدم همکاری پیرامون توافق نامه ژنو می‌نمایند.

در بررسی منطقی سناریو می‌توان گفت طرف غربی بر این انگاره است که فشار تحریم‌ها بر انتخابات ریاست جمهوری ایران تأثیرگذار بوده و دولت جدید نیز در چارچوب جنگ ادراکی به پای میز مذاکره آمده است. از این رو با تشدید فشارها و تحریم‌ها می‌توان امتیازات بیشتری از ایران مطالبه کرد و در مقابل آنان نیز به دلیل احساس نیاز جدی به رفع تحریم‌ها نه تنها میز مذاکره را ترک نخواهند کرد بلکه مجبور به واگذاری امتیازات بیشتری خواهند شد و در نهایت می‌توان از این رهگذر با ایران به توافق جامع دست یافت.

تأمل در برخی از مواضع و اظهارات مقامات آمریکایی و اروپایی می‌تواند در منطق دهی سناریوی اول کمک بیشتری نماید که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

پس از نخستین دور از مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ در دولت

یازدهم در نیویورک (مهرماه ۱۳۹۲) خانم وندی شرمن، مسئول تیم مذاکره کننده آمریکایی، در ۲۸ مهرماه طی مصاحبه‌ای با سی.ان.ان ارزیابی خود را از تیم جدید هسته‌ای ایران این‌گونه بیان می‌کند: «از نظر من آن چیزی که در این دور متفاوت بود، این است که دولت ایران با دستور کار اعتدال، دستور کار تغییرات اقتصادی و خلاصی از تحریم‌ها و پرداختن به نگرانی جامعه بین‌الملل برای تضمین آینده اقتصادی بهتر توسط مردم انتخاب شده است.»^۱

وندی شرمن در جلسه‌ای دیگر نتیجه ارزیابی‌های خود را درباره شرایط جدید به کنگره آمریکا این‌گونه گزارش می‌کند: «این واقعیت است که تحریم‌ها یک مسئله کلیدی در انتخابات ایران بود و این که مقام‌های ایران اکنون به صراحت درباره آرزوی خود برای رفع تحریم‌ها صحبت می‌کنند اهمیت این معماری [تحریم‌ها] را تقویت می‌کند.»

در این اثناء اظهارات مقام بلند پایه دولت، مبنی بر «خالی بودن خزانه دولت»، علاوه بر اینکه به ارزیابی راهبردی طرف غربی در اثربخشی تحریم‌ها و جنگ ادراکی علیه ایران کمک شایانی نمود، قدرت‌های سلطه گر را برای تکوین سناریوی اول امیدوارتر نمود.

از دیگر نکاتی که تحقق سناریوی اول را با متغیر جنگ ادراکی برای طرف آمریکایی و اروپایی به واقعیت نزدیک می‌سازد عبارت است از:

- پذیرفتن متن توافق نامه ژنو با ساختار مهندسی شده و گنجانده شدن عباراتی در متن توافق نامه ژنو که تیم مذاکره کننده آمریکایی بر روی آن‌ها اصرار و تاکید داشت.

- در این راستا می‌توان به جمله وندی شرمن در ۲۲ مهرماه ۹۲ (یک

روز قبل از مذاکرات ۵+۱ با ایران) اشاره نمود. وی دستورالعمل کشورش برای مذاکره با ایران را این گونه برشماری کرد: «ما به دنبال توافقی هستیم که نهایتاً همه نگرانی‌های جامعه بین‌المللی از جمله تمکین ایران از قطع‌نامه‌های شورای امنیت و مسئولیت‌های ایران طبق ان.ا.پی.تی را رفع نماید.»

– سخاوتمندی تیم مذاکره کننده در واگذاری تقریباً اکثر مزیت‌های رقابتی ایران برای به توافق رسیدن در ژنو که این مسئله مورد اذعان خاویر سولانا مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز قرار گرفت.

– تصویب تحریم‌های جدید اروپایی و آمریکایی علیه ایران و تلاش تیم دیپلماتیک کشورمان برای توجیه تحریم‌های جدید و هم‌چنان مثبت نشان دادن فضا فی‌مابین.

■ سناریوی دوم: پای‌بندی به توافقات و عمل به

تکالیف و تعهدات از سوی طرفین

این سناریو در حقیقت خوش‌بینانه‌ترین سناریوی ممکن خواهد بود. فرضیه این سناریو بر اساس اعتماد و عمل به تکالیف و تعهدات از سوی دو طرف استوار است.

بر این اساس، سناریوی دوم را این گونه می‌توان روایت نمود که طرفین توافق‌نامه با اعتماد به یکدیگر و پای‌بندی به توافقات صورت پذیرفته، به تکالیف و تعهدات خود عمل می‌نمایند و طی یک بازه زمانی شش‌ماهه یا یک‌ساله به یک توافق جامع دست می‌یابند.

در بررسی این سناریو نمی‌توان سازواری بین محیط سناریو و بازیگران مؤثر در آن برقرار کرد، زیرا تصویب تحریم‌های جدید اروپایی و آمریکایی، آن هم تنها چند روز پس از توافق‌نامه ژنو و همچنین اظهارات و مواضع

مقامات غربی، عملاً تحقق این سناریو را به صفر نزدیک می‌سازد. در این رابطه می‌توان به اظهارات جان کری، وزیر خارجه آمریکا، اشاره داشت وی گفته است: «آمریکا با توجه به تاریخچه فریبکاری ایرانی‌ها، همچنان به آن‌ها بی‌اعتماد است»^۱.

همچنین خانم وندی شرمن در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنای آمریکا اظهار می‌دارد: «تحریم‌های مربوط به حقوق بشر و فعالیت‌های تروریستی آن‌ها [ایران] هنوز روی میز است. این یعنی آن‌ها باید در حوزه حقوق بشر پیشرفت‌های قابل توجهی داشته باشند، باید دست از حمایت تروریسم برداشته و اقدامات خود مبنی بر بی‌ثبات کردن منطقه و دیگر بخش‌های جهان را متوقف کنند»^۲.

البته سابقه موضوع نیز بر بی‌اعتمادی و عمل نکردن به تعهدات از سوی طرف غربی دلالت دارد. در طی سال‌های ۸۲ تا ۸۴ توقف فعالیت‌های هسته‌ای برای مدت طولانی آن‌هم به صورت داوطلبانه و پذیرش نظارت کامل آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بخش‌هایی از گام اعتمادساز جمهوری اسلامی ایران بود که با پاسخ سلطه‌گرایانه و استعماری طرف آمریکایی و اروپایی مواجه شد.

■ سناریوی سوم: زدن به زیر میز مذاکرات

بر اساس شناسایی عواملی که بیشترین تأثیر را بر پیامد تصمیم‌های شناخته شده دارند و همچنین تحلیل عوامل محیطی، سناریوی سوم این چنین روایت می‌گردد که پس از برخورد طرفین به موانع بی‌اعتمادی،

1 - <http://www.nasimonline.ir/NSite/FullStory/News/?Id=707738>

۲ - به نقل از سی‌اسپن (C-SPAN):

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/270994>

یکی از طرفین یا هر دو به زیر میز بازی بزنند و عملاً مذاکرات به هم بخورد.

در منطقی‌دهی به این سناریو به نظر می‌رسد پرداخت هزینه‌های این سناریو برای طرفین دشوار خواهد بود زیرا نتیجه آن به شکل‌گیری سه‌گانه‌ی مورد نظر رژیم صهیونیستی، لابی صهیونیستی و جمهوری خواهان در آمریکا مبنی بر «فشار، تحریم و تهدید» خواهد انجامید.

البته بر اساس متغیر جنگ ادراکی سناریوی سوم کارکرد خاصی خواهد داشت این سناریو می‌تواند به مثابه چماق هراس‌انگیز از یک سو در قالب جنگ روانی استراتژیک و فریب استراتژیک، ضریب موفقیت سناریوی اول را به شدت افزایش دهد و از سوی دیگر برخی افراد را در داخل کشور دچار اشتباه محاسباتی نموده و امتیازدهی به سلطه‌گران را عین مصلحت‌گرایی تفسیر و توجیه نمایند.

در راستای جنگ ادراکی و افزایش ضریب موفقیت سناریوی اول، جان کری در جلسه کنگره آمریکا می‌گوید در صورت تخطی ایران از توافق‌نامه نامه ژنو حمله نظامی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

البته این سناریو می‌تواند دارای کارکرد امنیتی برای بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران نیز باشد که در بحث بررسی محتمل‌ترین سناریو و تحلیل کلی به آن پرداخته خواهد شد.

■ بررسی محتمل‌ترین سناریو و تحلیل کلی

به نظر می‌رسد با بررسی عوامل محیطی، عناصر مؤثر بر سناریو و منطق سناریوهای ذکر شده از یک سو و ارزیابی‌های راهبردی آمریکا از اثربخشی جنگ ادراکی علیه نخبگان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان جامعه آماج در ایران -به‌ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم- سناریوی

اول برای طرف آمریکایی و اروپایی از امکان تحقق بیشتری نسبت به سناریوی سوم برخوردار خواهد بود. البته سناریوی سوم هم‌چنان که ذکر شد می‌تواند در نقش سناریوی مکمل به افزایش ضریب موفقیت سناریوی اول کمک مؤثری نماید.

در تحلیلی کلی به نظر می‌رسد ترکیبی از سناریوی اول و سناریوی سوم که دربرگیرنده جنگ ادراکی تمام عیار است در نهایت به عنوان یک سناریوی هوشمند و پویا به فاز اجرا منتقل خواهد شد.

عملیاتی شدن این سناریوی ترکیبی و تحقق آن به کمک پیشران‌های داخلی و خارجی، علاوه بر مهار نظام اسلامی، زمینه‌ساز تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران گردد.

در عین حال این احتمال وجود خواهد داشت چنانچه در کمتر یا بیشتر از مهلت معین شده در توافق‌نامه ژنو، سناریوی ترکیبی نتواند فرآیند تغییر رفتار جمهوری اسلامی را رقم بزند، پروژه بی‌ثبات‌سازی ایران با الهام‌گیری از مدل اخیر اوکراین در وادار ساختن دولت این کشور به خواسته‌های طرف آمریکایی و اروپایی از طریق بی‌ثبات‌سازی این کشور توسط شبکه‌های سازماندهی شده در دستور کار قرار گیرد.

در این ارتباط شواهد و قرائن زیر می‌بایست بیش از پیش مورد توجه دلسوزان نظام و معتقدان به منافع ملی قرار گیرد:

- دیدار نماینده پارلمان اروپا با فتنه‌گران
- تمهیدات نسبتاً گسترده فتنه‌گران در فعال‌سازی شبکه‌های مدیریتی و دانشجویی خود در دانشگاه‌ها
- قبح‌زدایی از شبکه‌های اجماعی ضد نظام و فعال در فتنه، اعتباربخشی به این شبکه‌ها و ارتقاء ظرفیت آن‌ها.

- پرداختن طرف غربی به موضوع حقوق بشر در ایران و طرح موضوع حقوق شهروندی در داخل کشور

■ نرمش قهرمانانه؛ سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی

در این میان آنچه مطلوب جمهوری اسلامی ایران است، سناریوی مبتنی بر «نرمش قهرمانانه» است که از سوی نظام اسلامی برای مقابله با توطئه‌های نظام سلطه و تقویت انسجام ملی در دستور کار قرار گرفته است.

نرمش قهرمانانه، به مفهوم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کنار نظام سلطه و استکبار جهانی و یا تسلیم شدن در برابر زیاده‌خواهی دشمن نیست. این تاکتیک خوانشی از اصول کلی «عزت، حکمت و مصلحت» است که در جهت خنثی‌سازی سناریوی دشمن در ایجاد شکاف ملی و با هدف فرصت‌سازی جهت پی‌بردن به ماهیت دشمن و لزوم بی‌اعتمادی و اهمیت توجه به ساخت اقتدار درون‌زا است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی» «عرصه سیاست خارجی میدان نرمش قهرمانانه است، اما نرمشی که در برابر دشمن تیز باشد. بنابراین دیپلمات‌های ما باید در موضع اصولی خود، مستحکم بایستند و استقامت و پایداری حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، را الگوی خود قرار دهند».^۱

این فصل را با سخنی هوشمندانه و گران‌قدر از رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» به پایان می‌بریم: «راه موفقیت این است که در مقابل دشمن، انسان یک قدم هم عقب‌نشینی نکند؛ و الاً یک قدم

۱ - دیدارمسوولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران با رهبر انقلاب، ۱۷ مرداد ۱۳۷۵

عقب‌نشینی در مقابل دشمن، موجب تشجیع دشمن در چنگ انداختن و دست انداختن می‌شود ... بدانید ملت ایران و مسئولین کشور بعد از این هم در مقابل باج‌خواهی و فشار دشمنان، یک قدم عقب‌نشینی نخواهند کرد.»^۱

پیوست ۱ ترجمه کامل متن توافق نامه ژنو ۳

برنامه اقدام مشترک ۱

■ مقدمه

هدف از این مذاکرات دست یافتن به راه‌حلی مورد توافق دو طرف، جامع و بلند مدت است که این اطمینان را به وجود می‌آورد که برنامه هسته‌ای ایران، منحصراً صلح‌آمیز است. ایران کراراً تصریح کرده است که تحت هیچ شرایطی در پی تولید تسلیحات هسته‌ای نخواهد بود. راه حل جامع مذکور مبتنی بر این اقدامات اولیه بوده و به یک گام نهایی منجر خواهد شد که دوره زمانی آن مورد توافق قرار گرفته و به رفع نگرانی‌ها می‌انجامد. این راه‌حل جامع ایران

۱ - این متن، ترجمه متن منتشر شده توافقنامه است که توسط سایت «ایران هسته‌ای» انجام گرفته است و به نظر می‌رسد در میان ترجمه‌های فارسی موجود این متن دقیق‌ترین ترجمه باشد. لازم به ذکر است ترجمه دیگری توسط وزارت امور خارجه کشورمان منتشر شده که مقایسه آن با متن اصلی انگلیسی نشانگر برخی اشکالات ترجمه رسمی وزارت خارجه است. همچنین پینوشتهای انتهای متن در ترجمه وزارت امور خارجه موجود نیست.

را قادر می‌سازد تحت مفاد مربوطه در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان‌پی‌تی) و برابر با تعهداتی که این مفاد برای این کشور ایجاب می‌کند، از حق بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز برخوردار شود. این راه‌حل جامع، در برگیرنده یک برنامه غنی‌سازی مورد توافق دو طرف است، که با اِعمال محدودیت‌ها و اقدامات شفاف‌ساز به منظور حصول اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز آن، همراه خواهد بود. این راه‌حل جامع، به مثابه مقوله‌ای یکپارچه است که در آن هیچ چیز مورد توافق نخواهد بود تا زمانی که در مورد همه چیز توافق صورت گیرد. این راه‌حل جامع، فرایندی دوسویه و گام به گام خواهد بود و منجر به برداشته شدن کامل همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و نیز تحریم‌های چند جانبه و ملی‌ای خواهد شد که بر برنامه هسته‌ای ایران وضع گردیده بود.

در فاصله میان گام‌های اولیه و گام آخر، گام‌های دیگری از جمله پرداختن به قطع‌نامه‌های شورای امنیت با هدف پایان رضایت بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود خواهد داشت. سه کشور اروپایی / اتحادیه اروپا به اضافه سه (۳+۳ یا ۵+۱) و ایران مسئول نهایی کردن و اجرای قدم‌های مورد توافق میان - مدت و راه حل جامع با حسن نیت خواهند بود. یک کمیسیون مشترک از ۳+۳ و ایران برای نظارت بر اجرای اقدامات میان مدت و بررسی مسائلی که ممکن است پدید آیند، تشکیل خواهد گردید، در حالی که آژانس مسئولیت راستی آزمایی اقدامات مربوط به موضوع هسته‌ای را بر عهده خواهد داشت. این کمیسیون مشترک برای تسهیل حل و فصل مسائل مورد نگرانی گذشته و حال با آژانس همکاری خواهد کرد.

■ عناصر گام اول

اولین گام به لحاظ زمانی محدود و طول مدت آن شش ماه خواهد بود و در صورت توافق دو طرف قابل تمدید است، که در طول این مدت همه اطراف ماجرا تلاش

خواهند کرد تا فضای سازنده برای انجام مذاکرات با حسن نیت، پابرجا باقی بماند. ایران به صورت داوطلبانه اقدامات زیر را در دستور کار قرار خواهد داد:

. نیمی از ذخیره اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده موجود، به اکسید اورانیوم ۲۰ درصد تبدیل می‌شود تا به منظور تولید سوخت برای رآکتور پژوهشی تهران، مورد استفاده قرار گیرد. مابقی UF6 ۲۰ درصد به اورانیوم با غنای کمتر از ۵ درصد تبدیل می‌شود. هیچ‌گونه برنامه‌ای هم برای بازگشت این فرایند در کار نخواهد بود. ایران اعلان می‌کند که در طول این بازه ۶ ماهه، غنی سازی بالای ۵ درصد نخواهد داشت.

. ایران اعلان می‌کند که فعالیت‌های خود در تأسیسات غنی سازی سوخت نطنز(۱)، فردو(۲) یا رآکتور اراک(۳)، که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عنوان IR-40 شناخته می‌شود، گسترش (further advances) نخواهد داد.

. ایران تصمیم گرفته است به محض آمادگی خط تبدیل UF6 با غنای ۵ درصد به UO2، ظرف مدت همین بازه ۶ ماهه، آن میزان UF6 را که به تازگی تا ۵ درصد غنی شده است را به اکسید UF6 تبدیل کند؛ مطابق با آنچه که در برنامه عملیاتی تأسیسات تبدیل اعلان شده به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ذکر شده است. تأسیسات جدیدی برای غنی سازی ایجاد نخواهد شد.

. ایران به فعالیت‌های تحقیق و توسعه تحت نظارت خود ادامه خواهد داد، از جمله فعالیت‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای در عرصه غنی سازی که برای انباشت اورانیوم غنی شده، طراحی نشده‌اند.

. هیچ‌گونه بازفرآوری صورت نخواهد گرفت و هیچ گونه تأسیساتی که قادر به انجام بازفرآوری است، ایجاد نخواهد شد.

. افزایش نظارت:

- فراهم کردن اطلاعاتی مشخص برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از جمله

اطلاعات مربوط به طرح و نقشه‌های ایران برای تأسیسات هسته‌ای، توصیف و شرحی کامل از ساختمان هر یک از سایت‌های هسته‌ای، توصیف و شرحی کامل از گستره عملیات‌های هر یک از تأسیساتی که به طور خاص به فعالیت‌های هسته‌ای مشغول هستند، اطلاعات در مورد معادن و شرکت‌های نورد اورانیوم و اطلاعات در مورد مواد منبع، این اطلاعات ظرف مدت ۳ ماه پس از پذیرش انجام این اقدامات، فراهم می‌گردد.

- تسلیم یک پرسشنامه اطلاعات طراحی (DIQ) به روز شده از رآکتور اراک، که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عنوان IR-40 شناخته می‌شود، به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

- برداشتن گام در جهت توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به منظور اعمال پادمان‌های آژانس در مورد رآکتور اراک، که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عنوان IR-40 شناخته می‌شود.

- در هنگامی که بازرسان آژانس برای تأیید اطلاعات طراحی، تأیید داشته‌ها در خلال بازرسی‌ها، تأیید داشته‌های فیزیکی و نظارت‌های سرزده، حضور ندارند، ناظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه خواهد داشت تا بایگانی آفلاین دوربین‌های مستقر در فردو و نطنز را بررسی کند.

- بازرس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دارد به وارد زیر دسترسی داشته باشد:

. کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ (۴)

. کارگاه‌های تولید چرخنده سانتریفیوژ و تأسیسات ذخیره سازی؛ و

. معادن و شرکت‌های نورد اورانیوم.

در مقابل، گروه E3+3 به صورت داوطلبانه اقدامات زیر را در پیش خواهد گرفت:

. متوقف ساختن تلاش‌های بیشتر برای کاهش فروش نفت خام ایران به منظور فراهم آوردن اینکه مشتری‌های کنونی ایران حجم متوسط خرید نفت خام خود از

ایران را از سر گیرند. امکان بازگشت حجم مورد توافقی از عواید مسدود شده در خارج از کشور، برای این فرایند فروش نفت، تحریم‌های مربوطه اتحادیه اروپا و آمریکا برداشته خواهد شد و خدمات بیمه و حمل و نقل با آن همراه خواهد بود.

. تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در موارد زیر به حالت تعلیق درمی‌آید:

- صادرات پتروشیمی ایران و نیز تحریم‌های مربوط به خدمات مرتبط با این صادرات. (۵)

- طلا و فلزات گران‌بها و نیز تحریم‌های مربوط به خدمات مرتبط با آن‌ها.

- تحریم‌های آمریکا بر صنعت خودرو سازی ایران و نیز تحریم‌های مربوط به خدمات مرتبط با این صنعت به حالت تعلیق در خواهد آمد.

- صدور مجوز برای تأمین و استقرار قطعات یدکی لازم برای تأمین امنیت پروازهای غیر نظامی در ایران و خدمات مرتبط با آن. صدور مجوز برای انجام اقدامات بازرسی و تعمیرات مربوط به امنیت [پروازی] در ایران به همراه خدمات مرتبط با آن. (۶)

- هیچ تحریم جدیدی از طرف شورای امنیت سازمان ملل بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع نمی‌شود.

- هیچ تحریم جدید از طرف اتحادیه اروپا بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع نمی‌شود.

- دولت آمریکا، با همکاری مستمر و ایفای نقش متناسب رئیس‌جمهور و کنگره، مانع اعمال تحریم‌های جدید علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران خواهد شد.

- ایجاد یک کانال مالی به منظور تسهیل روابط تجاری بشردوستانه برای رفع نیازمندی‌های داخلی ایران، با استفاده از عواید نفتی خود ایران که در خارج از این کشور مسدود شده است. روابط تجاری بشردوستانه عبارت است از تراکشن‌های مربوط به محصولات خوراکی و کشاورزی، دارو، ادوات پزشکی و خسارات پزشکی که در خارج بر ایران تحمیل شده. این کانال از طریق بانک‌های مشخصی در خارج از

ایران و بانک‌های ایرانی که هدف تحریم‌ها نیستند، و در هنگام ایجاد این کانال مشخص خواهند شد، باز خواهد بود.

- این کانال همچنین اقدامات زیر را می‌سازد:

. انجام تراکنش‌های لازم برای پرداخت معوقات ایران به سازمان ملل؛ و

. پرداخت حق‌التدریس دانشگاه‌ها و کالج‌های خارجی که دانشجویان ایرانی در

آن‌ها تحصیل می‌کنند، تا سقف مدت زمان توافقی ۶ ماهه.

. افزایش آستانه اختیار اتحادیه اروپا برای انجام تراکنش‌های مربوط به روابط تجاری

تحریم نشده، به میزان مورد توافق.

■ مفاد اصلی گام نهایی برای رسیدن به یک راه‌حل جامع

گام نهایی برای رسیدن به یک راه‌حل جامع، که اطراف این توافق‌نامه قرار است ظرف مدت کمتر از یک سال پس از پذیرش این سند، کار مذاکرات آن را به اتمام رسانده و اجرای مفاد آن را آغاز کنند، از قرار زیر است:

. مشخص ساختن یک بازه زمانی بلند مدت و توافق بر سر آن.

. مشخص ساختن حقوق و تکالیف اعضای معاهده ان‌پی‌تی و توافق‌نامه‌های پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

. برداشته شدن کامل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، چند جانبه و ملی وضع شده علیه فعالیت‌های هسته‌ای، و نیز تحریم‌های مربوط به روابط تجاری، تکنولوژی، امور مالی و انرژی، بر اساس یک برنامه زمانی مورد توافق دو طرف.

. در پیش گرفتن یک برنامه غنی‌سازی مورد توافق دو طرف با در نظر گرفتن معیارهای منطبق بر نیازمندی‌های عملی و نیز اعمال محدودیت بر گستره و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت آن، محل انجام آن و ذخایر اورانیوم غنی شده، برای مدت زمان مورد توافق.

. بر طرف کردن کامل نگرانی‌های مربوط به رآکتور اراک، که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عنوان IR-40 شناخته می‌شود. هیچ‌گونه بازفرآوری انجام نخواهد شد و تأسیساتی که قادر به انجام بازفرآوری باشد، ایجاد نمی‌گردد.

. اجرای کامل اقدامات مورد توافق شفاف سازی و تقویت و افزایش نظارت‌ها. تصویب و اجرای پروتکل الحاقی، که نیازمند ایفای نقش رئیس‌جمهور و مجلس در ایران است.

. در نظر گرفتن همکاری بین‌المللی در عرصه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، از جمله تحصیل رآکتورهای پیشرفته تولید انرژی و پژوهشی آب سبک و ادوات مرتبط با آن‌ها و تأمین سوخت هسته‌ای مدرن و نیز ادامه فعالیت‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای مورد توافق.

در پی اجرای موفقیت‌آمیز گام نهایی برای رسیدن به راه‌حل جامع در طول بازه زمانی مشخص شده برای آن، با برنامه هسته‌ای ایران نیز همانند برنامه‌های غیر تسلیحاتی هسته‌ای دیگر کشورهای عضو ان‌پی‌تی برخورد خواهد شد.

. در خصوص گام نهایی و هر یک از گام‌های میانی، این اصل اساسی که «تا در مورد همه چیز توافق نشود، در خصوص هیچ چیزی توافق حاصل نشده است» اعمال می‌شود.

■ پی‌نوشت‌ها

(۱) به عبارت دیگر، در این بازه شش ماهه ایران UF6 را به سانتریفیوژهای مستقر شده ولی فعال نشده خود تزریق نخواهد کرد و اورانیوم غنی نمی‌سازد. هیچ سانتریفیوژ اضافی مستقر نمی‌شود. ایران اعلان می‌کند که در طول مدت اولین بازه شش ماهه، سانتریفیوژهای موجود [در این تأسیسات را] با سانتریفیوژهای مشابه جایگزین می‌سازد.

(۲) در فردو، چهار آبشار مستقر شده در این تأسیسات برای غنی‌سازی اورانیوم،

هیچ گونه غنی سازی بالاتر از ۵ درصدی را انجام نخواهند داد. هیچ گونه UF6 به ۱۲ آبشار دیگر تزریق نمی شود و این آبشارها در حالت غیر عملیاتی باقی خواهند ماند. هیچ ارتباطی میان آبشارها ایجاد نمی گردد. ایران اعلان می کند که در طول اولین بازه شش ماهه، سانتریفیوژهای موجود در این تأسیسات را فقط با سانتریفیوژهای مشابه جایگزین می کند.

(۳) ایران نگرانی های مربوط به ساخت و ساز در رآکتور اراک را بر طرف می کند؛ در مدت این بازه ۶ ماهه رآکتور به کار نخواهد افتاد یا سوخت یا آب سنگین به آن تزریق نمی شود؛ همچنین سوخت اضافی برای این رآکتور مورد آزمایش قرار نمی گیرد یا سوخت بیشتری برای آن تولید نمی شود و همچنین تأسیسات باقی مانده برای اتمام کار نیروگاه، استقرار پیدا نمی کند.

(۴) بر اساس طرح و نقش های این کارگاه، تولید دستگاه سانتریفیوژ ایران در طول این ۶ ماه فقط محدود به جایگزینی سانتریفیوژهای از کار افتاده خواهد بود.

(۵) «تحریم های وضع شده بر خدمات مرتبط» یعنی هر گونه خدماتی که موضوع تحریم های آمریکا یا اتحادیه اروپا قرار می گیرند، از جمله بیمه، حمل و نقل یا امور مالی، تا زمانی که هر یک از این خدمات مرتبط با تحریم وضع شده بوده و برای تسهیل تراکنش های مدنظر، ضروری باشند. این خدمات می توانند با هر نهاد ایرانی که هدف تحریم ها قرار نگرفته است، صورت پذیرند.

(۶) برداشته شدن تحریم ها می تواند شامل حال آن دسته از شرکت های خطوط هوایی ایرانی شود که هدف تحریم قرار نگرفته اند؛ همچنین این رفع تحریم شامل حال ایران ایر می شود.

پیوست ۲ تفسیر رسمی آمریکا از توافق نامه ژنو

بیانیه کاخ سفید درباره توافق نامه ژنو^۱

گروه ۵+۱ (ایالات متحده، انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه، چین و با همیاری اتحادیه اروپا) با هدف رسیدن به یک راه حل قابل قبول دیپلماتیک برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای وارد مذاکره جدی و فشرده با این کشور شد.

پرزیدنت اوباما به صراحت گفته است که رسیدن به یک راه حل که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌شود، در جهت منافع ملی آمریکاست. امروز گروه ۵+۱ و ایران به مجموعه‌ای از تفاهات اولیه دست یافتند که مانع

۱ - دفتر مطبوعاتی کاخ سفید روز شنبه ۲ آذر ۱۳۹۲ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۳) با انتشار یک برگه اطلاعات «fact sheet» بسیار مشروح به تفصیل، دیدگاه دولت آمریکا و تفسیر آن از توافق ژنو را بیان کرده است. به سبب اهمیت این متن، ترجمه نسخه کامل جهت اطلاع خوانندگان در اینجا آورده شده است.

پیشرفت برنامه هسته‌ای می‌شود و ابعاد کلیدی آن را به عقب می‌رانند. این تفاهم، اولین محدودیت‌های معناداری است که ایران طی یک دهه گذشته در برنامه خود پذیرفته است.

۶ ماه آغازین، شامل اعمال محدودیت‌های مهم در برنامه هسته‌ای ایران است که باید به تدریج فوری‌ترین نگرانی‌های ما را از جمله توانمندی غنی سازی ایران، ذخایر کنونی اورانیوم غنی شده‌اش، تعداد و توانمندی‌هایش در زمینه سانتریفیوژها و توانایی‌اش در تولید پلوتونیوم در رآکتور اراک برطرف سازد.

امتیازاتی که ایران به عنوان بخشی از این قدم اولیه تعهد کرده است، شفافیت بیشتری فراهم می‌کند و امکان بازرسی‌های سرزده از برنامه هسته‌ای‌اش را ایجاد می‌نماید. در گذشته، نگرانی این بود که ایران از مذاکرات برای وقت کشی و پیشبرد برنامه‌اش استفاده می‌کند. اما این اقدامات کمک خواهد کرد وقتی برای رسیدن به یک توافق جامع بلند مدت مذاکره می‌کنیم، ایران بتواند از سپر مذاکرات برای پیشبرد برنامه هسته‌ای‌اش استفاده کند.

در عوض، به عنوان بخشی از اقدامات اولیه، گروه ۵+۱ تحریم‌های ایران را به صورت محدود، موقت، هدفمند و قابل برگشت لغو خواهد کرد. این کاهش تحریم به گونه‌ای سازماندهی می‌شود که بخش عمده شبکه تحریم از جمله تحریم‌های کلیدی در بخش نفت، بانکی و مالی پابرجا بماند.

گروه ۵+۱ با قاطعیت به اجرای این تحریم‌ها ادامه می‌دهد. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند، ما لغو محدود را متوقف می‌کنیم و تحریم‌های جدید وضع خواهیم کرد.

گروه ۵+۱ و ایران همچنین پارامترهای کلی یک توافق‌نامه جامع را نیز که برنامه هسته‌ای ایران را در بلند مدت محدود می‌سازد، در خصوص صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به جامعه جهانی اطمینان می‌دهد و ما را مطمئن می‌سازد که هر گونه تلاش ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای

فوراً شناسایی می‌شود، بحث و تبادل نظر کرده‌اند.

مجموعه تفاهمات حاصل شده همچنین شامل اذعان ایران به پیروی از همه قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل (که ایران همیشه ادعا کرده است غیرقانونی‌اند) و برطرف کردن مسائل گذشته و حال هسته‌ای است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آن‌ها را شناسایی کرده است.

این شامل حل و فصل مسائل مربوط به ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران از جمله فعالیت‌ها در مرکز پارچین است.

به عنوان بخشی از یک راه حل جامع، ایران همچنین باید به همه تعهدات خود در معاهده ان پیتی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمل کند. در خصوص یک راه حل جامع، تا زمانی که درباره همه مسائل توافق نشود، توافق صورت نمی‌گیرد.

به عبارت ساده‌تر، این قدم اول بعد از ۶ ماه متوقف می‌شود و به مثابه یک راه حل قابل قبول نهایی برای آمریکا و دیگر شرکایش در گروه ۵+۱ نخواهد بود.

توقف پیشروی برنامه ایران و عقب نشینی بخش‌های کلیدی

ایران متعهد شده است غنی سازی بیش از پنج درصد را متوقف کند:

کلیه فعالیت‌های غنی سازی بالاتر از پنج درصد را متوقف کند و تجهیزات فنی لازم برای غنی سازی بالاتر از پنج درصد را برچیند.

ایران تعهد کرده است ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را خنثی سازی کند:

سطح ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را به زیر پنج درصد برساند یا آن را قبل از پایان مرحله اول، به شکلی تبدیل کند که مناسب غنی سازی بیشتر نباشد.

ایران تعهد کرده است که پیشروی در فعالیت‌های غنی سازی خود را متوقف کند:

سانتریفیوژهای جدید از هیچ مدلی نصب نکند

از سانتریفیوژهای نسل جدید برای غنی سازی استفاده نکند

نیمی از سانتریفیوژهای نصب شده در نطنز و سه چهارم دستگاه‌های نصب شده در فردو را غیرفعال نگه دارد به طوری که امکان استفاده از آنها برای غنی سازی وجود نداشته باشد

ساخت سانتریفیوژ را فقط برای جایگزین کردن دستگاه‌های آسیب دیده ادامه دهد

از این رو ایران طی شش ماه آینده قادر نخواهد بود به ذخایر اورانیوم غنی شده خود بیفزاید.

تأسیسات غنی سازی جدید نسازد.

ایران تعهد کرده است پیشروی در زمینه تولید ذخایر اورانیوم ۵/۳ درصدی را متوقف کند:

ذخایر اورانیوم ۵/۳ درصدی خود را افزایش ندهد، بدین ترتیب به مقدار ذخایر در پایان ۶ ماه افزوده نمی‌شود و تولیدات جدید نیز به شکل اکسید در می‌آید.

ایران تعهد کرده است که به پیشروی در فعالیت‌های رآکتور اراک ادامه ندهد و مسیر تولید پلوتونیوم را متوقف کند. ایران متعهد شد که:

رآکتور اراک را راه اندازی نکند

سوخت وارد رآکتور اراک نکند

تولید سوخت برای رآکتور اراک را متوقف کند

دیگر آزمایش‌های سوخت برای این رآکتور انجام ندهد

قطعات دیگر در رآکتور اراک نصب نکند

سوخت و آب سنگین به محل این رآکتور منتقل نکند
مرکز ویژه بازفرآوری نساژد. ایران بدون بازفرآوری نمی‌تواند پلوتونیوم را
از سوخت مصرف شده جدا کند.

■ شفافیت بی سابقه و بازرسی‌های سرزده از برنامه هسته‌ای ایران

ایران متعهد شد که:

دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به نطنز و فردو
فراهم کند. این دسترسی روزانه به بازرسان امکان می‌دهد دوربین‌های
نظارتی را بازمینی کنند و از نظارت جامع و گسترده اطمینان حاصل کنند. این
نوع دسترسی حتی باعث می‌شود فعالیت‌های غنی سازی در این سایت‌ها
شفاف تر شود و زمان شناسایی هر گونه تخلف و عدم همکاری کوتاه‌تر شود.

دسترسی آژانس به تأسیسات مونتاز سانتریفیوژ را فراهم کند.

دسترسی آژانس را به تولید قطعات چرخان سانتریفیوژ و تأسیسات انبار
فراهم کند.

دسترسی آژانس را به معادن و آسیاب‌های اورانیوم فراهم کند.

نقشه اطلاعات رآکتور اراک را که آژانس از مدت‌ها قبل به دنبال آن
است،

فراهم کند. این نقشه اطلاعات حساسی درباره ساختار رآکتور فراهم
می‌کند.

دسترسی مکرر بازرسان به رآکتور اراک را فراهم کند.

اطلاعات خاص و حساس از توافقی پادمان‌های آژانس و کد اصلاح شده
۳،۱ را که پروتکل الحاقی خواستار آن است، ارائه کند.

■ ساز و کار راستی آزمایی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت انجام بسیاری از موارد ساز و کار سنجش صحت امر به کار گرفته خواهد شد و این وظیفه را به طور موازی با نقش بازرسی در ایران انجام خواهد داد. به علاوه کشورهای ۵+۱ و ایران متعهد شده‌اند کمیسیون مشترک برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت نظارت بر فرآیند اجرایی و رسیدگی به مسایلی که ممکن است به وجود آید تشکیل دهند. کمیسیون مشترک همچنین با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلاش خواهد کرد روند حل و فصل نگرانی‌های گذشته و کنونی مرتبط با برنامه اتمی ایران، از جمله وجوه نظامی احتمالی این برنامه و فعالیت‌های تأسیسات پارچین، را تسهیل نماید.

■ کاهش تحریم‌ها به شکل محدود، موقت و قابل بازگشت

در ازای این گام‌ها از سوی ایران کشورهای ۵+۱ امتیازهایی محدود، موقت، هدفمند و قابل بازگشت به ایران ارائه خواهند داد و در عین حال بخش اعظم تحریم‌های ما، از جمله تحریم نفت، نظام مالی و بانکی در جای خود باقی خواهند ماند. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند ما کاهش تحریم‌ها را ملغی اعلام خواهیم کرد. کشورهای ۵+۱ به طور اخص متعهد شده:

- در صورتی که ایران به تعهدات خود در این توافق عمل کند تا مقدار ممکن در نظام سیاسی کشورشان به مدت ۶ ماه تحریم جدیدی علیه ایران تصویب نکند.
- موارد خاص تحریم بر طلا و فلزات گران‌بها، بخش خودروسازی ایران، و صادرات محصولات پتروشیمی را به حالت تعلیق در آورد، که این امر به طور بالقوه نزدیک به ۵/۱ میلیارد دلار برای ایران عایدات دارد.
- مجوز بازرسی‌ها و تعمیرات مرتبط با ایمنی در داخل ایران را برای خطوط هوایی خاص ایرانی داخل کشور صادر کند.

- خرید نفت ایران را در حد فعلی نگاه دارد که در واقع ۶۰ درصد کمتر از دو سال پیش است. به شرطی که ایران به تعهداتش عمل کند ۲/۴ میلیارد دلار حاصل از این فروش به شکل اقساط به ایران منتقل می‌شود.
- ۴۰۰ میلیون دلار از سرمایه‌های دولتی ایران را مستقیماً به مؤسسات آموزشی شناخته‌شده در کشورهای ثالث منتقل کند تا هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی پرداخت شود.

■ مبادلات بشردوستانه

کشورهای ۵+۱ متعهد شده‌اند مبادلات بشردوستانه که در قانون آمریکا مجاز محسوب می‌شوند را تسهیل کنند. کنگره به طور اخص مبادلات بشردوستانه را از فهرست تحریم‌ها حذف کرده است در نتیجه ایران نمی‌تواند از طریق این مسیر به منبع مالی جدیدی دسترسی پیدا کند. تعاملات بشر دوستانه خرید مواد خوراکی، کشاورزی، و دارویی و پزشکی را شامل می‌شود. ما همچنین نقل و انتقالات مالی مرتبط با امور پزشکی با خارج از ایران را تسهیل می‌نماییم. ما این مسیر را برای منافع مردم ایران در نظر گرفته‌ایم.

■ لغو محدود و موقت تحریم‌ها

در کل، حدود ۷ میلیارد دلار از تحریم‌ها برداشته می‌شود و این بخشی از هزینه‌هایی است که ایران در طول این ۶ ماه نیز متحمل می‌شود. بخش اصلی ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های خارجی ایران به علت تحریم غیرقابل دسترس است. در ۶ ماه آینده، فروش نفت خام ایران افزایش نمی‌یابد.

در مقایسه با درآمدهای ایران در یک دوره شش ماهه در سال ۲۰۱۱، تحریم‌های نفتی به تنهایی موجب از دست رفتن ۳۰ میلیارد دلار از درآمدهای ایران (ماهانه ۵ میلیارد دلار) شده است. در حالی که ایران اجازه می‌یابد به ۴ میلیارد و ۲۰۰

میلیون دلار از درآمد نفت خود دسترسی پیدا کند، تقریباً ۱۵ میلیارد دلار از درآمدهایش در این دوره به حساب‌های مسدود شده خارجی منتقل می‌شود. خلاصه آنکه ما انتظار داریم با اجرای این توافق، توازن دارایی‌های ایران در حساب‌های مسدود شده خارجی افزایش یابد نه این که کاهش یابد.

■ تداوم فشارهای اقتصادی بر ایران و حفظ ساختار

تحریم‌ها

در مرحله اول، ما به اجرای تحریم علیه ایران ادامه می‌دهیم و علیه کسانی که سعی می‌کنند تحریم‌ها را دور بزنند، اقدام خواهیم کرد.

تحریم‌های مرتبط با فروش نفت خام ادامه می‌یابد. ما با همکاری متحدان بین‌المللی خود فروش نفت ایران را از دو و نیم میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ به یک میلیون بشکه در روز رسانده‌ایم و ایران دیگر قادر نیست یک و نیم میلیون بشکه نفت خود را به فروش برساند. این موجب از دست رفتن بیش از ۸۰ میلیارد دلار از درآمدهای ایران از آغاز سال ۲۰۱۲ شده است. در این قدم اول، تحریم نفتی اتحادیه اروپا پابرجا باقی می‌ماند و ایران همان ظرفیت فروش یک میلیون بشکه را حفظ خواهد کرد و بدین ترتیب هر ماه ۴ میلیارد دلار از دست می‌دهد.

تحریم‌های مرتبط با صادرات محصولات پتروشیمی به ایران که موجب از دست رفتن میلیاردها دلار از درآمدهای ایران شده است، به قوت خود باقی می‌ماند.

بخش عمده دارایی‌های ۱۰۰ میلیارد دلاری خارجی ایران غیرقابل دسترس باقی می‌ماند.

- دیگر بخش‌های مهم تحریم‌ها دست نخورده باقی می‌ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده‌ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر.

۲. تحریم‌های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم‌های ایران (سیسدا) علیه بانک‌هایی وضع شده است که با شرکت‌ها و اشخاص تحریم شده همکاری می‌کنند.

۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می‌دهند.

۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا

- همه تحریم‌ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته‌ای ایران همکاری می‌کنند، به قوت خود باقی می‌ماند.

- تحریم بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی رانی و کشتی سازی به قوت خود باقی می‌ماند.

- تحریم سرمایه گذاری‌های بلند مدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی می‌ماند.

- تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می‌ماند.

- محدودیت‌های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران به قوت خود باقی می‌ماند و ایران کماکان از داد و ستد با بزرگ‌ترین اقتصاد جهان محروم می‌ماند.

- کلیه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می‌ماند.

- همه تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی ثبات کننده‌اش در بحران سوریه و سوابق بد حقوق بشری‌اش به قوت خود باقی می‌ماند.

■ یک راه حل جامع

در این دوره شش ماهه، گروه ۵+۱ برای رسیدن به یک راه حل جامع مذاکره خواهد کرد. در پارامترهای کلی چنین توافق‌نامه‌ای اقداماتی پیش بینی شده است که به جامعه جهانی در خصوص صلح آمیز بودن ماهیت برنامه هسته‌ای ایران اطمینان می‌دهد. در خصوص این توافق باید بگوییم تا زمانی که کلیه

مسائل برطرف نشود، توافقی حاصل نخواهد شد. در ۶ ماه آینده، ما مشخص خواهیم کرد که آیا راه حلی وجود دارد که به ما درباره صلح آمیز بودن برنامه ایران اطمینان دهد. اگر ایران نگرانی‌های ما را برطرف نکند، ما آماده می‌شویم تحریم و فشار را افزایش دهیم.

■ نتیجه گیری

این قدم اول به خودی خود یک معامله بزرگ محسوب می‌شود. بدون این توافق مرحله‌ای، ایران هزاران سانتریفیوژ دیگر را به چرخش در می‌آورد و سانتریفیوژهای نسل جدید که زمان رسیدن به مرحله آستانه هسته‌ای را کوتاه‌تر می‌کنند، نصب می‌کرد. همچنین می‌توانست رآکتور آب سنگین اراک را راه اندازی کند و ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را افزایش دهد. اما در شرایطی که این توافق ایجاد کرده است، ایران نمی‌تواند هیچ کدام از کارها را انجام دهد. افزون بر این، اگر توافق مرحله‌ای حاصل نمی‌شد، تحریم‌های بین‌المللی با خطر فروپاشی روبرو می‌شد زیرا ایران می‌توانست ادعا کند که در مذاکره جدی بوده اما غرب جدی نبوده است. در این صورت ما نمی‌توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متقاعد سازیم. حالا که توافق حاصل شده است، ما می‌توانیم برنامه ایران را متوقف کنیم و به عقب برانیم و به ایران یک گزینه بدهیم: به تعهدات خود عمل و برای رسیدن به معامله نهایی با حسن نیت مذاکره کند وگرنه جامعه جهانی با تحریم و فشار بیشتر پاسخ می‌دهد.

مردم آمریکا ترجیح می‌دهند یک راه حل صلح آمیز و پایدار حاصل شود که ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز دارد و معاهده منع تکثیر را تقویت کند. این راه حل ظرفیت تحقق اهداف مذکور را دارد. با دیپلماسی قوی و اصولی آمریکا می‌تواند به وظیفه خود در برقراری صلح، امنیت و همکاری عمل کند.

پیوست ۳ مفاد پروتکل الحاقی ۱

ماده ۱ پروتکل، تصریح می‌نماید «مقررات موافقت نامه پادمان، تا جایی که با مقررات این پروتکل مرتبط و منطبق باشند، در این پروتکل اعمال خواهد گردید. در صورت وجود تناقض بین مقررات موافقت نامه پادمان و این پروتکل، مقررات این پروتکل حاکم خواهد بود.»

مواد ۲ و ۳ نیز درباره‌ی ارائه اطلاعات است که ماده ۳ خود شامل ۳ بخش است:

۱- ارائه اطلاعات مورد لزوم توسط کشور عضو برای آژانس که شامل موارد زیر است:

الف) شرح کلی و نیز اطلاعات مشخص کننده مکان اجرای فعالیت‌های تحقیق و

۱ -- کشورهای عضو ان.پی.تی، در سال ۱۹۹۷ برای تقویت هدف جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توافق نامه جدیدی بنام «پروتکل الحاقی» امضا کردند. این سند اختیارات آژانس را برای نظارت بر چگونگی عملکرد کشورهای عضو نسبت به وضعیت قبل از آن بسیار افزایش می‌دهد. جهت اطلاع خوانندگان محترم و با اشاره به این پروتکل در توافقتنامه ژنو، مفاد این پروتکل در اینجا بررسی گردیده است.

توسعه مرتبط با چرخه سوخت هسته‌ای که در آن‌ها از مواد هسته‌ای استفاده نمی‌شود و در هر جایی که توسط کشور تأمین هزینه شود، پروانه فعالیت دریافت نماید، کنترل و یا از طرف کشور اجرا شود.

ب) اطلاعات تعیین شده توسط آژانس و مورد توافق کشور، در مورد فعالیت‌های بهره‌برداری مرتبط با پادمان در مؤسسات و مکان‌های خارج از مؤسسات که در آن‌ها مواد هسته‌ای به طور معمول استفاده می‌شود.

ج) شرح کلی در مورد ساختمان در هر ساخت‌گاه (Site)، شامل کاربری آن و ذکر محتویات آن در صورتی که در شرح کلی روشن و کافی نباشد، نقشه‌ای از سایت نیز باید همراه با شرح کلی باشد.

د) اطلاعات مربوط به معادن اورانیوم و کارخانجات تغلیظ اورانیوم و توریوم.

ه) اطلاعات مربوط به مواد چشمه که به ترکیب و خلوص مناسب جهت تولید سوخت یا غنی‌سازی ایزوتوپی نرسیده‌اند.

و) اطلاعات مربوط به صادرات و واردات موادی که بر اساس موافقت‌نامه INF/CIRC/153 لازم به ارائه آن نبوده است.

ز) اطلاعات مربوط به موادی که از پادمان معاف شده‌اند (به طور مثال موادی که در فعالیت‌های غیر هسته‌ای استفاده می‌شوند).

ح) اطلاعات مربوط به پسماندهایی با پرتوزایی متوسط یا بالا شامل پلوتونیوم، اورانیوم با غنای بالا یا اورانیوم ۲۳۳ که پادمان بر آن‌ها خاتمه یافته است.

ط) تجهیزات و مواد غیر هسته‌ای معین که در ضمیمه ۲ پروتکل فهرست شده است.

ی) برنامه کلی مرتبط با توسعه‌ی چرخه‌ی سوخت هسته‌ای طی ۱۰ سال آینده.

۲-۲ شامل تعهد کشور عضو در مورد:

الف) شرح کلی و نیز اطلاعات مشخص کننده‌ی مکان اجرای فعالیت‌های تحقیق و توسعه مرتبط با چرخه‌ی سوخت هسته‌ای که در آن‌ها از موادی هسته‌ای استفاده

نمی‌شود و در هر جایی توسط کشور عضو تأمین هزینه شده، پروانه‌ی فعالیت دریافت نماید، کنترل و یا از طرف آن کشور اجرا گردد؛

ب) شرح کلی از فعالیت‌ها و مشخصات اشخاص حقیقی و حقوقی جهت چنین فعالیت‌هایی، در مکان‌های شناسایی شده توسط آژانس در خارج از محلی که آژانس آن‌ها را عملاً مربوط به فعالیت‌های آن محل بداند ارائه چنین اطلاعاتی منوط به درخواست ویژه از جانب آژانس است و باید با مشورت با آژانس و به موقع انجام پذیرد؛

۲-۳ بنا به درخواست آژانس، کشور عضو باید در مورد هرگونه اطلاعاتی که بر طبق این ماده ارائه خواهد شد تا آنجا که به اهداف پادمان مربوط است، تفصیلات و توضیحات را در اختیار آژانس قرار دهد. این اطلاعات در مجموع شامل موارد زیر است:
- این اطلاعات باید سالیانه به روز شود؛

- اطلاعات سالیانه در مورد صادرات و واردات مواد هسته‌ای، هنوز به مرحله‌ی اعمال پادمان نرسیده‌اند؛

- اطلاعات سه ماهه در مورد صادرات و واردات تجهیزات و مواد هسته‌ای مشخص شده در ضمیمه دو پروتکل الحاقی؛

- اطلاعاتی در مورد تغییرات در مکان‌های نگهداری پسماندهایی با پرتوزایی بالا و اطلاع قبلی به آژانس در مورد طرح‌های فرآوری بعدی این پسماندها.

ماده ۴ نیز در مورد دسترسی‌های تکمیلی صحبت می‌کند که از موارد اساسی و پایه‌ای اقدامات تحت این پروتکل است. این ماده تشریح می‌نماید که چرا و چه موقع دسترسی‌های تکمیلی باید انجام شود. این دسترسی می‌تواند جهت اطمینان از فقدان هسته‌ای و فعالیت‌های انجام نشده و رفع سؤالات درباره‌ی صحیح و کامل بودن اطلاعات فراهم شده بر طبق ماده ۲ یا حل هر گونه تناقض در رابطه با این اطلاعات باشد. دسترسی‌های تکمیلی همچنین می‌تواند جهت تأیید وضعیت برچیده شدن یک مؤسسه یا مکانی خارج از مؤسسات که معمولاً مواد هسته‌ای در آن‌ها به کار رفته‌اند باشد. این دسترسی باید به جز در مواردی که مربوط به بازدیدهای بررسی اطلاعات

طراحی یا بازرسی‌های ویژه یا معمولی از آن سایت باشد و حداکثر ۲ ساعت یا کمتر از آن و در بقیه موارد حداقل ۲۴ ساعت قبل به اطلاع کشور مورد نظر رسانیده شود. همچنین ماده فوق فرصتی را جهت توضیح و موجبات تسهیل برای رفع شبهه یا تناقض هر مسأله مورد نظر را به کشور عضو می‌دهد. چنین فرصتی پیش از درخواست بازرسی فراهم شد مگر آنکه آژانس تشخیص دهد که تأخیر در بازرسی به هدف و منظور بازرسی لطمه می‌زند.

ماده ۵ نیز تعهد کشورهای عضو را در مورد اجازه دسترسی به مکان‌های مورد نظر بیان می‌دارد. بند ج این ماده نیز اشعار می‌دارد که «هر مکان تعیین شده توسط آژانس به غیر از مکان‌های اشاره شده در بندهای الف و ب این ماده جهت انجام نمونه برداری‌های محیطی مختص آن مکان، چنانچه کشور عضو نتواند امکان دسترسی به این مکان‌ها را فراهم آورد، باید فوراً تلاش معقول خود را جهت برآوردن خواسته‌های آژانس از مناطق مجاور یا از طریق روش‌های دیگر به کار بندد.»

«این بند از پروتکل الحاقی یکی از محل‌های مورد مناقشه است که بسیاری از کارشناسان و نمایندگان مجلس معتقدند کشورها را ملزم به پذیرش تعهدی می‌نماید که مغایر با اصل حاکمیت ملی است و کشور متعهد ناچار است که به نفع یک سازمان بین‌المللی از اصل منافع ملی خود در این مورد صرف نظر نماید.»

ماده ۶ فعالیت‌های مجاز آژانس را در زمان دسترسی به مکان‌های مورد اشاره در ماده ۵ بیان می‌دارد. که این به طور کلی عبارت است از مشاهدات عینی، جمع‌آوری نمونه‌های محیطی، استفاده از دستگاه‌های آشکارسازی و اندازه‌گیری پرتوها و به‌کارگیری انواع مهر و موم و وسایل شناسایی و تشخیص دست‌کاری‌ها بررسی سوابق پادمانی مربوط به تولید و حمل.

ماده ۷ در مورد دسترسی‌های کنترل شده بر طبق این پروتکل جهت پیشگیری از انتشار اطلاعات حساس رعایت مقررات ایمنی یا حفاظت فیزیکی یا حفظ اطلاعات حساس اختصاصی یا تجاری بحث می‌نماید.

ماده ۸ در این ماده عنوان می‌گردد که هیچ یک از مفاد این پروتکل نباید موجب گردد که کشور عضو مکان‌هایی علاوه بر موارد اشاره شده در مواد ۵ و ۹، مورد درخواست برای انجام فعالیت‌های بازرسی در یک مکان خاص، را در دسترس آژانس قرار ندهد. آژانس باید بلادرنگ برای انجام چنین درخواستی به هر تلاش منطقی دست بزند.

ماده ۱۲ نیز از جمله مواردی است که تعهداتی را بر کشورهای اجراکننده پروتکل تحمیل می‌نماید که شاید با حاکمیت ملی آن‌ها در تضاد باشد، اما نباید از نظر دور داشت که این شرایط را ۱۴۵ کشور دنیا پذیرفته و در حال اجرای آن هستند.

این ماده تصریح می‌نماید که کشور عضو باید ظرف یک ماه از تاریخ دریافت یک درخواست، روادید مناسب با مجوز ورود و خروج مکرر و یا روادید عبور را در صورت لزوم، در اختیار بازرس انتخابی و معرفی شده در درخواست، قرار دهد تا بازرس بتواند به منظور انجام وظایف خود وارد قلمرو کشور عضو شده و در آنجا بماند. هرگونه روادید مورد درخواست باید حداقل یک سال معتبر بوده و در صورت درخواست برای مدت انتصاب بازرس مورد نظر در کشور عضو تمدید گردد.

■ بازرسی‌های سر زده (بدون اطلاع)

این بازرسی‌ها شامل بازرسی‌هایی است که بدون اطلاع قبلی در مورد زمان فعالیت‌ها یا مکان‌های مورد بازرسی، در یک بازرسی انجام می‌شود.

در عمل این موضوع، بدان معنی است که کشور و بهره‌بردار، زمانی از قصد بازرسان جهت انجام بازرسی مطلع می‌گردند که بازرسان آژانس به یک سایت وارد شده‌اند. همان‌طور که خاطر نشان گردید این موضوع به طور مشخص مستلزم این می‌باشد که کشور برای چنین بازرسی، ویزایی را از بازرسان درخواست ننماید یا ویزای ورود مکرر به آنان اعطا نماید.

ماده 83INFCIRC/153 در زیر بندهای الف، ب، ج مواد مربوط به بازرسی‌های عادی غیرمعمول و ویژه را مطرح می‌نماید. در ماده ۸۴ نیز به عنوان اقدام تکمیلی

اشاره می‌کند که:

«علیرغم مقررات ماده ۸۳، آژانس می‌تواند به عنوان یک اقدام تکمیلی، بخشی از بازرسی‌های معمولی پیرو ماده ۸۰ را بر طبق اصل نمونه‌برداری اتفاقی، بدون اطلاع قبلی انجام دهد.»

آژانس متعهد شده است که «هرگاه عملی باشد» و بر اساس برنامه‌ی کاری، باید به طور دوره‌ای برنامه کلی بازرسی‌های اعلام شده و اعلام نشده خود را با ذکر کلی زمان‌های پیش بینی شده جهت بازرسی‌ها را به دولت ایران اعلام نماید.

ذکر واژه Whenever Practicable - هرزمان که قابل اجرا باشد - نیز به صورت کلی می‌تواند تفاسیر مختلفی را در مورد امکان اعلام یا عدم اعلام به همراه داشته باشد.

در خصوص مکان‌هایی که مرتبط با مواد هسته‌ای بوده ولی حاوی مواد هسته‌ای نمی‌باشد نیز لزوم اخذ مجوزهای تکمیلی جهت انجام وظیفه آژانس برای بازرسی‌های بدون اطلاع قبلی احساس شده که در INF/CIRC/153 پیش بینی گردیده است. دسترسی به دیگر مکان‌های مورد نظر آژانس نیز باید به صورت موضوع و از طریق توافقات داوطلبانه با کشور صورت گیرد که مفهوم بازرسی‌های بدون اطلاع به این مکان‌ها مربوط نمی‌شود.

حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی):

من فکر نمیکنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتمانی تجربه‌ای ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت میکنند، کار میکنند، قرص و محکم حمایت میکنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. یکی از طرفدها و خلاف‌گویی‌ها این است که این‌چور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ میکنند. البته تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط میدهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ میکنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطا است... به دشمنی که لبخند میزند، اعتماد نکنید؛ مراقب باشید لبخند فریگرانه شما را دچار اشتباه نکند، دچار خطا نکند؛ ریزه‌کاری‌های کار دشمن را ببینید.